

بسم الله الرحمن الرحيم

مسیحت

از واقعیت تا تحریف

دکتر محمد حسن قدیری ایبانه

www.ghadiri.ir
mh.ghadiri@gmail.com

بنیاد بعثت

آبان ۱۳۹۰

سرشناسه : قدیری ابیانه، محمدحسن، ۱۳۳۲ -
 عنوان و نام پدیدآور : مسیحیت از واقعیت تا تحریف / نویسنده محمدحسن قدیری ابیانه.
 مشخصات نشر : تهران: بنیاد بعثت، ۱۳۹۰.
 مشخصات ظاهری : ۱۵۶ ص.: مصور.
 شابک : ۹۷۸-۳۰۹-۹۶۴-۷۸۵-۱
 وضعیت فهرست نویسی : فیبا
 موضوع : اسلام و مسیحیت
 موضوع : اسلام و ادیان دیگر
 موضوع : بدعت و بدعت‌گذاران مسیحی
 رده بندی کنگره : BP۲۲۷/۳۰۳ ۱۳۹۰م۴ق/
 رده بندی دیویی : ۴۷۳/۲۹۷
 شماره کتابشناسی ملی : ۲۳۵۲۰۵۲



مرکز چاپ و نشر بنیاد بعثت

نام کتاب : مسیحیت از واقعیت تا تحریف

مؤلف : دکتر محمدحسن قدیری ابیانه

چاپ دوم : آبان ۱۳۹۰

تیراژ : ۵۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی : چاووش

چاپخانه : صاحب کوثر

مرکز پخش : تهران - خیابان سمیه - پلاک ۱۷۳ بنیادبعثت

تلفن ۸۸۸۲۲۳۷۴ ص.پ ۱۳۶۱ - ۱۵۸۱۵

حق چاپ برای مؤلف محفوظ است

ISBN: ۹۷۸-۹۶۴-۳۰۹-۷۸۵-۱

شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۳۰۹-۷۸۵-۱

قیمت ۱۲۰۰ تومان

بسم رب الشهداء

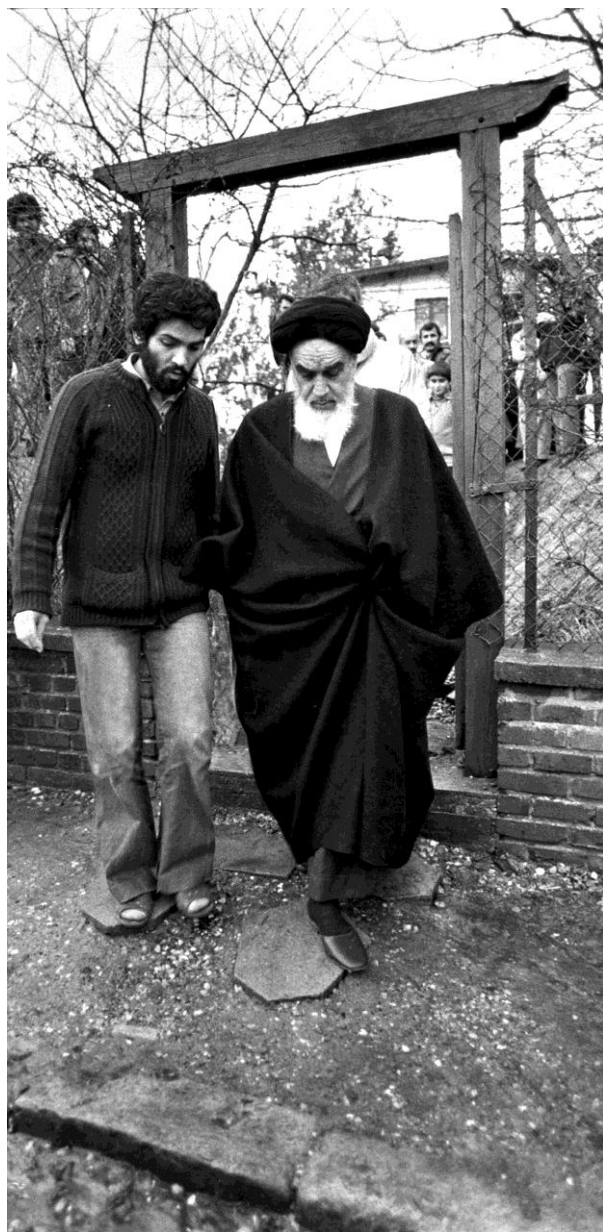


این کتاب را به شهید ایتالیایی، مهدی ادواردو آنیلی Edoardo Agnelli فرزند سوپر میلیاردر ایتالیایی که از پدری یهودی و مادری کاتولیک به دنیا آمد تقدیم می‌کنم. وی با شناخت کامل از مسیحیت و یهودیت با خواندن قرآن، اسلام را برگزید و در این راه از آن همه ثروت گذشت و جان خویش را نیز در این راه نهاد و به خیل شهدا پیوست.

روحش شاد.

محمد حسن قدیری ابیانه





محمد حسن قدیری ایبانه دفرانسه کنار حضرت امام خمینی (ره) ۱۳۵۷

دربارهٔ مولف

دکتر محمد حسن قدیری ابیانه در سال ۱۳۳۲، در تهران به دنیا آمد. تحصیلات دانشگاهی خود را در سال ۱۳۵۱ در فلورانس ایتالیا آغاز نمود. در ۱۳۵۳، هنگامی که ۲۰ سال داشت، اولین انجمن اسلامی دانشجویان ایرانی در ایتالیا را پایه گذاری نمود و بر علیه رژیم سلطنتی وقت ایران و در راه پیروزی انقلاب اسلامی مبارزه کرد. در اواخر سال ۱۳۵۷ به امام خمینی (ره) در فرانسه پیوست. فعالیت دیپلماتیک خود را از آغازین روزهای انقلاب اسلامی به عنوان اولین رایزن مطبوعاتی در سفارت ایران در ایتالیا آغاز نمود.

در سال ۱۳۶۱، تحصیلات خود را در رشته معماری در فلورانس ایتالیا به پایان برده و دارای درجهٔ دکترا در علوم استراتژیک از تهران می باشد.

به زبانهای انگلیسی، اسپانیایی، ایتالیایی آشنایی دارد. وی اولین دوست ایرانی شهید مهدی ادواردو آنیلی و عامل معرفی تشیع به او و در نتیجه تشریف وی به تشیع بود.

سمت سفیر جمهوری اسلامی ایران در استرالیا، بلیز، گواتمالا و مکزیک را در سابقهٔ دیپلماتیک خود دارد.

وی کتابهای "اسلام بدون تحریف" را به زبان اسپانیایی و کتاب "این است اسلام" را به زبانهای اسپانیایی و انگلیسی به رشته تحریر در آورده که در مکزیک منتشر شده است. کتابهای "زن در اسلام و غرب" و "اسلام در مقایسه با مسیحیت" و "عوامل و موانع فرهنگی کار و پیشرفت" نیز به زبان فارسی و کتاب "زنان در اسلام" به زبان انگلیسی از آثار او است.



فهرست

در بارهٔ مولف.....	۵
مقدمه.....	۹
فصل اول : پیامبران.....	۱۵
پیامبران ^(ع) و عدل الهی.....	۱۷
اسلام، بر وحی های ما قبل از اسلام صحه می گذارد.....	۱۹
آدم و حوا در قرآن.....	۲۱
پیامبران ^(ع) در اسلام.....	۲۲
وظایف بشریت در قبال پیامبران.....	۲۳
ابراهیم ^(ع) ، پیامبر اسلام.....	۲۶
موسی ^(ع) ، پیامبر اسلام.....	۲۸
فصل دوم : مریم (س) و عیسی (ع) در اسلام.....	۳۱
مریم باکره ^(س) در اسلام.....	۳۴
ولادت عیسی ^(ع)	۳۵
عیسی ^(ع) ، پیامبر اسلام.....	۴۰
فروتنی عیسی ^(ع)	۴۶
معجزات مسیح ^(ع)	۴۶
در بارهٔ مصلوب ساختن عیسی ^(ع)	۴۹
عیسی ^(ع) ، در انجیل خود را "پیامبر" می خواند.....	۵۲
یهودیان، مسیحیان و مسلمانان.....	۵۶
مسیحیان در قرآن.....	۵۷
عروج عیسی ^(ع) به آسمانها.....	۵۹
پیامبران بعدی، پس از عیسی ^(ع)	۶۱
فصل سوم : مقایسه اسلام، کاتولیسیسم و یهودیت.....	۶۳
مقایسه مفهوم خدا.....	۶۵
مقایسه دعا.....	Error! Bookmark not defined.
مقایسه ایمان.....	۶۹
مقایسه عیسی ^(ع) و مریم ^(س)	۷۲
مقایسه موضوع گناه ذاتی.....	۷۵
مقایسه ازدواج.....	Error! Bookmark not defined.
مقایسه زن مقایسه زن در اسلام و فرهنگ اروپایی.....	۸۱
مقایسه ایمان آوردن.....	۸۳
مقایسه وظایف در قبال پیامبران.....	Error! Bookmark not defined.
فصل چهارم : نکته ها.....	۸۹



۹۱	دگماتیسم مذهبی.....
۹۱	دگربارهٔ تثلیث در قرآن.....
۹۳	دربارهٔ تثلیث در عهد عتیق:.....
۹۵	سه گانگی خدا.....
۹۶	به تصویر کشیدن خدا.....
۹۶	ترس مسیح ^(۴) از به صلیب کشیده شدن.....
۱۰۳	منابع درآمدی واتیکان.....
۱۰۳	معدم ازدواج کشیشان.....
۱۰۴	همجنس گرایی در بین کشیشان.....
۱۰۳	رسوایی اخلاقی کشیش ملازم پاپ.....
۱۰۴	بخشش گناهان.....
۱۰۸	گناه ذاتی و غسل تعمید.....
۱۰۹	فروش برزخ.....
۱۰۹	فروش جهنم.....
۱۰۹	واسطه ازدواج.....
۱۱۰	واسطه انسان با خدا.....
۱۱۰	ورود به مسیحیت.....
۱۱۰	زندگی پر از فساد پاپ الکساندر بورجا.....
۱۱۲	پایی که زن از آب در آمد.....
۱۱۲	لاپوشانی تجاوز به کودکان توسط پاپ فعلی.....
۱۱۵	کفر بودن مسکونی دانستن آن سوی زمین!!.....
۱۱۳	قرآن و علوم مدرن.....
۱۲۱	آیتی برای بشریت: سرنوشت فرعون.....
	Error! Bookmark not defined.
۱۳۲	ملکه دانایی یا ملکه زیبایی!.....
۱۳۹	فصل پنجم : شکنجه روشی برای ترویج مسیحیت
۱۳۲	طرح سوالات مربوط به کتاب.....
۱۳۲	جدول برای درج پاسخ سوالات.....



إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ

در این، نشانه روشنی است برای جمعیتی که اندیشه می‌کنند!

(قرآن کریم - سوره نحل - آیه ۶۷)

استراتژی واتیکان از زبان جناب پاپ رهبر کاتولیک‌های جهان در قبال ایران ترویج کلیساهای خانگی است.

آن‌ها به انواع مختلف روش‌ها در صدد جذب جوانان ایرانی هستند، البته این سیاست مختص ایران نیست، بلکه سیاستی همه جانبه در قبال اسلام و در راستای جنگ تمدنها است.

این جنگ، از اشغال عراق، افغانستان و کشتار مسلمانان گرفته، تا تخریب مساجد و تجزیه کشورهای اسلامی اندونزی و سودان و حاکم کردن حکومت‌های سکولار در کشورهای اسلامی و حمایت از اسرائیل و جنایاتش علیه مسلمانان و نیز ترغیب جوانان به پذیرش مسیحیت به عنوان پیش شرط کسب ویزای اقامت در غرب و تحریف واقعیت اسلام و تبلیغ بر علیه آن را در بر می‌گیرد.

آنها مسیحیان را صلح طلب معرفی می‌نمایند. حال آنکه جنگ اول و دوم جهانی بین مسیحیان درگرفت و ده‌ها میلیون نفر را در این جنگ کشتند.

آن‌ها خود را مخالف خشونت معرفی می‌کنند، حال آنکه به وحشی‌ترین روش‌های شکنجه برای ترویج مسیحیت روی آوردند. موزه‌های شکنجه در غرب، ابزار و روش‌های شکنجه‌های باورنکردنی به دست کشیشان و راهبه‌ها را به نمایش گذاشته‌اند.

(تصاویر شکنجه در آخر کتاب)



آنها خود را طرفدار گسترش علم معرفی می‌کنند، در حالی که داستان محکومیت گاليله به اعدام توسط کلیسا به جرم کروی دانستن کره زمین را همگان می‌دانند.

اصولا پیشرفت در غرب نتیجه کنار زدن مذهب تحریف شده مسیحیت امروزی است و خود به آن اعتراف دارند .

عده‌ای آزادی شهوت‌رانی در غرب را دلیلی برای جذب جوانان غرب‌زده قرار می‌دهند، حال آنکه در مکتب مسیحیت رایج، حتی لذت بردن از روابط زناشویی امری مذموم است و این روابط فقط برای بقای نسل بشر مجاز شمرده شده و لذا کشیشان و راهبه‌ها به بهانه اینکه به خدا نزدیک باشند از ازدواج منع شده‌اند. حکم حجاب نیز در مسیحیت همچون حکم اسلام است و مطابق با اناجیل، زنان موظفند محجبه باشند و بی‌حجابی موجود در غرب ربطی به مسیحیت ندارد، هر چند امروزه بسیاری از کشیشان خود غرق در فساد هستند.

در ارتباط با درگیری واتیکان در سیاست‌های ضد مردمی، شاید گفته شود که اینها سیاست‌های قدیمی مسیحیان و واتیکان بوده است. لیکن واقعیت این است که امروزه هم سیاست همان است.

امروز پول‌های مسیحیان که به کلیساها اهداء می‌گردد، در بانک واتیکان جمع‌آوری و از جمله در کارخانجات تولید سلاح در آمریکا از جمله در کارخانجات لاکهید سرمایه‌گذاری می‌شود. سلاح‌هایی که برای کشتار مردم و سلطه بر جهان به مصرف می‌رسد.

از زمان ظهور امپریالیسم آمریکا سیاست‌های واتیکان تحت تاثیر و نفوذ کاخ سفید بوده و در زمان هیتلر و موسولینی نیز واتیکان و کلیساهای آن حامی نازیسم و فاشیسم بوده‌اند و در زمان استعمار نیز کلا کلیسا پیش‌قراول و همراه استعمار در سلب آزادی



و استقلال ملت‌ها نقش اساسی ایفا کرده است. حتی پاپ فعلی نیز خود جزو سپاهیان هیتلر بوده و از آنها حمایت کرده است. ممکن است گفته شود که اصل مسیحیت با آنچه مسیحیان و واتیکان و کلیساها در گذشته و حال انجام می‌دهند متفاوت است. موضوع این کتاب در مورد اصل مسیحیت از نظر دیدگاه‌ها و نه صرفاً عملکردهاست.

لذا در اینجا علاوه بر اشاراتی به فساد گسترده کشیشان و تجاوزهای آنها به کودکان که امروزه امری عادی و البته تیر روزمره رسانه‌های غربی است بر اصل مکتب مسیحیت اشاراتی داریم.

البته مسیح^(ع) از دیدگاه اسلام پیامبری اولوالعزم است و قرآن معجزات بیشتری نسبت به انجیل برای آن حضرت قائل است. یک مسلمان نمی‌تواند مسیح^(ع) را نفی کند و اصولاً اسلام ادامه مسیحیت راستین و در امتداد آن است. لیکن انجیل امروزه مسیحیان سالها و در مواردی قرن‌ها پس از حضرت مسیح^(ع) به رشته تحریر در آمده است، آنهم به زبان یونانی و در غرب، در حالی که زبان حضرت عیسی^(ع) آرامی بوده و وی در فلسطین (خاورمیانه) می‌زیسته است و لذا تحریفات زیادی در آن صورت گرفته است.

در کتاب حاضر دیدگاه اسلام نسبت به حضرت عیسی^(ع) و مریم مقدس^(س) و نیز نگاه مسیحیت جاری به آن حضرت مورد توجه و کنکاش قرار گرفته است و مقایسه‌ای است بین این دو. این کتاب به حقایق اشاره می‌کند که معمولاً مبشرین مسیحی از بیان آن در جوامع اسلامی پرهیز می‌کنند.

در کتابی که تحت عنوان "این است اسلام" به زبانهای اسپانیایی و انگلیسی به رشته تحریر در آورده‌ام و به چاپ رسیده



است، به موضوع مطرح در کتاب حاضر نیز پرداخته‌ام. بزرگ کلیساهای شمال مکزیک آن کتاب را بسیار خطرناک ارزیابی کرده است، زیرا که پرده‌ها را کنار می‌زند و واقعیت اعتقادات آنان را برملا ساخته و به تشریح دیدگاه‌های اسلامی (که با چهره تحریف شده توسط آنان از اسلام تفاوت دارد) پرداخته است.

این کتاب به "دگماتیسم مذهبی" که مبنای ایمان مسیحی است، عواقب اعتقاد به سه خدایی، اعتراف به گناهان، مراسم خداخوری (عشاء ربانی)، گناهکار دانستن نوزادان حتی در رحم مادر و فلسفه غسل تعمید، توهین‌هایی که در انجیل تحریف شده به حضرت مسیح (ع) شده و اشکالات در عبادات آنها و امثالهم می‌پردازد.

لازم به ذکر است که طرح این موضوعات در سخنرانی‌هایم در غرب و ارائه منطق اسلام به زبانی ساده موجب شده بود که افراد زیادی به اسلام گرایش پیدا کنند.

امید است این کتاب پرده‌ها را از بخشی از حقایق کنار زده و نه تنها مانع فریب خوردن افراد شود، بلکه پیروان ادیان مختلف و بویژه مسیحیت را نیز به تفکر وادارد. تفکری که بر خلاف آموزه‌های کلیسا نه تنها گناه نیست بلکه یک ساعت آن، مطابق با حدیث نبوی، از ۷۰ سال عبادت بالاتر است.

نگارنده احترام وافر نسبت به پیروان ادیان الهی و بویژه برای مسیحیان قائل است و در این کتاب صرفاً به نقد و معرفی دیدگاه‌ها با رعایت کمال احترام پرداخته است.

هرچند نقد باورهای مسیحیان خوشایند آنان نباشد و انتظار داشته باشند دگماتیسم مذهبی بر دیگران نیز حکم فرما باشد، لیکن همانطور که حضرت محمد (ص) فرموده‌اند "ما کسانی هستیم که در مورد دین خدا مباحثه می‌کنیم".



اینجانب آمادگی خود را جهت مباحثه پیرامون موضوعات فوق
با مسیحیان اعلام می‌دارم.

(...) لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ
أَحْسَنَهُ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَٰئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَبَابِ
(...) بر آنان مژده باد، پس بندگان مرا بشارت ده. آنان که سخن
را با دقت می‌شنوند و بهترین آن را پیروی می‌کنند، آنانند که
خداوند هدایتشان نموده و آنانند همان خردمندان.

(قرآن کریم- آیات ۱۷ و ۱۸ از سوره زمر)

از بنیاد بعثت که نسبت به چاپ این کتاب اقدام کرد نهایت تشکر
را دارم.

در چاپ حاضر به نسبت چاپ قبلی مطالب و تصاویر بیشتری
مورد استفاده قرار گرفته و صفحات کتاب بیشتر از چاپ قبلی
است. در قسمت پایانی کتاب، سوالات چهار جوابی طراحی شده
است تا احيانا در مسابقات کتابخوانی مورد بهره‌برداری قرار بگیرد.

توجه شما را به این کتاب جلب نموده و کمال تشکر را از کسانی
دارد که نظرات و نقدهای خویش را از طریق ایمیل ارسال دارند.

ضمناً نسخه دیجیتالی این کتاب به همراه طرح سوالات و جدول
پاسخ‌ها را می‌توان از طریق سایت شخصی نگارنده دریافت نمود.

در نسخه دیجیتالی کتاب به منابع اصلی مطالب لینک دانه شده
است و با یک کلیک می‌توان منبع اصلی را ملاحظه نمود.

محمد حسن قدیری ابیانه

Mh.ghadiri@gmail.com

www.ghadiri.ir

آبان ۱۳۹۰



فصل اول

پیامبران

پیامبران (ع) و عدل الهی

مَنْ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَ
كَاتِرُ وَاذِرُهُ وَزَرُ الْآخِرَىٰ وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ نَبْعَثَ رَسُولًا

هر کس هدایت یافت، پس همانا به سود خویش هدایت یافته است و هر کس گمراه شد، تنها به زیان خویش گمراه شده است و هیچ کس بار گناه دیگری را به دوش نمی‌کشد و ما هرگز عذاب کننده نبوده ایم، مگر آنکه پیامبری بفرستیم (و اتمام حجت کنیم).

(قرآن کریم- آیه ۱۵ از سوره اسراء)

خداوند موجود است، خالق همه چیز است، احد است و واحد، مطلق، مدبر و حکیم، بر همه چیز آگاه و در ذات خود عادل است.

خداوند عادل است، عدالت را دوست دارد و آنرا در رابطه با همه چیز جاری می‌سازد. عدالت الهی در تمامی سطوح خلقت قابل مشاهده است.

این عدالت، موجب ارتباط میان خداوند و بشریت گردیده تا از این طریق انسان را به سوی آسایش و خوشبختی رهنمون شود. خداوند، راهنمایان و رهبرانی فرستاده است تا به عنوان نمونه و الگو به هدایت مردم به سوی نیکی و خارج ساختن آنان از نادانی و تردید بپردازند.

عادلانه نیست افرادی به جهنم روند بدون اینکه قبلاً هدایت شده باشند.

بهمین دلیل، طبق دین اسلام، برگزیده شدن پیامبران (ع) از سوی خداوند، در حیطه عدالت الهی جای می‌گیرد. همه پیامبران، از آدم (ع) گرفته تا محمد (ص)، برای ابلاغ پیامی مشترک برگزیده شدند.

پیامبران سه وظیفه اصلی بر عهده داشتند:

■ آگاهی دادن ، از قبیل وحدانیت خداوند و مشیت الهی
برای بشریت، عدل الهی و معاد.

■ مشخص کردن اعمال نیک و شر ، و آموزش تمیز میان
خوب و بد.

■ دعوت به پیروی از صراط مستقیم، و اعمال نیک و
پرهیزدادن از اعمال بد.

برخی از پیامبران (ع)، به مسئولیت حکومت نیز رسیدند، مانند
داوود (ع)، سلیمان (ع) و محمد (ص).

برای حرکت ما بسوی هر یک از دو نهایت، تحمیلی وجود
ندارد. پیامبران (ع) و ابلیس هم در جایگاه خود، ما را به پیروی از
طریقی فرا می خوانند. هیچکدام مأموریت و یا قدرت تحمیل را
ندارند. پس از ابلاغ خداوند به نیکی، انذار و دعوت، خداوند
"معاد بشریت" را برپا می کند. یعنی در جایی که اعمال مورد
قضاوت قرار گرفته و عدالت با تمام معنای خود جاری می گردد.

وَمَا كَانَ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَى حَتَّى يَبْعَثَ فِي أُمَمٍ رَسُولًا يَتْلُوا
عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا وَمَا كُنَّا مُهْلِكِي الْقُرَى إِلَّا وَأَهْلُهَا ظَالِمُونَ

و پروردگارت قریه ها (و شهرها) را نابود نمی کند، مگر این که
در میان آنان پیامبری برانگیزد، که آیات ما را بر آنان تلاوت کند و
ما هیچ آبادی را هلاک نکردیم مگر آنکه اهل آن ظالم بودند.

۰ (قرآن کریم- آیه ۵۹ از سوره قصص)

إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا وَلَكِنَّ النَّاسَ أَنْفُسُهُمْ يَظْلِمُونَ
قطعاً خداوند هیچ ظلمی به مردم نمی کند، اما این خود مردمند

که به خویشتن ستم می کنند. (قرآن کریم- آیه ۴۴ از سوره یونس)



وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَمَةِ فَلَا تُغْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِنْ كَانَ
مُتَقَالًا حَبَّةٌ مِّنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَى بِنَا حَسِيبِينَ

و ما برای روز قیامت، ترازوهای عدل برپا خواهیم کرد، پس
(در آن روز) هیچ ستمی به احدی نخواهد شد و اگر (عملی)
همسنگ دانه‌ی خردلی (هم) باشد، ما آنرا (برای محاسبه) خواهیم
آورد و (همین قدر در دقت محاسبات) کافی است که ما حسابرس
باشیم. (قرآن کریم - آیه ۴۷ از سوره انبیاء)

اسلام، بر وحی‌های ما قبل از اسلام صحه می‌گذارد

کتاب آسمانی نازل شده پیش از قرآن، از شأن والایی نزد
مسلمانان برخوردارند، معذک، ایشان معتقدند که این کتب، از
روی قصد و غرض یا بر اثر فاصله زمانی ما بین وقایع نقل قول
شده و زمان کتابت آنها، دستخوش تحریف گشته‌اند. همانطور که
می‌دانیم، تورات و انجیل دهها سال. پس از آنها، یعنی دریافت
کنندگان وحی الهی، به رشته تحریر درآمده‌اند.

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا مِّمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ
مِنَ الْكِتَابِ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَ كِتَابٌ
مُّبِينٌ يُهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُم مِّنَ
الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

ای اهل کتاب! همانا پیامبر ما به سویتان آمد، در حالی که
بسیاری از آنچه را شما از کتاب (آسمانی) پنهان می‌کردید برای
شما بیان می‌کند و از بسیاری (خلاف‌ها یا حقایقی که شما پنهان
کرده‌اید و فعلاً نیازی به آنها نیست) درمی‌گذرد. قطعاً از سوی
خداوند، نور و کتاب آشکار برایتان آمده است. خداوند به وسیله‌ی
آن (کتاب) کسانی را که بدنبال رضای الهی‌اند، به راه‌های امن و

عافیت هدایت می‌کند، و آنان را با خواست خود از تاریکی‌ها به روشنایی درمی‌آورد، و به راه راست هدایت می‌کند.

(قرآن کریم- آیات ۱۶ و ۱۵ از سوره مائده)

وحی‌های الهی نازل که محتوای قرآن را تشکیل می‌دهند، نسخه اصلی وحی‌های پیشین را مورد تأیید قرار داده و نقش مکمل را برای آنها ایفا می‌نمایند:

وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَ
مُهَيِّمًا عَلَيْهِ فَاحْكُم بَيْنَهُم بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا
جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَ مِنْهَا جَاءَ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ
لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ لِنَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ
إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَنُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ

و ما کتاب (قرآن) را به حق بر تو نازل کردیم، در حالی که کتب آسمانی پیشین را تصدیق می‌کند و حاکم و حافظ آنها است. پس به آنچه خداوند نازل کرده، میان آنان حکم کن و (با دور شدن) از حقی که برای تو آمده، از هوا و هوس آنان پیروی مکن، ما برای هر یک از شما آیین و طریقه‌ی روشنی قرار دادیم، و اگر خداوند می‌خواست، همه‌ی شما را یک امت قرار می‌داد (و همه یک قانون و آیین داشتید). ولی (خداوند می‌خواهد) تا شما را در آنچه به شما داده بیازماید، پس در کارهای نیک سبقت بگیرید، (و بدانید که) بازگشت همه‌ی شما به سوی خداست، پس او شما را به آنچه در آن اختلاف می‌کردید آگاه خواهد ساخت.

(قرآن کریم- آیه ۴۸ از سوره مائده)

مسلمانان بر این عقیده اند که بین کتب آسمانی پیشین متعلق به سه دین ابراهیمی (یهودیت، مسیحیت و اسلام) هیچگونه تضادی وجود ندارد اما، تورات و انجیل در طول زمان دستخوش تغییراتی از جمله حذف برخی موارد و افزودگی مطالب دیگر به آنها، مانع



از آن گشته‌اند تا این متون مقدس بدون خدشه بدست ما برسند. معذک، مسلمانان برای یهودیان و مسیحیان احترامی بسیار قائل هستند و با تاکید بر نقاط اشتراک، آنها را به فعالیتی مشترک به سوی صلح، عدالت، مبارزه با فساد و مقابله با انحطاط ارزش‌های اخلاقی دعوت می‌نمایند.

آدم و حوا در قرآن

وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ

و گفتیم: ای آدم! تو با همسرت در این باغ سکونت کن و از (هر کجای) آن هر چه می‌خواهید به فراوانی و گوارایی بخورید، اما به این درخت نزدیک نشوید که از ستمگران خواهید شد.

• (قرآن کریم- آیه ۳۵ از سوره بقره)

آدم (ع)^۴ آفریده شد تا اولین نماینده خداوند از جنس انسان بر روی زمین باشد. آدم آفریده نشد تا در بهشت سکنی گزیند، اگرچه بهتر می‌بود چنانچه وی... به رانده شدن از عدن را بر اقامت در آن معاوضه نمی‌کرد و باین ترتیب می‌توانست با عزت و احترام در آن بسر برده و به همراه همسرش، از احترام و تکریم فرشتگان برخوردار باشند.

فَقُلْنَا يَا آدَمُ إِنَّ هَذَا عَدُوٌّ لَكَ وَلِزَوْجِكَ فَلَا يُخْرِجَنَّكُمَا مِنَ الْجَنَّةِ فَتَشْقَى.

ای آدم! همانا این (ابلیس) دشمن تو و همسر توست، پس (مواظب باش که با وسوسه‌هایش) شما را از بهشت بیرون نکند.

• (قرآن کریم- آیه ۱۱۷ از سوره طه)

هنگامی که آدم و حوا از درخت ممنوعه خوردند، خداوند به ایشان گفت که از مرتبه قرب الهی دور گشته‌اند و آنان را برای



مدتی به حال خود رها نمود، تا اینکه توبه ایشان را پذیرفت. قرآن کریم، از آفرینش حضرت عیسی ^(ع) مشابه آفرینش آدم یاد می‌کند. به این ترتیب، تصور الوهیت عیسی ^(ع) را نفی می‌نماید. به همین واسطه، آدم و حوّا نیز با وجود اینکه در معجزه‌ای بزرگ از پدر و مادری زاده نشدند، بشر هستند. به همین ترتیب، حضرت عیسی ^(ع) که بنابر معجزه الهی، بدون پدر پا به عرصه وجود نهاد نیز بشر است.

إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُنْ مِّنَ الْمُمْتَرِينَ
همانا مثل (آفرینش) عیسی نزد خداوند، همچون مثل (آفرینش) آدم است که او را از خاک آفرید و سپس به او فرمود: باش، پس موجود شد. حق، همان است که از جانب پروردگار توسست، پس از تردید کنندگان مباش.

(قرآن کریم- آیات ۶۰ و ۵۹ از سوره آل عمران)

پیامبر اسلام، حضرت محمد ^(ص) فرمود: همه انسانها، از آدم ^(ع) تا به امروز، مانند دندانهای شانه با هم برابرند؛ نه عرب را بر عجم برتری هست، نه سفید را بر سیاه، مگر به ملاک تقوی.

پیامبران ^(ع) در اسلام

إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَإِنْ مِنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ
وَإِنْ يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ
وَبِالْزُبُرِ وَبِالْكِتَابِ الْمُنِيرِ

بشارت و هشدار فرستادیم و هیچ امتی نبوده مگر آن که در آن هشدار دهنده‌ای گذشته است. و اگر تو را تکذیب می‌کنند (نگران مباش، زیرا) بدون شک کفّاری که پیش از آنان بودند نیز (انبیا را) تکذیب نمودند، پیامبرانمان همراه با معجزه‌ها و دلایل آشکار و

نوشته‌ها و کتاب روشنگر به سراغشان آمدند (اما آنان ایمان نیاوردند). (قرآن کریم- آیه های ۲۴ و ۲۵ از سوره فاطر)

در تمامی طول تاریخ، الگوی زندگی، رفتار و منش و تعلیمات پیامبران، طی تمامی دوران‌ها به نحوی مستمر روشنگر راه نسل‌های بشریت بوده است.

مسلمانان، بوسیله کتاب مقدس خود قرآن و تعلیمات بجای مانده از حضرت محمد^(ص)، به مجموعه‌ای عظیم از اطلاعات و دانسته‌ها در رابطه با زندگی پیامبران پیشین دسترسی دارند، لذا تعلیمات این آموزگاران بزرگ به همه ابناء بشر، در همه دوران‌ها، بدون هیچگونه تبعیضی تعلق دارند.

بنابر اعتقاد شیعه، شمار پیامبران ۱۲۴ هزار می‌باشد که ۵ نفر از آنها اولوالعزم بوده‌اند، که عبارتند از: نوح^(ع)، ابراهیم^(ع)، موسی^(ع)، عیسی^(ع) و محمد^(ص).

وظایف بشریت در قبال پیامبران

خداوند، پیامبرانی را به عنوان راهنما مبعوث نمود که این امر، وظایفی را در برابر خداوند بر دوش بشر می‌گذارد. این وظیفه شامل گوش فرادادن به پیام الهی و پیروی از آن برای در پیش گرفتن رویه‌ای مطابق با دستورالعمل الهی است، چرا که خداوند به حساب ما در این رابطه رسیدگی خواهد کرد. عهد عتیق نیز از زبان خداوند متعال خطاب به حضرت موسی^(ع) به این موضوع اشاره می‌کند:

"نبی‌ای را برای ایشان از میان برادران ایشان مثل تو مبعوث خواهم کرد و کلام خود را به دهانش خواهم گذاشت و هر آنچه به او امر فرمایم، به ایشان خواهد گفت. و هر کس که سخنان مرا

که از طرف من می‌گوید - نشنود، من خود او را مواخذه خواهم کرد". (عهد عتیق - سفر تثنیه - فصل ۱۸ - آیات ۱۸ و ۱۹)

"هرآینه اگر قول یهوه، خدای خود را بشنوی، و آنچه را در نظر او راست است بجاآوری، و احکام او را بشنوی، و تمامی فرایض او را نگاه‌داری، همانا هیچیک از همهٔ مرضیهایی را که بر مصریان آورده‌ام بر تو نیاورم، زیرا که من یهوه، شفا دهنده تو هستم". (عهد عتیق - سفر خروج - فصل ۱۵ - آیه ۲۶)

و قرآن می‌فرماید:

وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْنُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَلَتَنْصُرُنَّهُ قَالَ أَأَقْرَرْتُمْ وَأَخَذْتُمْ عَلَىٰ ذَٰلِكُمْ إِصْرِي قَالُوا أَقْرَرْنَا قَالَ فَاشْهَدُوا وَأَنَا مَعَكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ

فَمَنْ تَوَلَّىٰ بَعْدَ ذَٰلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ أَفَغَيَّرَ دِينَ اللَّهِ يَتَّبِعُونَ وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ قُلْ ءَامَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنْزِلَ عَلَيْنَا وَمَا أُنْزِلَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ وَ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَآلِ سُبُاطٍ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَ عِيسَىٰ وَالنَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ يَفْ يَهْدِي اللَّهُ قَوْمًا كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ وَشَهِدُوا أَنَّ الرَّسُولَ حَقٌّ وَجَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ أُولَٰئِكَ جَزَاؤُهُمْ أَنَّ عَلَيْهِمْ لَعْنَةَ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ خُلِدِينَ فِيهَا لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنْظَرُونَ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَٰلِكَ وَأَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ ثُمَّ أَزْدَادُوا كُفْرًا لَّنْ تَقْبَلَ تَوْبَتُهُمْ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الضَّالُّونَ

و (بیاد آور) هنگامی که خداوند از پیامبران (پیشین) پیمان گرفت که هرگاه به شما کتاب و حکمتی دادم، سپس پیامبری به

سوی شما آمد که آنچه را با شماست تصدیق می‌کرد، باید به او ایمان آورید و او را یاری کنید. (سپس خداوند) فرمود: آیا به این پیمان اقرار دارید و بار سنگین پیمان مرا (بر دوش) می‌گیرید؟ (انبیا در جواب) گفتند: (بلی) اقرار داریم، (خداوند) فرمود: خود شاهد باشید و من هم با شما از جمله گواهانم.

پس کسانی که بعد از این (پیمان محکم) روی برگردانند، آنان همان فاسقانند. پس آیا آنها جز دین خدا (دینی) می‌جویند؟ در حالی که هر که در آسمان‌ها و زمین است، خواه ناخواه فقط تسلیم اوست و به سوی او بازگردانده می‌شوند. بگو: به خدا و آنچه بر ما نازل شده و آنچه بر ابراهیم و اسماعیل و اسحق و یعقوب و اسباط (پیامبران از نسل یعقوب) نازل گردیده و آنچه به موسی و عیسی و پیامبران دیگر، از طرف پروردگارشان داده شده (به همه‌ی آنها) ایمان آورده‌ایم و میان هیچ‌یک از آنها فرقی نمی‌گذاریم و ما تنها تسلیم (فرمان) او هستیم. و هر کس غیر از اسلام به سراغ دینی دیگر برود، پس هرگز از او قبول نمی‌شود و او در قیامت از زیانکاران خواهد بود. چگونه خداوند هدایت کند گروهی را که بعد از ایمان و گواهی بر حقانیت رسول و آمدن معجزات و دلایل روشن بر ایشان، باز هم کافر شدند، و خداوند گروه ستمکاران را هدایت نمی‌کند. آنان (که با آن همه دلایل روشن و سابقه‌ی ایمان، مرتد شدند)، کیفرشان آن است که لعنت خدا و فرشتگان و عموم مردم بر آنان باشد.

آنها همواره مورد لعن (خدا و فرشتگان و مردم) هستند، نه عذاب از آنان کاسته شود و نه به آنها مهلت داده شود. مگر کسانی که پس از آن، (از کفر و ارتداد) توبه نمایند و (کردار و افکار خود را) اصلاح نمایند، که همانا خداوند آمرزنده و مهربان است. البته کسانی که پس از ایمان آوردن، کافر شدند و سپس بر کفر خود

افزودند، هرگز توبه‌ی آنها پذیرفته نخواهد شد و آنها همان
گمراهانند. (قرآن کریم- آیات ۸۱ تا ۹۰ از سوره آل عمران)

ابراهیم (ع)، پیامبر اسلام

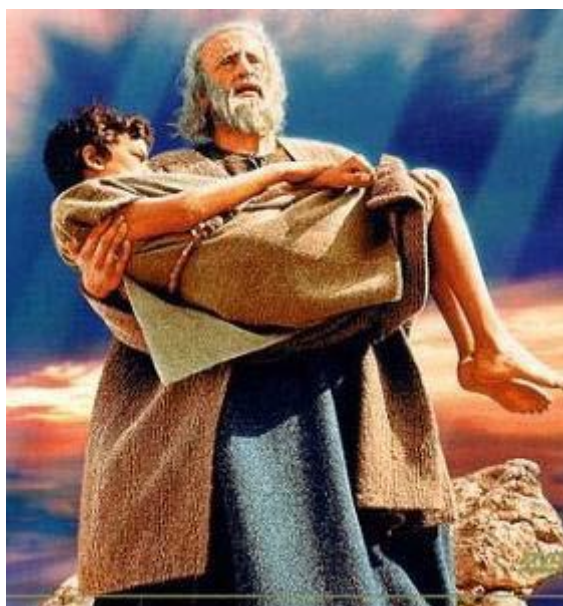


مَا كَانَ إِبْرَاهِيمَ يَهُودِيًّا وَلَا نَصْرَانِيًّا وَلَكِنْ كَانَ حَنِيفًا مُّسْلِمًا وَمَا
كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لَلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَهَذَا النَّبِيُّ
وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ

ابراهیم نه یهودی بود و نه نصرانی، بلکه او فردی حق‌گرا و
تسلیم خدا بود و هرگز از مشرکان نبود. همانا سزاوارترین افراد به
ابراهیم، کسانی هستند که از او پیروی کردند و (نیز) این پیامبر و
کسانی که (به او) ایمان آورده‌اند، و خداوند سرور و سرپرست

مؤمنان است. (قرآن کریم- آیات ۶۷-۶۸ از سوره آل عمران)

ابراهیم پیامبر، رمز وحدت میان میلیون‌ها انسان بشمار می‌آید. ابراهیم، انسانی بود که تسلیم امر خداوند بود. او توکل پیشه نمود، و آماده بود تا فرزند خویش را به امر خدا، بر سر کوه قربانی نماید. وی نه تنها پدر مؤمنین محسوب می‌گردد، بلکه از مقامی والا در نزد مهمترین ادیان توحیدی جهان: یهودیت، مسیحیت و اسلام نیز برخوردار می‌باشد. چهاردهمین سوره از قرآن کریم، بطور اخص، "ابراهیم" نام دارد.



حجاجی که از سراسر جهان به منظور زیارت سالانه نیایش و پارسی، به شهر مقدس مکه (عربستان) سفر می‌کنند، به دور کعبه یعنی خانه خدا که ابراهیم و فرزندش اسماعیل به فرمان پروردگار آنرا بنا نهادند طواف می‌نمایند.

ابراهیم، جلوه نیاز و آرزوی نوع بشر برای برقراری ارتباط با خداوند است. یهودیان، مسلمانان و مسیحیان، ابراهیم را حرمت می‌نهند. به عبارتی، از جمله اعتقادات مشترک پیروان سه دین

توحیدی، اعتقاد به قداست حضرت ابراهیم^(ع) به عنوان پدر ادیان توحیدی است.

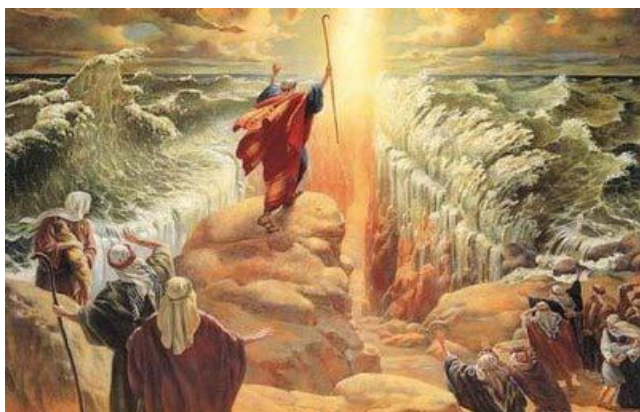
قُلْ صَدَقَ اللَّهُ فَاتَّبِعُوا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ
(ای پیامبر!) بگو: خداوند راستگو است، پس از آیین ابراهیم
حقگرا پیروی کنید که او از مشرکان نبود.

(قرآن کریم - آیه ۹۵ از سوره آل عمران)

البته ذکر این نکته ضروری است که متأسفانه در مسیحیت و انجیل تحریف شده که امر تعدد زوجات را نفی می‌نماید، ازدواج حضرت ابراهیم^(ع) با هاجر^(س) را خلاف و گناه شمرده و حضرت اسماعیل^(ع) را (نعوذ بالله) نامشروع معرفی می‌نمایند، بدون اینکه پاسخ دهند اگر او فرزند نامشروع بوده چرا خدا او را به پیامبری برگزید. این اعتقاد مسیحیان توهین به حضرت ابراهیم^(ع) و حضرت اسماعیل^(ع) و نیز حضرت هاجر^(س) می‌باشد.

موسی^(ع)، پیامبر اسلام

وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَقَفَّيْنَا مِنْ بَعْدِهِ بِالرُّسُلِ
و همانا ما به موسی کتاب (تورات) دادیم و از پس او پیامبرانی
پشت سر یکدیگر فرستادیم. (قرآن کریم - آیه ۸۷ از سوره بقره)



مفسرین، نام موسی را از ریشهٔ زبان قبطی یا مصری کهن می‌دانند که از دو بخش "مو" به معنای آب و "سا" به معنای درخت تشکیل شده است و دلیل چنین نامگذاری آن بوده است که سبد حامل وی را در کنار درختی اما در آب یافتند. ترتیب اعقاب او تا یعقوب بدین قرار می‌باشد: موسی پسر ابراهیم (عمران)، پسر اسحق، پسر قهات، پسر لوی، پسر یعقوب (جاکوب)

موسی، در کاخ فرعون رشد یافت تا اینکه به سن جوانی رسید. یک روز در دفاع از یکی از افراد بنی‌اسرائیل با یک فرعونی درگیر شد که منجر به مرگ او گشت. فرعون‌ها بسیج شدند تا وی را دستگیر کنند که وی از آنجا گریخت

خداوند مأموریت رسالت را به موسی ^(ع) ابلاغ نموده و برادرش هارون را دستیار او قرار داد تا بدینوسیله بنی‌اسرائیل را از زیر یوغ حکام جابر مصر رهانیده و صحف قانون را در کوه سینا بر وی نازل نمود. موسی ^(ع) در اسلام، به عنوان پیامبر خدا از مقامی بسیار والا برخوردار است.

قرآن به بیان معجزاتی برجسته از موسی ^(ع) می‌پردازد، از آنجمله: بیرون آوردن آب توسط عصای خود از میان سنگ، تبدیل عصا به اژدها و همچنین باز شدن آب دریا برای آنکه قوم بنی اسرائیل بتواند از دست لشکریان فرعون بگریزد.

همانا قرآن تنها کتاب آسمانی است که از بازگشت جسد فرعون به خشکی، پس از غرق در دریا سخن به میان می‌آورد. مومیایی فرعون بعدها توسط باستان‌شناسان کشف و به اثبات رسید که فرعون بر اثر خفگی در آب جان سپرده بوده است.

پیامبر اسلام، ۱۳۰۰ سال پیش از کشف مومیایی مزبور بوسیله وحی از این جزئیات آگاهی یافت، بدون آنکه این وقایع، پیش از

آن در تاریخ به ثبت رسیده باشند. (این مبحث در پاراگراف بعدی ادامه خواهد یافت).

قرآن می فرماید:

وَجَوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَءِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ وَجُنُودُهُ مُبْعِيًّا وَعَدُّوْا حَتَّىٰ إِذَا أَذْرَكَهُ الْعُرْقُ قَالَ ءَأَمَنْتَ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا الَّذِي ءَأَمَنْتَ بِهِ بُنُوَ إِسْرَءِيلَ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ ءَالَنَ وَ قَدْ عَصَيْتَ قَبْلُ وَ كُنْتَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ فَالْيَوْمَ نُنَجِّيكَ بِبَدَنِكَ لِتَكُونَ لِمَنْ خَلَقَكَ ءَايَةً وَإِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ عَنْ ءَايَتِنَا لَغَفِلُونَ

و ما بنی اسرائیل را از دریا عبور دادیم. در حالی که فرعون و لشکریانش از روی ستم و تجاوز آنان را دنبال می کردند تا چون غرقاب فرعون را فراگرفت گفت: ایمان آوردم که معبودی نیست جز همان که بنی اسرائیل به او ایمان آورده اند و من از تسلیم شده گانم. آیا اکنون؟! (در آستانه ی مرگ توبه می کنی؟) در حالی که پیشتر نافرمانی می کردی و از تبه کاران بودی؟

پس امروز جسد تو را (از متلاشی شدن و کام حیوانات دریایی) نجات می دهیم تا عبرتی برای آیندگان باشد. یقیناً بسیاری از مردم از نشانه های ما غافلند. (قرآن کریم- آیات ۹۰ تا ۹۲ از سوره

یونس)



فصل دوم

مریم (س) و عیسی (ع)

در اسلام

مریم^(س) و عیسی^(ع) در اسلام



مریم^(س) و عیسی^(ع)، از جایگاه بسیار رفیعی در قرآن برخوردارند.

سوره‌ای از قرآن "مریم" و دیگری "مائده" نام دارد که در آن از طعمی که خداوند از آسمان برای عیسی و حواریون وی نازل نمود، سخن به میان می‌آورد، همان واقعه‌ای که نزد مسیحیان به "شام آخر" معروف است.

در قرآن، ۴۵ بار نام "عیسی" و ۱۱ بار نام "مسیح"، در ۱۳ سوره که در مجموع بیش از ۱۰٪ از سوره‌های قرآن را تشکیل می‌دهند آمده است. قرآن شامل ۱۱۴ سوره می‌باشد. نام مریم هم ۳۴ بار در قرآن تکرار شده است.

در قرآن ۱۲ بار، در ۶ سوره، نام انجیل ذکر شده که از آن به عنوان کتاب خدا یاد گردیده است. اما بنا بر اسلام، کتابی که امروزه با این عنوان معرفی می‌شود، با کتاب اصلی متفاوت است.

مریم باکره (س) در اسلام



وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَمْرُؤُا إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ
عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ

و(بیاد آور) هنگامی را که فرشتگان گفتند: ای مریم! همانا
خداوند تو را برگزیده و پاک ساخته و بر زنان جهانیان برتری داده
است. (قرآن کریم- آیه ۴۲ از سوره آل عمران)

مریم باکره (س) از مقام و مرتبتی بالا در اسلام برخوردار است
که از صفات آسمانی و جوهره والای وی، بعنوان باکره، مجرد،
منزه و مقدسه سرچشمه می گیرد. قرآن و روایات اسلامی به
بسیاری از آنها اشاره دارند.

تقوا در خداپرستی و از خود گذشتگی او در برابر خداوند به
حدی بود که جبرئیل فرشته - "روح القدس" را - برای تکریم از
وی، بر او نازل نمود تا طرحی را که برای آینده بشریت داشت از
طریق او به ثمر برساند و او را به درجه آیت خدا بودن نایل کرد.

این وحی مستقیم، نشان از مسئولیت عظیمی دارد که مریم
باکره (س) بر روی دوش های خود حمل می نمود. حتی قرآن به

روایت معجزاتی می‌پردازد که بر مریم^(س) فرود آمدند، که از آنجمله است، نزول طعام متشکل از میوه‌های بهشتی برای وی. مسلمانان، به قداست مریم باکره^(س) و اینکه هیچگاه ازدواج نکرد، اعتقاد دارند.

این، یکی از ویژگی‌های اسلام است که بر تکریم زنان اصرار ورزیده و بر توانایی ایشان برای نیل به کمال از طریق اطاعت از خداوند، تقوی، پاکدامنی و نجابت درونی و بیرونی صحه می‌گذارد.

فلسفه حجاب مریم مقدس^(س)، همان است که در پوشش زن مسلمان و رفتار وی که با عفت، شفافیت، عصمت، ستر، از خود گذشتگی و تضرع همراه است، جلوه می‌نماید.

«خواهانم که زنان پوشش شایسته بر تن کنند و خویشتن را به نجات و متانت بیارایند، نه به گیسوان بافته یا طلا و مروارید یا جامه‌های فاخر، بلکه به زیور اعمال نیکو آراسته شوند، چنان که شایسته‌ی زنانی است که مدعی خداپرستی/اند.» (انجیل، نامه‌ی اول «پولس رسول» به «تیموتائوس اول»، بند ۹ و ۱۰)

ولادت عیسی (ع)

إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَمْرُؤُا إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِّنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ
(بیاد آور) آنگاه که فرشتگان گفتند: ای مریم! همانا خداوند تو را به کلمه و نشانه‌ای از سوی خویش به نام مسیح، عیسی پسر مریم، بشارت می‌دهد. او که در دنیا و آخرت آبرومند و از مقربان

است. (قرآن کریم- آیه ۴۵ از سوره آل عمران)

مطابق با سوره "مریم" هنگامی که وی از خانواده خود به قصد عزیمت به مکانی در شرق بیت المقدس جدا شده و در کنار درخت خرمای خشکی نشست. باین ترتیب بود که مریم خود را از آنها مخفی نمود تا از دیدگان خلق به دور باشد. پس خدا روح (جبرئیل) را بسوی او فرستاد و جبرئیل به شکل انسانی خوش اندام بر وی ظاهر گشت."

مریم به جبرئیل گفت:

قَالَتْ إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتَ تَقِيًّا

همانا من از تو به خدای رحمان پناه می برم، اگر پرهیزکاری (از

من دور شو). (قرآن کریم- آیه ۱۸ از سوره مریم)

او گفت: إِنَّمَا أَنَا رَسُولُ رَبِّكِ لِأَهَبَ لَكِ غُلَامًا زَكِيًّا

همانا من فرستاده‌ی پروردگار توام (و آمده‌ام) تا پسری پاکیزه

به تو بخشم. (قرآن کریم- آیه ۱۹ از سوره مریم)

مریم در ابتدا سخنان او را باور نکرد، از آنرو که هرگز با هیچ

مردی پیمان زناشویی نبسته بود. گفت:

أَنَّى يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَلَمْ يَمَسِّنِي بَشَرٌ وَلَمْ أَكُ بَغِيًّا

چگونه ممکن است برای من فرزندی باشد؟ در حالی که نه

بشری با من تماس گرفته و نه من بدکاره بوده‌ام.

(قرآن کریم- آیه ۲۰ از سوره مریم)

جبرئیل پاسخ داد:

كَذَٰلِكَ قَالَ رَبُّكَ هُوَ عَلَيَّ هَيِّنٌ وَلِنَجْعَلَهُ آيَةً لِلنَّاسِ وَرَحْمَةً مِنَّا

وَكَانَ أَمْرًا مَّقْضِيًّا

مطلب همین است. پروردگارت فرمود: این کار بر من آسان

است (که پسری بدون پدر به تو عطا کنم) و تا او را برای مردم

نشانه و رحمتی از خود قرار دهیم و این کاری است شدنی و

قطعی. (قرآن کریم- آیه ۲۱ از سوره مریم)



و اینچنین بود که مریم حامله شد.

لازم به ذکر است که مسیحیان معتقدند که حضرت مریم^(س) ازدواج کرده بود و یوسف نجار همسر وی بود و بعد از مسیح^(ع) هم فرزندان بسیاری از وی دنیا آورد. به عقیده مسیحیان وقتی مریم حامله به منزل باز می‌گردد، یوسف نجار از پذیرش وی امتناع می‌کند و به ناچار روح القدس بر وی نازل شده و ماجرای حاملگی مریم را شرح می‌دهد تا یوسف نجار او را بپذیرد.

عیسی^(ع)، از لحظة تولد، به سخن می‌آید

وَيُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَمِنَ الصَّالِحِينَ

(آن فرزندی که به تو بشارت داده شد) در گهواره، (به اعجاز) و در میان سالی (به وحی) با مردم سخن می‌گوید و از شایستگان است. (قرآن کریم- آیه ۴۶ از سوره آل عمران)

قرآن، حالات مریم به هنگام تولد عیسی^(ع) و احساس نگرانی و ضعف او را در این زمان به این شکل روایت می‌کند:

فَاجَاءَهَا الْمَخَاضُ إِلَى جِذْعِ النَّخْلَةِ قَالَتْ يَا لَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَذَا وَ كُنْتُ نَسِيًّا مِّنْسِيًّا فَنَادَاهَا مِنْ تَحْتِهَا أَلَا تَحْزَنِي قَدْ جَعَلَ رَبُّكِ تَحْتَكِ سَرِيًّا وَهُزِّي إِلَيْكِ بِجِذْعِ النَّخْلَةِ تُسَاقِطُ عَلَيْكِ رُطْبًا جَنِيًّا فُكِّلِي وَاشْرَبِي وَقَرِّي عَيْنًا فَإِمَّا تَرِينِ مِنَ الْبَشَرِ أَحَدًا فَقُولِي إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا فَلَنْ أُكَلِّمَ الْيَوْمَ إِنْسِيًّا

آنگاه درد زایمان او را به سوی تنه‌ی درخت خرمایی کشاند (تا تکیه دهد. از شدت ناراحتی) گفت: ای کاش پیش از این مرده و فراموش شده بودم. پس (عیسی در شکم) از طرف پایین پایش وی را صدا زد که (ای مادر!) غم مخور، همانا پروردگارت زیر (پای) تو چشمه‌ی آبی روان ساخت. و شاخه این نخل را به سوی خود تکان ده، رطب تازه بر تو فرو ریزد. پس (از آن رطب) بخور و (از آب نهر) بنوش و چشم‌ت را (به داشتن فرزندی چون عیسی)

روشن دار، پس اگر کسی از آدمیان را دیدی، (که درباره نوزاد می‌پرسند، با اشاره به آنان) بگو: من برای خداوند رحمان، روزهی سکوت نذر کرده‌ام، بنابراین امروز با هیچ انسانی سخن نخواهم گفت. (قرآن کریم- آیات ۲۳ تا ۲۶ از سوره مریم)

پس از این واقعه، دیگر هیچکس مریم را در معبد ندید. گروه‌های مختلفی برای یافتن وی گسیل شدند تا اینکه زکریا، او را به همراه فرزندش یافت.

فَاتَتْ بِهٖ قَوْمَهَا تَحْمِلُهَا قَالُوا يَا مَرْيَمُ لَقَدْ جِئْتِ شَيْئًا فَرِيًّا يَا أُخْتَ هَارُونَ مَا كَانَ أَبُوكِ امْرَأَ سَوْءٍ وَمَا كَانَتْ أُمُّكِ بَغِيًّا فَأَشَارَتْ إِلَيْهِ قَالُوا كَيْفَ نُكَلِّمُ مَنْ كَانَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا وَجَعَلْنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا وَبَرًّا بِوَالِدَتِي وَلَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّارًا شَقِيًّا وَالسَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَيَوْمَ أَمُوتُ وَيَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا

پس مریم در حالی که نوزادش را در آغوش گرفته بود، او را به نزد بستگان خود آورد. گفتند: ای مریم! به راستی کار بسیار ناپسندی مرتکب شده‌ای. ای خواهر هارون! پدرت مرد بدی نبود و مادرت (نیز) بدکاره نبود. (عیسی به سخن آمد و) گفت: منم بنده‌ی خدا، او به من کتاب (آسمانی) داده و مرا پیامبر قرار داده است. و هر جا که باشم، خداوند مرا مایه‌ی برکت قرار داده و تا زنده‌ام مرا به نماز و زکات سفارش کرده است.

و مرا نسبت به مادرم نیکوکار قرار داده و (نسبت به مردم) ستمگر و سنگدل قرار نداده است. و درود بر من روزی که زاده شدم و روزی که می‌میرم و روزی که زنده برانگیخته می‌شوم

• (قرآن کریم- آیات ۳۴ تا ۳۶ از سوره مریم)

قرآن در ادامه، به تکذیب الوهیت عیسی^(ع) می‌پردازد:



ذَلِكَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ قَوْلَ الْحَقِّ الَّذِي فِيهِ يَمْتَرُونَ مَا كَانَ لِلَّهِ أَنْ
يَتَّخِذَ مِنْ وَلَدٍ سُبْحَانَهُ إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ وَ إِنَّ
اللَّهَ رَبِّي وَ رَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ

این است عیسی، پسر مریم؛ (همان) گفتار درستی که در آن
شک می‌کنند. شایسته نیست که خداوند فرزندی برگیرد، او منزّه
است، هرگاه انجام کاری را اراده کند، همین قدر که گوید: موجود
باش، بی‌درنگ موجود می‌شود. و در حقیقت، خدا پروردگار من و
پروردگار شماست، پس او را بپرستید که راه مستقیم همین (بندگی
او) است. (قرآن کریم- آیات ۳۴ تا ۳۶ از سوره مریم)

چون مسیحیان عیسی مسیح^(ع) را خدای پسر می‌دانند لذا
حضرت مریم^(س) را مادر خدا می‌نامند.

در کلیساها در کشورهای مسیحی عبارت "مریم، مادر خدا" را
نصب می‌کنند، لیکن در کلیساها در کشورهای اسلامی از نوشتن آن
پرهیز می‌نمایند، چون غیر منطقی بودن این ادعا نزد افکار عمومی
مسجل است. چگونگی زن که از نسل آدم و حوا است می‌تواند
مادر خداوند باشد؟!



با جستجو در سایت‌های
اینترنتی جستجوی عکس با
وارد کردن عبارات مریم و
مادر و خدا، تصاویر نقاشی
های زیادی از حضرت مریم
(س) آورده می‌شود. تصویر
کناری نمونه‌ای از این
جستجو است.

عیسی (ع)، پیامبر اسلام

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ وَلَا تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ وَكَلِمَتُهُ أَلْقَاهَا إِلَى مَرْيَمَ وَرُوحٌ مِنْهُ فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَلَا تَقُولُوا ثَلَاثَةٌ انْتَهُوا خَيْرًا لَكُمْ إِنَّمَا اللَّهُ إِلَهٌ وَاحِدٌ سُبْحَانَهُ أَنْ يَكُونَ لَهُ وَلَدٌ وَلَكُلُّ لَّهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا لَنْ يَسْتَنْكِفَ الْمَسِيحُ أَنْ يَكُونَ عَبْدًا لِلَّهِ وَلَكِ الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ وَمَنْ يَسْتَنْكِفْ عَنْ عِبَادَتِهِ وَيَسْتَكْبِرْ فَسَيَحْشُرُهُمْ إِلَيْهِ جَمِيعًا

ای اهل کتاب! در دین خود غلو نکنید و جز حق، به خداوند نسبتی ندهید. همانا مسیح، عیسی پسر مریم، فرستاده‌ی خداوند و کلمه‌ی اوست که به مریم القا نمود و روحی است از جانب او. پس به خداوند و پیامبرانش ایمان آورید، و به تثلیث قائل نشوید. (از این حرف) دست بردارید که به نفع شماست. جز این نیست که الله خدایی است یکتا، و از اینکه فرزندی داشته باشد منزّه است. آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است از آن اوست و خداوند برای تدبیر و سرپرستی هستی کافی است و هرگز مسیح از اینکه بنده خدا باشد استنکاف ندارد و فرشتگان مقرب نیز (سرپیچی ندارند) و هر کس از بندگی خداوند سرپیچی کند و تکبر ورزد، پس (بداند که) بزودی همه را به نزد خود محشور می‌کند.

(قرآن کریم- آیات ۱۷۲ و ۱۷۱ از سوره نساء)

عیسی (ع)، نزد مسلمانان، یکی از بزرگترین پیامبران الهی محسوب می‌شود، همان مسیح (ع) که وعده ظهور او به قوم اسرائیل داده شده است. اما وی، نه "پسر خداوند" است و نه "خداوند مجسم" بعنوان یکی از سه عنصر تثلیث. در واقع، در وعده خداوند در عهد عتیق که مسیحیان معمولاً بدان عطف می‌نمایند، از وعده



برای ظهور " یک پیامبر " سخن به میان می آید و هرگز اشاره ای به "پسر خدا" یا موارد مشابه آن نمی نماید:

"نبی ای را برای ایشان از میان برادران ایشان مثل تو مبعوث خواهم کرد و کلام خود را به دهانش خواهم گذاشت و هر آنچه به او امر فرمایم، به ایشان خواهد گفت. و هر کس که سخنان مرا - که از طرف من می گوید - نشنود، من خود او را مواخذه خواهم کرد". (عهد عتیق - سفر تثنیه - فصل ۱۸ - آیات ۱۸ و ۱۹)

به این ترتیب مسلمانان قایل شدن شخصیت سه گانه برای خداوند و الوهیت عیسی (ع) را بطور کامل نفی می نمایند:

لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ وَقَالَ الْمَسِيحُ يَبْنِي لِيَسْرِعِيلَ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ إِنَّهُ مَن يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ ثَالِثُ ثَلَاثَةٍ وَمِمَّنْ إِلَهٌ إِلَّا إِلَهُ وَاحِدٌ وَإِن لَّمْ يَتَّخِذُوا عَمَّا يَقُولُونَ لِكَيْمَنْزٍ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ أَفَلَا يَتُوبُونَ إِلَى اللَّهِ وَيَسْتَغْفِرُونَهُ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ مَا الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ وَأُمُّهُ صِدِّيقَةٌ كَانَا يَأْكُلَانِ الطَّعَامَ انظُرْ كَيْفَ نُبَيِّنُ لَهُمُ الْآيَاتِ ثُمَّ انظُرْ أَنَّى يُؤْفَكُونَ

همانا کسانی که گفتند: خداوند، همان مسیح پسر مریم است، قطعاً کافر شدند. (چگونه چنین می گویند) در حالی که مسیح خود می گفت: ای بنی اسرائیل! خدا را بپرستید که پروردگار من و شماست، یقیناً هر کس به خداوند شرک ورزد، خداوند بهشت را بر او حرام کرده و جایگاهش دوزخ است و ستمگران را هیچ یابوری نیست. همانا آنان که گفتند: خداوند، یکی از سه تاست، کافر شدند. جز خدای یکتا خدایی نیست. و اگر از آنچه می گویند دست برندارند، به کافران از اهل کتاب آنها قطعاً عذابی دردناک خواهد رسید. آیا توبه نمی کنند و از او آمرزش نمی طلبند؟ در حالی

که خداوند، آمرزنده‌ی مهربان است . مسیح پسر مریم، فرستاده‌ای بیش نیست که پیش از او نیز پیامبرانی بودند و مادرش بسیار راستگو و درست کردار بود، آن دو (همچون سایر انسان‌ها) غذا می‌خوردند. (پس هیچ کدام خدا نیستند،) بنگر که چگونه آیات را برای مردم بیان می‌کنیم، پس بنگر که این مردم چگونه (از حق) روی‌گردان می‌شوند. (قرآن کریم- آیات ۷۵-۷۲ از سورهٔ مائده)

همانطور که در آیه فوق بیان شده است، مریم مقدس^(س) و عیسی^(ع) غذا می‌خوردند. مسیحیان نیز این امر را قبول دارند. طبیعتاً غذا خوردن نشانه نیاز است در حالی که خدا بی نیاز است. اگر عیسی^(ع) غذا می‌خورده پس به دستشویی هم می‌رفته و این حالت ممکن است پیش آمده باشد که عده‌ای سراغ وی را بگیرند و جواب بشنوند که هم اینک خداوند در دستشویی است!

این چه توصیفی است که از خداوند دارند؟! خداوندی که غذا می‌خورد، به دستشویی می‌رود، به صلیب کشیده می‌شود، در صلیب دچار فراموشی می‌گردد، از سربازان رومی و یهودیان می‌ترسد و از مرگ واهمه دارد!

مسیحیان در حالی معتقدند که حضرت مسیح^(ع) بر صلیب دچار ترس و فراموشی و گلابه از خدای پدر می‌شود که معتقدند که قربانی شدن وی نقشه‌ای الهی برای بخشش گناهان بشریت بوده است.

در داستان حضرت ابراهیم^(ع) آمده است که وقتی خدا به آن حضرت امر می‌کند که اسماعیل^(ع) را قربانی کند، اسماعیل^(ع) از پدرش می‌خواهد که چشمان وی را ببندد تا پدرش دچار تردید نشود و حکم خدا را به کمال اجرا کند، حال آنکه آنجا موضوع بخشش گناهان بشریت نبوده و اسماعیل نیز انسانی نوجوان بوده و هنوز به مقام نبوت نرسیده بود.

چطور ممکن است اسماعیل نه تنها گله‌ای از اجرای حکم خدا برای قربانی شدن نداشته باشد، بلکه چون حکم خدا بود می‌خواست آن حکم اجرا شود، ولی مسیح^(ع) که فرستاده خدا و به قول مسیحیان بخشی از خود خدا بود از قربانی شدن، آن هم برای نجات همه بشریت هراس داشت؟!

توصیف حضرت عیسی^(ع) به صورت فردی ترسو، فراموشکار و گریزان از خواست خدا در مقایسه با حضرت اسماعیل^(ع) توهین به آن حضرت محسوب می‌گردد.

عیسی^(ع)، انسانی همانند دیگر پیامبران بود، که از زنی باکره و بدون وجود پدر بیولوژیک، به واسطه یکی از معجزات الهی پای به عرصه وجود گذاشت.

همچنانکه خداوند، آدم^(ع) را بدون وجود پدر و مادر آفرید، عیسی^(ع) را نیز بدون دخالت لقاح آفرید تا بعنوان یکی از نشانه‌های معجزه آسا، وی را نزد قوم اسرائیل که انتظار مسیح موعود را می‌کشیدند، متمایز سازد. مسیحی که می‌آمد تا قانون موسی^(ع) را به اجرا درآورد.

إِنْ مِثْلَ عِيسَى عِنْدَ اللَّهِ كَمِثْلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُنْ مِّنَ الْمُمْتَرِينَ

همانا مثل (آفرینش) عیسی نزد خداوند، همچون مثل (آفرینش) آدم است که او را از خاک آفرید و سپس به او فرمود: باش، پس موجود شد. حق، همان است که از جانب پروردگار توست، پس از تردید کنندگان مباش.

(قرآن کریم- آیات ۶۰ و ۵۹ از سوره آل عمران)

ذَٰلِكَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ قَوْلَ الْحَقِّ الَّذِي فِيهِ يَمْتَرُونَ مَا كَانَ لِلَّهِ أَنْ يَتَّخِذَ مِنْ وَلَدٍ سُبْحَانَهُ إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ وَإِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ

این است عیسی، پسر مریم؛ (همان) گفتار درستی که در آن شک می‌کنند. شایسته نیست که خداوند فرزندی بگیرد، او منزّه است، هرگاه انجام کاری را اراده کند، همین قدر که گوید: موجود باش، بی‌درنگ موجود می‌شود. و در حقیقت، خدا پروردگار من و پروردگار شماست، پس او را بپرستید که راه مستقیم همین (بندگی او) است. (قرآن کریم- آیات ۳۶-۳۴ از سوره مریم)

علیرغم همه بحث‌ها و جدل‌ها در این زمینه، بدون تردید، شخصیت عیسی^(ع) یکی از مهمترین و تأثیرگذارترین آنها در تمامی طول تاریخ بوده است. راهنمایی از سوی خداوند برای بشریت.

احترام عیسی^(ع) نسبت به مریم^(س)

مطابق دیدگاه اسلامی، عیسی^(ع) همواره احترام بسیاری نسبت به مادر خود مریم^(س) قایل بود.

در قرآن آمده است که عیسی، در زمان نوزادی و از طریق معجزه الهی، زبان به صحبت با خلق گشوده و چنین گفت:

وَجَعَلَنِي ... أَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ ... وَبَرًّا بِوَالِدَتِي وَلَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّارًا شَقِيًّا

مرا به نماز و ... سفارش کرده است. و مرا نسبت به مادرم نیکوکار قرار داده و (نسبت به مردم) ستمگر و سنگدل قرار نداده

است. (قرآن کریم- آیات ۳۲ و ۳۱ از سوره مریم)

و قرآن کریم می‌فرماید:

يَا يَحْيَىٰ خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ وَآتَيْنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا وَحَنَانًا مِّن لَّدُنَّا وَزَكَاةً وَكَانَ تَقِيًّا وَبَرًّا بِوَالِدَيْهِ وَلَمْ يَكُنْ جَبَّارًا عَصِيًّا

ای یحیی! کتاب (خدا) را با قدرت بگیر و در کودکی به او حکمت (و نبوت) دادیم. و نیز از جانب خود، مهربانی و پاکی به او دادیم و او تقوای پیشه بود. و نسبت به پدر و مادرش نیکوکار بود و (نسبت به مردم، زورگویی) سرکش و نافرمان نبود.

• (قرآن کریم- آیات ۱۲ تا ۱۴ از سوره مریم)

بر اساس اسلام، آیاتی از انجیل که در آن عیسی از پذیرش مادر خود سر باز زد، نوعی تحریف بوده و به دور از حقیقت است.

در انجیل آمده است:

او با آن جماعت هنوز سخن می گفت که ناگاه مادرش و برادرانش در طلب گفتگوی وی بیرون ایستاده بودند. و شخصی وی را گفت اینک مادر تو و برادرانت بیرون ایستاده می خواهند با تو سخن گویند. در جواب قایل گفت: کیست مادر من! و برادران من کیانند؟ و دست خود را به سوی شاگردان خود دراز کرده گفت اینانند مادر من و برادرانم زیرا هر که اراده ی پدر مرا که در آسمان است بجا آورد همان برادر و خواهر و مادر من است. (انجیل

متی- فصل ۱۲- آیات ۴۶ تا ۵۰)

معرفی حضرت مسیح (ع) به نحوی که دست رد به سینه مادر خود مریم مقدس (س) می زند، ظلمی است که در انجیل تحریف شده نسبت به آن حضرت روا شده است.

خداوند در قرآن می فرماید:

وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَءِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهََ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ وَأَنتُمْ مُّعْرِضُونَ

و (بیاد آرید) زمانی که از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم، جز خداوند یگانه را پرستش نکنید و به پدر و مادر و خویشان و یتیمان و بینویان، احسان کنید و با مردم، به زبان خوش سخن بگویید و نماز را برپای دارید و زکات بدهید. اما شما (با اینکه پیمان بسته بودید)، جز عده ی کمی، سرپیچی کردید و روی گردان شدید.

(قرآن کریم- آیه ۸۳ از سوره بقره)

وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَى وَهْنٍ وَفِصَالُهُ فِي
عَامَيْنِ أَنْ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ

و ما انسان را در باره‌ی پدر و مادرش سفارش کردیم، مادرش او را حمل کرد، در حالی که هر روز ناتوان‌تر می‌شد، (و شیر دادن) و از شیر گرفتنش در دوسال است، (به او سفارش کردیم که) برای من و پدر و مادرش سپاس گزار، که بازگشت (همه) فقط به سوی من است. (قرآن کریم - آیه ۱۴ از سوره لقمان)

فروتنی عیسی (ع)

در روایات اسلامی، چهره حضرت عیسی (ع)، همواره به این شکل تصویر می‌شود:

"یاوران من، دستانم؛ حمل من، با پاهایم؛ بستر من، زمین؛ بالش، سنگ. در زمستان به گرمای زمین پناه می‌برم، چراغ شب هایم، نور ماه؛ طعام من، گرسنگی؛ پناهگاه شبانه من، ترس از خداوند. تن پوشم، پشم (خشن)، میوه و سبزیجاتم، گیاهانی که از زمین بیرون می‌آیند؛ شبانگاهان، به خواب می‌روم در حالیکه هیچ چیز با خود به همراه ندارم؛ و صبحگاهان، از زمین سر برمی‌دارم، در حالیکه باز هم هیچ ندارم؛ به هر ترتیب، هیچکس بر روی زمین دولتمندتر از من نیست."

معجزات مسیح (ع)

إِذْ قَالَ اللَّهُ يَٰعِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ اذْكُرْ نِعْمَتِي عَلَيْكَ وَعَلَىٰ وَلَدَتِكَ
إِذْ أَيْدُوكَ بِرُوحِ الْقُدُسِ تُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَإِذْ عَلَّمْتُكَ
الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَإِذْ تَخْلُقُ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ
بِإِذْنِي فَتَنفُخُ فِيهَا فَتَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِي وَتَبْرِئُ الْأَكْمَةَ وَالْأَبْرَصَ بِإِذْنِي

وَإِذْ تُخْرِجُ الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِي وَإِذْ كَفَفْتُ بَنِي إِسْرَءِيلَ عَنْكَ إِذْ جِئْتَهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ

زمانی که خداوند فرمود: ای عیسیٰ پسر مریم! نعمتم را بر تو و بر مادرت یادکن. آنگاه که تورا با «روح القدس» (جبرئیل) تأیید کردم. در گهواره (به اعجاز) و در بزرگسالی (به وحی) با مردم سخن گفتم، و آنگاه که کتاب و حکمت و تورات و انجیل به تو آموختم، و (فراموش مکن زمانی را که) به اذن من از گِل (چیزی) به صورت پرنده ساختی و در آن دمیدی، پس با اذن من پرنده‌ای شد، و با اذن من کور مادرزاد و پیسی گرفته را شفا می‌دادی، و آنگاه که به اذن من، مردگان را (زنده) از گور بیرون می‌آوردی، و (به یاد آور) زمانی که (دست ظلم) بنی اسرائیل را از تو کوتاه کردم، آنگاه که تو دلایل روشن برایشان آوردی، پس کافران از ایشان (درباره‌ی معجزات تو) گفتند: این، چیزی جز سحر آشکار نیست. (قرآن کریم -

آیه ۱۱۰ از سوره مائده)

در قرآن و روایات اسلامی، در مقایسه با کتب مقدس دیگر، معجزات بیشتری را به عیسی^(ع) نسبت می‌دهند. از سوی دیگر، همانطور که در دنباله خواهد آمد، در روایات اسلامی، این معجزات با جزئیات بیشتری ذکر شده‌اند.

طبق اسلام: "امت عیسی^(ع) و حواریون وی از او خواستند تا برای ایشان از آسمان طعام فراهم آورد و خداوند به فرستاده خود چنین وحی نمود که آنرا اینچنین انجام داد:

وَإِذْ أَوْحَيْتُ إِلَى الْحَوَارِيِّينَ أَنْ آمِنُوا بِي وَبِرَسُولِي قَالُوا آمَنَّا وَاشْهَدْ بِأَنَّا مُسْلِمُونَ إِذْ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ يَعْيسَى ابْنُ مَرْيَمَ هَلْ يَسْتَطِيعُ رَبُّكَ أَنْ يُنْزِلَ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِّنَ السَّمَاءِ قَالَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ قَالُوا نُرِيدُ أَنْ نَأْكُلَ مِنْهَا وَتَطْمَئِنَّ قُلُوبُنَا وَنَعْلَمَ أَنْقَدْ صَدَقْتُنَا وَنَكُونَ عَلَیْهَا مِنَ الشَّاهِدِينَ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا أَنْزِلْ عَلَيْنَا

مَا ئِدَّةٌ مِّنَ السَّمَاءِ تَكُونُ لَنَا عِيداً لِّأَوَّلِنَا وَآخِرِنَا وَءَايَةٌ مِّنكَ وَارْزُقْنَا
وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّزَّاقِينَ قَالَ اللَّهُ إِنِّي مُنَزِّلُهَا عَلَيْكُمْ فَمَن يَكْفُرْ بَعْدَ مَنكُم
فَإِنِّي أُعَذِّبُهُ عَذَاباً لَّا أُعَذِّبُهُ أَحَدًا مِّنَ الْعَالَمِينَ

و (به یاد آور) زمانی که به حواریون (یاران مخصوص حضرت عیسی) وحی فرستادم که ایمان آورید، گفتند: ایمان آورده ایم، و شاهد باش که ما مسلمان و تسلیم هستیم. (یاد آور) زمانی که حواریون گفتند: ای عیسی بن مریم! آیا پروردگارت می تواند (با دعای تو) از آسمان، خوانی (از غذا) برای ما فرود آورد؟ عیسی گفت: اگر مؤمنید، از خدا پروا کنید گفتند: (ما نظر بدی نداریم و بهانه جو نیستیم بلکه) می خواهیم از آن بخوریم و دلهايمان اطمینان یابد و بدانیم که به ما راست گفته ای و بر آن مائده ای آسمانی از گواهان باشیم! عیسی بن مریم گفت: خداوندا، پروردگارا! مائده ای از آسمان بر ما فرو فرست که برای نسل کنونی و آیندگان ما عید و نشانه ای از تو باشد و ما را روزی ده، که تو بهترین روزی دهندگانی. خداوند فرمود: من آن (مائده) را بر شما نازل می کنم، اما هر کدام از شما بعد از آن کفر ورزد، او را چنان عذاب خواهم کرد که هیچ یک از جهانیان را آن گونه عذاب نکنم.

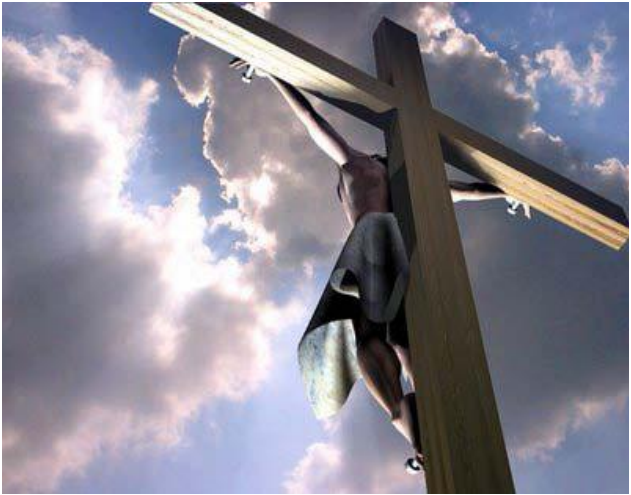
(قرآن کریم- آیات ۱۱۱ تا ۱۱۵ از سوره مائده)

بنا بر روایت: "عیسی، دوستی وفادار داشت که از دنیا رفت. آنگاه او، به همراه مادر دوست خود، بر سر قبر وی حاضر آمدند و به اذن خداوند، به او جان دوباره بخشید. از طریق تضرعات عیسی (ع)، دوست وی ۲۰ سال دیگر به زندگی خود ادامه داد."

و همچنین: "عیسی بن مریم (س) با مردی، مورد اعتماد وی سفر می کرد. هنگامی که هر دو به دریا رسیدند، عیسی، با بر زبان آوردن نام خداوند، گام زنان از آب عبور کرد."



دربارهٔ مصلوب ساختن عیسی (ع)



وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَمَا قَتَلُوهُ
وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مَا
لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتَّبَاعَ الظَّنِّ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا بَلْ رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَكَانَ
اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا

و (عذاب و لعنت ما آنان را فرا گرفت، به خاطر) سخنی که
(مغروران) می گفتند: «ما عیسی بن مریم، فرستاده‌ی خدا را کشتیم»
در حالی که آنان عیسی را نه کشتند و نه به دار آویختند، بلکه کار
بر آنان مشتبه شد (و کسی شبیه به او را کشتند) و کسانی که
درباره‌ی عیسی اختلاف کردند خود در شک بودند و جز پیروی از
گمان، هیچ‌یک به گفته‌ی خود علم نداشتند و به یقین او را
نکشته‌اند. بلکه خداوند او را به سوی خود بالا برد و خداوند عزیز

و حکیم است. (قرآن کریم- آیات ۱۵۸ و ۱۵۷ از سورهٔ نساء)

بنابر روایات مسیحی، عیسی (ع) خیانت یهودا اسخریوطی را
پیشگویی نمود و به پطرس اطلاع داد که پیش از بانگ خروس، سه

بار وی را انکار خواهد کرد. به طور قطع گفت که بعنوان کفارۀ گناهان بشریت به صلیب کشیده خواهد شد و اینکه پس از سه روز، بعنوان گواهی این مطلب، به حیات بازگشته و به آسمان عروج خواهد کرد.

اگر او به این موضوع واقف بوده و سرنوشت خود را بعنوان ارادهٔ پروردگار پذیرفت (بدون صحبت از شخصیت خداگونه‌ای که از او به نمایش می‌گذارند) چگونه می‌توان تصور نمود که در لحظه‌ای، در حین جان دادن، زبان به شکوه گشوده باشد که: *خدای من، چرا مرا ترک کرده‌ای؟* این تنها، برهانی ساده است که می‌توانیم با مشاهدهٔ خود متون مسیحی بدان دست یابیم.

این ادعا، با عالم به همه چیز بودن خدا در تضاد است. مسیحیان مسیح^(ع) را یکی از سه خدا می‌دانند و معتقدند مسیح در صلیب گفت "خدایا چرا مرا ترک کردی؟" حال آنکه پیشاپیش می‌دانسته که زنده خواهد شد و عروج پیدا خواهد کرد. پس می‌دانسته که ترک نخواهد شد. اگر این ادعا را بپذیریم، پس خداوند نه تنها به همه چیز عالم نیست، بلکه خدای پسر در لحظاتی نسبت به بخش دیگر خدا یعنی خدای پدر شناخت خود را از دست داده است. پس چون خدا سه تا در یکی است خدا در لحظاتی خودش هم به خودش عالم نیست، چه برسد که عالم به همه چیز باشد!

بر اساس اسلام، عیسی^(ع) هرگز تصور هم نکرد که خداوند او را ترک کرده است چه رسد به آنکه آن را بر زبان آورد. در حقیقت، حتی در کوچکترین وهله، در طی ماموریت پیامبری او، خدا او را ترک نکرد.

برای مسلمانان، عیسی^(ع) نیامد تا بر روی صلیب جان دهد. عیسی^(ع)، یک پیامبر بود و نه "خداوند مجسم". به عنوان پیامبر،



ماموریتی مبنی بر ابلاغ پیام الهی بر عهده داشت. این مسئله که به چه شکل از دنیا برود، این پیام را تحت الشعاع قرار نمی‌دهد. در راه چنین هدفی، نوع مرگ وی، به این شکل و یا به صورت دیگری، میان مرگ در حال مبارزه با دشمنان یا بر اثر بیماری، پس از یک زندگی طولانی، تفاوتی وجود ندارد.

يَا هَلْ أَلْكِتَبِ لَا تَعْلُوا فِي دِينِكُمْ وَلَا تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ وَكَلِمَتُهُ أَلْقَاهَا إِلَى مَرْيَمَ وَرُوحٌ مِّنْهُ فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَلَا تَقُولُوا ثَلَاثَةٌ انْتَهُوا خَيْرًا لَّكُمْ إِنَّمَا اللَّهُ إِلَهٌ وَحْدَهُ سُبْحَانَهُ أَنْ يَكُونَ لَهُ وَلَدٌ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا

ای اهل کتاب! در دین خود غلو نکنید و جز حق، به خداوند نسبتی ندهید. همانا مسیح، عیسی پسر مریم، فرستاده‌ی خداوند و کلمه‌ی اوست که به مریم القا نمود و روحی است از جانب او. پس به خداوند و پیامبرانش ایمان آورید، و به تثلیث قائل نشوید. (از این حرف) دست بردارید که به نفع شماست. جز این نیست که الله خدایی است یکتا، و از اینکه فرزندی داشته باشد منزّه است. آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است از آن اوست و خداوند برای تدبیر و سرپرستی هستی کافی است. (قرآن کریم - آیه ۱۷۱ از سوره نساء)

در عهد عتیق آمده است :

"نبی‌ای را برای ایشان از میان برادران ایشان مثل تو مبعوث خواهم کرد و کلام خود را به دهانش خواهم گذاشت و هر آنچه به او امر فرمایم، به ایشان خواهدگفت. و هر کس که سخنان مرا - که از طرف من می‌گوید - نشنود، من خود او را مواخذه خواهم کرد". (عهد عتیق - سفر تثنیه - فصل ۱۸ - آیات ۱۸ و ۱۹)

از بندهای فوق مشخص می‌شود که خدا وعده ظهور پیامبر دیگری را می‌دهد و نه ظهور فرزند خویش را.



انجیل (عصر جدید) تایید می‌کند که منظور از پیامبر یاد شده در این آیات، همانا عیسی مسیح می‌باشد. در اینجا خداوند، دربارهٔ یک پیامبر سخن می‌گوید نه از "پسرش". این موضع، در خطابهٔ پطرس در رواق سلیمان، به روایت لوقا در اعمال رسولان، فصل ۳، بندهای ۲۳-۱۹ آمده است:

"(...) که می‌باید آسمان او را پذیرد تا زمان معاد همه چیز که خدا از بدو عالم به زبان جمیع انبیای مقدس خود، از آن اخبار نمود. زیرا موسی به اجداد گفت که خدای شما نبی مثل من، از میان برادران شما برای شما برخواهد انگيخت. کلام او را در هر جا به شما تکلم کند بشنوید؛ و هر نفسی که آن نبی را نشنود، از قوم منقطع گردد."

عیسی^(ع)، در انجیل خود را "پیامبر" می‌خواند

در انجیل موجود نیز عیسی^(ع)، خود را، در موقعیت‌های مختلف و به دور از الوهیت آفرینی از خود با عنوان پیامبر و "فرزند انسان" یاد می‌کند. به طور مثال:

عیسی به ایشان گفت: بی‌گمان این مَثَل را بر من خواهید آورد که "ای طبیب خود را شفا ده! آنچه شنیده‌ایم در کَفَرناحوم کرده‌ای، اینجا در زادگاه خویش نیز انجام بده." سپس افزود: «آمین، به شما می‌گویم که هیچ پیامبری در دیار خویش پذیرفته نیست».

(انجیل لوقا - فصل ۴ - بندهای ۲۴ و ۲۳)

همچنین در انجیل متی ۱۳:۵۷، انجیل مرقس ۶:۴ و انجیل یوحنا ۴۳-۴۴ : ۴ نیز، به همین مورد برمی‌خوریم، آنچه که باعث رفع تردید در مورد تطابق آنها می‌گردد.

"هر که شما را قبول کند، مرا قبول کرده و کسی که مرا قبول کند، فرستندهٔ مرا قبول کرده است. و آنکه نبی‌ای را به اسم نبی



بپذیرد، اجرت نبی یابد و هر که عادل را به اسم عادل پذیرفت، مزد عادل را خواهد یافت. و هر که یکی از این صغار را کاسه‌ای از آب سرد محض نام شاگرد بنوشاند، هر آینه به شما می‌گویم اجر خود را ضایع نخواهد ساخت." (انجیل متی - فصل ۱۰ - بندهای ۴۳-۴۰)

"ایشان را گفت: بروید و به آن روباه بگویید: اینک امروز و فردا دیوها را بیرون می‌کنم و مریضان را صحت می‌بخشم و در روز سوم کامل خواهم شد لیکن می‌باید امروز و فردا راه روم، زیرا محال است نبی بیرون از اورشلیم کشته شود."

(انجیل لوقا - فصل ۱۳ - آیات ۳۳ و ۳۲)

در این مورد آخر، عیسی^(ع)، به مرگ خویش اشاره می‌کند - که به عقیده مسیحیان، در حقیقت در صلیب بوقوع پیوست تا اندازه‌ای از سر طعنه، با بیان اینکه، از آنرو که دیگران پیامبران را در اورشلیم به قتل رسانده بودند، چاره‌ای نبود که وی نیز در همین مکان جان سپارد. و در دیگر نمونه‌ها نیز مانند این یک، خود را پیامبر می‌خواند و نه "پسر خدا".

به همین ترتیب، در انجیل‌های مسیحی روایت می‌شود که بسیاری از معاصران، پیروان عیسی^(ع) یا مردمی که به هنگام وقوع معجزات وی حضور داشتند، وی را پیامبر، و نه "پسر خدا" به حساب می‌آوردند.

و چون وارد اورشلیم شد، تمام شهر به آشوب آمده، می‌گفتند: این کیست؟ آن گروه گفتند: این است عیسی نبی از ناصره جلیل.

(انجیل متی - فصل ۲۱ - آیات ۱۱ و ۱۰)

و چون رؤسای کهنه و فریسیان مثل‌هایش را شنیدند، دریافتند که درباره‌ی ایشان می‌گوید. و چون خواستند او را گرفتار کنند، از مردم ترسیدند زیرا که او را نبی می‌دانستند.

(انجیل متی - فصل ۲۱ - آیات ۴۶ و ۴۵)



و دو روز بعد به شهری مسمی به نائین رسید، ناگاه میتی را که پسر یگانه بیوه زنی بود می بردند و انبوهی کثیر از اهل شهر، با وی می آمدند. چون خداوند او را دید، دلش بر وی بسوخت و به او گفت: گریان مباش. و نزدیک آمده، تابوت را لمس نمود و حاملان آن بایستادند. پس گفت: ای جوان، تو را می گویم برخیز. در ساعت آن مرده راست بنشست و سخن گفتن آغاز کرد و او را به مادرش سپرد. پس خوف همه را فرا گرفت و خدا را تمجید کنان می گفتند که نبی ای بزرگ در میان ما مبعوث شده و خدا از قوم خود تفقد نموده است. پس این خبر درباره او در تمام یهودیه و جمیع آن مرز و بوم منتشر شد. (انجیل متی - فصل ۷ - آیات ۱۷ - ۱۱)

راوی بندهای فوق در انجیل او را خداوند نامیده و تاکید می کند که مردم او را نبی ای بزرگ می دانستند که در میان آنها مبعوث شده است.

یکی که کلیوپاس نام داشت در جواب وی گفت: مگر تو در اورشلیم غریب و تنها هستی و از آنچه در این ایام در اینجا واقع شد واقف نیستی؟ به ایشان گفت: چه چیز است؟ گفتندش: درباره عیسی ناصری که مردی بود نبی و قادر در فعل و قول در حضور خدا و تمام قوم، و چگونه رؤسای کهنه و حکام ما او را به فتوای قتل سپردند و او را مصلوب ساختند. (انجیل لوقا - فصل ۲۴ آیات ۲۰ - ۱۸)

بنابراین، به رسمیت شناختن الوهیت عیسی^(ع) و مسئله "فدیه" که مصلوب ساختن وی، به عنوان "پسر خدا" آنرا مجسم می سازد، حتی با توسل به همان منابع مسیحیت نیز، مشکل می نماید. به علاوه، ابهامات فراوانی درباره شخصیت عیسی^(ع)، در انجیل های مسیحی وجود دارد و عیسی^(ع) می تواند بسته به آنکه چه کسی از وی سخن بگوید، از "پسر خدا" گرفته، مسیح، پیامبر موعود، بازگشت ارمیای نبی، بازگشت الیاس نبی یا یحیای تعمید

دهنده دوباره به حیات بازگشته، تا نعوذ بالله به یک مزور، دغل و آلوده به کفر ... تغییر شخصیت دهد. اختلاف در عقاید مختلفی که همگی، در یک برهه از زمان انتشار یافته‌اند.

مسلمانان عقیده دارند که این ابهام، کاری نمی‌کند مگر تضييع شخصیت عیسی^(ع) و قرآن با قاطعیت در این رابطه سخن می‌گوید:

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ وَلَا تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ وَكَلِمَتُهُ أَلْقَاهَا إِلَى مَرْيَمَ وَرُوحٌ مِّنْهُ فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَلَا تَقُولُوا ثَلَاثَةٌ ثَلَاثَةٌ أَنْتُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنَّمَا اللَّهُ إِلَهُ وَحْدٌ سُبْحَنَهُ أَنْ يَكُونَ لَهُ وَلَدٌ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا

ای اهل کتاب! در دین خود غلو نکنید و جز حق، به خداوند نسبتی ندهید. همانا مسیح، عیسی پسر مریم، فرستاده‌ی خداوند و کلمه‌ی اوست که به مریم القا نمود و روحی است از جانب او. پس به خداوند و پیامبرانش ایمان آورید، و به تثلیث قائل نشوید. (از این حرف) دست بردارید که به نفع شماست. جز این نیست که الله خدایی است یکتا، و از اینکه فرزندی داشته باشد منزّه است. آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است از آن اوست و خداوند برای تدبیر و سرپرستی هستی کافی است. (قرآن کریم- آیه ۱۷۱ از سوره نساء) همانطور که پیش از این گفته شد، مسلمانان به صلیب کشیده شدن مسیح را قبول نداشته و معتقدند که امر بر آنها مشتبه شد.



یهودیان، مسیحیان و مسلمانان



مسلمانان، تنها به قرآن، یعنی وحی نازل شده از سوی خداوند به حضرت محمد (ص) عقیده ندارند بلکه همچنین، به کتب آسمانی پیش از آن نیز: تورات موسی (ع)، مزامیر داوود (ع) و انجیل عیسی (ع) نیز اعتقاد دارند. اما، از طریق قرآن، بعنوان وحی صریح می‌توان به آنها دسترسی داشت. این نمونه‌ها، اثبات واضحی از اتحاد میان ادیان می‌باشند:

ذَٰلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِن قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ

آن کتاب (با عظمت که) در (حقانیت) آن هیچ تردیدی راه ندارد، راهنمای پرهیزگاران است. (متقین) کسانی هستند که به غیب ایمان دارند و نماز را به پای می‌دارند و از آنچه به آنان روزی داده‌ایم، انفاق می‌کنند. و آنان به آنچه بر تو نازل شده و آنچه پیش از تو (بر پیامبران) نازل گردیده، ایمان دارند و هم آنان به آخرت (نیز) یقین دارند. (قرآن کریم- آیات ۲-۴ از سوره بقره)

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئاً وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضاً أَرْبَاباً مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ

بگو: ای اهل کتاب! (مسیحیان و یهودیان) به سوی سخنی بیاید که میان ما و شما مشترک است. جز آنکه خداوند را نپرستیم و چیزی را شریک او قرار ندهیم و بعضی از ما بعضی دیگر را بجای خدا ارباب نگیرد. پس اگر (از این پیشنهاد) سرباز زدند، بگویید: گواه باشید که ما مسلمان و تسلیم خدائیم.

(قرآن کریم - آیه ۶۴ از سوره آل عمران)

این، قدیمی ترین فراخوان برای گفتگوی میان ادیان است که در متون مقدس می توان یافت. فراخوانی برای هم پیمان شدن، به منظور غلبه بر قدرت های منحرف و ظالم این دنیا، برای اتحاد نیروها در اعتقاد به همان خداوند یگانه.

و اخیراً، هانس کونگ، الهی دان برجسته کاتولیک، در کتاب خود تحت عنوان "اسلام، تاریخ، حال و آینده، اظهار می دارد: "پس از عیسی، پیامبران حقیقی وجود دارند و این، از پیشداوری متعصبانه ناشی می شود که مسیحیان را به سوی به رسمیت نشناختن محمد (ص) آنچنان که می باید سوق می دهد. این تصدیق می توانست نقطه عطفی در ایجاد تفاهم میان مسیحیان و مسلمانان باشد."

مسیحیان در قرآن

نزدیکی دوستانه، میان مسیحیان و مسلمانان، از همان آغاز اسلام، یعنی ۱۴ قرن پیش آغاز می گردد:

لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدُوًّا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا وَ لَتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُمْ مَوَدَّةً لِلَّذِينَ ءَامَنُوا الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصْرَى ذَٰلِكَ بَأْسًا مِنْهُمْ

قَسِيسِينَ وَرَهَبَانًا وَأَنَّهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ وَإِذَا سَمِعُوا مَا أُنزِلَ إِلَى الرَّسُولِ تَرَى أَعْيُنَهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ وَمَا لَنَا لَا نُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَمَا جَاءَنَا مِنَ الْحَقِّ وَنَطْمَعُ أَنْ يُدْخِلَنَا رَبُّنَا مَعَ الْقَوْمِ الصَّالِحِينَ

قطعاً سرسخت‌ترین مردم را در دشمنی نسبت به اهل ایمان، یهودیان و مشرکان خواهی یافت، و نزدیک‌ترینشان را از نظر دوستی با مؤمنان، کسانی خواهی یافت که می‌گویند: ما نصرانی هستیم. این (دوستی) به آن جهت است که برخی از آنان زاهدانند و آنان تکبر نمی‌ورزند. و (آن مسیحیان) هرگاه آیتی را که بر پیامبر نازل شده می‌شنوند، می‌بینی که چشمانشان از اینکه حق را شناخته‌اند از اشک لبریز می‌شود و می‌گویند: پروردگارا! ما ایمان آوردیم، پس نام ما را در زمره‌ی گواهی‌دهندگان (به حق) بنویس. و (می‌گویند:) چرا به خداوند و حقی که (از سوی او) برای ما آمده ایمان نیاوریم؟ در حالی که امید داریم پروردگاران ما را همراه صالحان وارد (بهشت) سازد. (قرآن کریم - آیات ۸۴-۸۲ از سوره مائده)

لَيْسُوا سَوَاءً مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ أُمَّةٌ قَائِمَةٌ يَتْلُونَ آيَاتِ اللَّهِ ءَانَاءَ اللَّيْلِ وَهُمْ يَسْجُدُونَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُسْرِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَأُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ وَمَا يَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَن يُكْفَرُوهُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِينَ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَن تُغْنِيَ عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ مِّنَ اللَّهِ شَيْئًا وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ مَثَلُ مَا يُنْفِقُونَ فِي هَذِهِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَثَلِ رِيحٍ فِيهَا صِرٌّ أَصَابَتْ حَرْثَ قَوْمٍ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ فَأَهْلَكَتُهُ وَمَا ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَلَٰكِنْ أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ

اهل کتاب همه یکسان نیستند، طایفه‌ای از آنها (به طاعت خدا) ایستاده، آیات الهی را در دل شب تلاوت می‌کنند و سر به سجده می‌نهند. آنان به خدا و روز قیامت ایمان دارند و امر به معروف و

نهی از منکر می‌کنند و در کارهای خیر شتاب می‌ورزند و آنان از افراد صالح و شایسته هستند. و آنچه از خیر انجام دهند، هرگز درباره آن ناسپاسی نبینند و خداوند به (حال) پرهیزکاران داناست. همانا کسانی که کافر شدند، هرگز اموالشان و اولادشان چیزی از عذاب (خدا) را از آنان دفع نخواهد کرد و آنها همدم آتشند، همواره در آن ماندگار. مثل آنچه در این زندگی دنیا اتفاق می‌کند، چون مثل بادی است که در آن سرما و یا گرمای شدیدی باشد، بر کشتزار قومی که بر خود ستم کرده‌اند بوزد، پس آنها را از بین ببرد. خداوند به آنان ستم نکرده است، بلکه آنان به خویشتن ستم می‌کنند. (قرآن کریم - آیات ۱۱۷-۱۱۳ از سوره آل عمران)

عروج عیسی (ع) به آسمانها



بنا بر روایات اسلامی:
 "عیسی بن مریم، در دوره اشکانیان و در پنجاه و یکمین سال از حکومت فرهاد پنجم، فرزند اشک چهاردهم به پیامبری برگزیده شد. وی، به بیت المقدس (اورشلیم - القدس)

عزیمت کرد و تا ۳۳ سالگی به دعوت از بنی اسرائیل بسوی پرستش خداوند یگانه مشغول بود تا اینکه یهودیان، وی را دستگیر و به گمان خود، وی را به قتل رساندند. معذک، خداوند قادر متعال، تمامی راههای دسترسی یهودیان به عیسی (ع) را مسدود نموده بود و آنها، تصور نمودند که پیامبر خدا را از میان برده‌اند.

امام باقر (ع)، در این رابطه چنین بیان می‌فرمایند که: در شب موعود برای عروج عیسی (ع) به آسمانها، دوازده حواری او در خانه ای گرد هم آمدند. پس عیسی، نشسته بر چشمه‌ای که در درون خانه قرار داشت، سر جنباند و گفت: "بزودی، از یهودیان خلاصی خواهم یافت و به آسمانها خواهم شتافت. اکنون، کدامیک از شما حاضر است تا به جای من به صلیب کشیده شود تا خداوند به وی همان مرتبتی را عطا فرماید که به من عطا فرموده است؟" جوانی از میان حاضرین، این مهم را پذیرفت. آنگاه عیسی به آگاهی ایشان رسانید: "بزودی، یکی از شما بزودی زود به من خیانت خواهد نمود و پس از این واقعه، بنی اسرائیل به سه دسته تقسیم خواهند شد. دو دسته از میان این سه، در میان شعله‌های آتش دوزخ خواهند سوخت و تنها، گروهی که از شمعون اطاعت کند، رستگار خواهد شد." در آن شب، یهودیان خانه به خانه به جستجوی عیسی پرداخته و دو تن از حواریون را دستگیر نمودند. یکی از آنها، همانکه پذیرفته بود تا به جای عیسی (ع) به صلیب کشیده شود و دیگری، آنکه عیسی (ع) خبر از خیانت وی داده بود.

إِذْ قَالَ اللَّهُ يَحْيَىٰ إِنِّي مُتَوَفِّيكَ وَرَافِعُكَ إِلَيَّ وَمُطَهِّرُكَ مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَجَاعِلُ الَّذِينَ اتَّبَعُوكَ فَوْقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأَحْكُمُ بَيْنَكُمْ فِيمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ

(بیاد آور) هنگامی که خداوند فرمود: ای عیسی! من تو را (از زمین) برگرفته و به سوی خود بالا می‌برم و تو را از کسانی که کافر شده‌اند، پاک می‌کنم و تا روز قیامت پیروان تو را برکافران برتری خواهم داد. سپس بازگشت شما به سوی من است، پس در آنچه اختلاف می‌کردید، میان شما داوری خواهم کرد.

(قرآن کریم - آیه ۵۵ از سوره آل عمران)



لازم به ذکر است که مسلمانان پیروان واقعی حضرت مسیح^(ع) هستند همانطور که پیروان راستین حضرت موسی^(ع) با ظهور حضرت عیسی^(ع) به وی پیوستند.

پیامبران بعدی، پس از عیسی^(ع)

از پیامبران دروغین بر حذر باشید که در لباس میش نزد شما می آیند، ولی در باطن گرگ‌های درنده می‌باشند. همانطور که درخت را از میوه‌اش می‌شناسند، ایشان را نیز می‌توان از اعمالشان شناخت. شما یقیناً فرق درخت انگور و خار بیابان، و فرق انجیر و بوته خارا را می‌دانید. درخت سالم، میوه خوب می‌دهد و درخت فاسد، میوه بد. درخت سالم نمی‌تواند میوه بد بدهد، درخت فاسد نیز میوه خوب نمی‌دهد. درخت‌هایی که میوه بد می‌دهند، بریده و در آتش انداخته می‌شوند.

(انجیل متی - فصل ۷ - آیات ۲۰-۱۵)

از آیات مذکور چنین برداشت می‌شود که پس از عیسی^(ع) - که کلام بالا به وی نسبت داده می‌شود- پیامبران دیگری وجود خواهند داشت که می‌بایستی از حقیقت آنان و میوه‌های ایشان، اطمینان حاصل نمود. پس در غیر اینصورت، طرح هشدار در مورد ظهور پیامبران دروغین و بذل توجه نسبت به "میوه خوب" دیگر پیامبران حقیقی، مفهومی نمی‌داشت. در اینجا، در میان خطوط می‌توانیم به انگیزه نیت سوء برخی بر علیه حضرت محمد^(ص) و اسلام پی ببریم که پیام او و محتوای آن را و تعلیمات روشن و حکمت گرانبه‌ای او را تحریف نموده و سعی می‌کنند آن را به شکل میوه‌ای فاسد بنمایانند، که در واقع چنین نیست. و از این طریق می‌کوشند تا جلوی شناخت بشریت، نسبت به حقیقت موجود درباره میوه دلنشینی که محمد^(ص)، بواسطه قرآن و اسلام،

به عنوان دین، حامل آن بود بگیرند ... یکی از دلایل اسلام هراسی
غرب با چنین هدفی انجام می‌پذیرد.

شایسته است تا در اینجا بار دیگر بر بیانات الهی دان برجسته
کاتولیک، هانس کونگ، توجه نماییم: "پس از عیسی، پیامبران
حقیقی وجود دارند و این، از پیشداوری متعصبانه ناشی می‌شود که
مسیحیان را به سوی به رسمیت نشناختن محمد آنچنان که می‌باید
سوق می‌دهد."

فصل سوم

مقاله

اسلام، کاتولیسیم و
تیسسیم

یهودیت

مقایسه مفهوم خدا

■ **اسلام:** خدا، قادر متعال است، در همه جا حاضر است و واقف بر همه چیز.

کاتولیسیسم: خدا، سه گانه است (پدر، پسر و روح القدس).

■ **اسلام:** خدا، خالق است. "پدر" نامیدن خداوند، به معنای پایین آوردن مقام وی و گنجاندن آن در قالب انسانی است. در واقع، پدر بودن، آسانتر از مادر بودن است. از نگاه اسلام، پدر ما، آدم (ع) است که پدر همه بشریت محسوب می شود.

کاتولیسیسم: خداوند، پدر و خالق است.

■ **اسلام:** خداوند، فاقد جنسیت بوده و نه زن است و نه مرد.

کاتولیسیسم: خدا، مرد است.

■ **اسلام:** خدا، فاقد تصویر است.

کاتولیسیسم: خدا، با نقشی متشکل از دو مرد و یک کبوتر، تصویر می شود. (پدر، پسر، روح القدس)

■ **اسلام:** خدا، نه پدر و نه مادر دارد و فرزندى نیز ندارد.

کاتولیسیسم: خداوند پدر، یک پسر دارد. خداوند پسر، دارای یک پدر (خدای پدر) و یک مادر است. او، همچنین، علاوه بر دارا بودن برادران، پدر و مادر بزرگ، نوه پدر و مادر مریم نیز محسوب می شود. با نگاه به خداوند از این دریچه، همچنین می توان گفت که "خدای پدر" دارای قوم و خویش است و داماد پدر و مادر مریم به حساب می آید. و به همین منوال، مریم، همزمان دو همسر داشت: خدای پدر و یوسف نجار.

■ **اسلام:** خدا، قادر متعال و فناپذیر است.

کاتولیسیسم: خدای پسر، فناپذیر بود و به صلیب کشیده شد.

■ اسلام: خدا خوردنی نیست.

کاتولیسیسم: مسیحیان که خدا را سه تا در یکی (پدر، پسر و روح القدس) می دانند و مسیح ^(ع) را خدای پسر می نامند مراسمی دارند که در آن به صورت سمبولیک گوشت و خون مسیح ^(ع) را می خورند و به این مراسم عشاء ربانی می گویند.

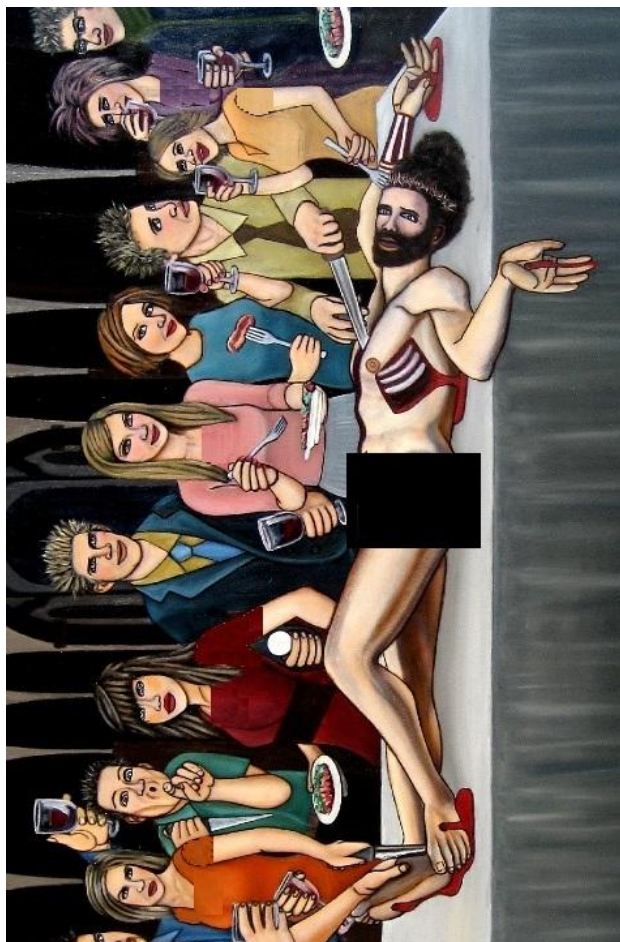
در این مراسم نان را که سمبل گوشت مسیح ^(ع) و شراب را که سمبل خون مسیح ^(ع) معرفی شده می خورند. با توجه به اینکه مسیح ^(ع) را بخشی از خدا می دانند، می توان مراسم عشاء ربانی را مراسم "خداخوری" یا مراسم "خونخواری" نامید.

در انجیل یوحنا باب ششم بندهای ۵۲ تا ۵۷ آمده است:

پس جدالی سخت در میان یهودیان در گرفت که «این مرد چگونه می تواند بدن خود را به ما بدهد تا بخوریم؟» عیسی به ایشان گفت: «آمین، آمین، به شما می گویم، که تا بدن پسر انسان را نخورید و خون او را ننوشید، در خود حیات ندارید. هر که بدن مرا بخورد و خون مرا بنوشد، حیات جاویدان دارد، و من در روز بازپسین او را برخوادم خیزانید. زیرا بدن من خوردنی حقیقی و خون من آشامیدنی حقیقی است. کسی که بدن مرا می خورد و خون مرا می نوشد، در من ساکن می شود و من در او. همانگونه که پدر زنده مرا فرستاد و من به پدر زنده ام، آن که مرا می خورد نیز به من زنده خواهد بود.»

صاحب نظران مسلمان معتقدند که یهودیان که نزد مسیحیان متهم به قتل آن حضرت هستند، برای توجیه تلاش خویش برای به صلیب کشاندنش، این مطالب غیر منطقی را در انجیل گنجانده اند تا مسیح ^(ع) را فردی غیر منطقی جلوه داده و بدینوسیله اقدام خویش را توجی نمایند.

در سال ۵۳۲ میلادی هانری چهارم قانونی را از پارلمان گذرانید که به قانون خون‌آلود معروف شد. به موجب این قانون، [خوردن] جسم عیسی بوسیله عشاء ربانی از اصول ایمانی کلیسا شناخته شد. برای منکرین این قانون، مجازات‌های سختی از قبیل قتل و زنده سوختن و مصادره اموال مقرر شد و نیز ازدواج کشیشان ممنوع گردید. (مبلغی آبادانی، عبدالله، تاریخ ادیان و مذاهب جهان جلد دوم)



تصویری انتقادی از مراسم عشاء ربانی

■ اسلام: روح القدس، همان فرشته بزرگ حضرت جبرئیل است که کلام خدا را به انبیای بزرگ ابلاغ نمود.

کاتولیسیم: روح القدس، خدا، به صورت سومین قسم از اقسام تثلیث است. خداوند و دهنده زندگی است. او، با پیامبران^(ع) سخن گفت. او را در تصاویر به صورت کبوتر ترسیم می کنند.

مقایسه دعای مسلمانان و مسیحیان

■ اسلام: خداوند را به عنوان رحمان ترین و رحیم ترین می شناسد. رحم و رحمت خداوند، با رحم و شفقت انسانی قابل مقایسه نیست. از همین رو مسلمانان، در نیایش های خود از خداوند می خواهند که با رحمت خود با آنها برخورد کند، اگرچه شایستگی آنرا نداشته باشند، یا سزاوار این بخشاینده نباشند. از خداوند می طلبند تا ایشان را از بعد بخشش خود و نه از بعد عدالت خویش، مورد قضاوت قرار دهد. زیرا اگر خداوند، به جای بخشش، عدالت خویش را به کار بندد، به سختی دچار خواهیم شد.

بطور مثال، مسلمانان می گویند:

خدای من. مرا ببخش، اگرچه سزاوار نیستم و شایستگی بخشایش را ندارم. ببخشای مرا، زیرا بخشش، سزاوار تویی است که بخشنده ترین بخشاینده گانی. خدای من، در روز قیامت، به فضل خود، بخشش خود را، و نه عدالت را جاری فرما.

کاتولیسیم: در دعایی معروف به "دعای ربانی"، مؤمن، طلب عفو می کند: "ای پدر ما که در آسمان هستی، که نام تو مقدس باد و ملکوت تو، بیاید اراده تو چنانکه در آسمان است، در زمین هم

حکم فرما باشد. امروز نان کفاف ما را بده، قصور ما را ببخش، همچنان که ما قصور دیگران را دریاره خود می‌بخشیم. ما را هرگز به کارهای ناروا مکشان، ولی ما را از تبهکاران رهایی بخش، زیرا فرمان روائی و قدرت و پیروزی برای ابد از آن تو است. آمین"

"در این عبارت، دعا کننده، بخشش خود را بیشتر از بخشش خداوند می‌داند، از خدا می‌خواهد تا بر بخشش و رحمت خود بیفزاید، معذک، در تحلیل آخر، این، هم اوست که از خود به عنوان نمونه بخشش در برابر خدا یاد می‌کند. به این ترتیب، او از خدا می‌طلبد تا رحمت و شفقت خویش را تا رسیدن به سطح بخشش شخص دعاکننده ارتقاء دهد. دعاکننده، می‌توانست اینچنین تقاضای خود را مطرح نماید:

"از سر تقصیرات ما درگذر و ما را یاری کن تا از تقصیر آنان که مرتکب خطایی نسبت به ما گشته‌اند، درگذریم."

در این دعا همچنین تاکید می‌کند که "خدا یا ما را به کارهای ناروا مکشان" گویی که خدا انسان را به کارهای ناروا می‌کشاند! ضمناً گویی که اراده خدا فقط در آسمان حکم فرما است و در زمین اراده وی حکمفرما نیست!

مقایسه ایمان در اسلام و مسیحیت

■ اسلام: ایمان در اسلام، بر پایه منطق و استدلال استوار است.

کاتولیسیسم: ایمان، مبتنی بر دگماتیسمی بی‌چون‌وچرا می‌باشد، یعنی، ایمان کور یا بدون استدلال.

■ اسلام: اسلام، به استدلال و تحلیل و تفکر در امور فرا می‌خواند. محمد (ص)، پیامبر اسلام، فرمود: یک ساعت تفکر، بهتر

از ۷۰ سال عبادت خداوند است. سراسر قرآن پر است از دعوت به استدلال و تعقل است. بر اساس اسلام، پیامبران خدا و از جمله، عیسی^(ع)، مردم را به تعقل فرا می خواندند. ایمان دگماتیک، تحریفی از سوی کاتولیسیسم محسوب می گردد.

کاتولیسیسم: مردم را به سوی قبول دگماتیسم مذهبی، بدون دخالت اندیشه و عقل، یعنی بدون تحلیل و استدلال فرامی خواند.

■ **اسلام:** تعلیم و تربیت و مطالعه، به عنوان هدفی مثبت، بمنزله عبادت خداوند است. محمد^(ص) فرمود: "جوهر قلم عالم، از خون شهید والاتر است."

کاتولیسیسم: گاليله، که در نتیجه شناخت خود، زمین را کروی اعلام نمود، از سوی کلیسای کاتولیک، به مرگ محکوم شد.

■ **اسلام:** انسان برای ارتباط با خدا می تواند بدون واسطه ارتباط برقرار کند.

کاتولیسیسم: کلیسا و مقام روحانی آن، واسطه میان انسان و خداوند به شمار می آیند.

■ **اسلام:** نیایش ها و دعاها، مستقیماً خطاب به خداوند صورت می پذیرند.

کاتولیسیسم: دعا، در بسیاری از موارد، غیر مستقیم بوده و جزیی از ابزار کلیسا محسوب می شود.

■ **اسلام:** خداوند قاضی روز جزاست. اوست که مجازات یا عفو می کند.

کاتولیسیسم: عفو، در اختیار کشیش های کلیسا قرار دارد و اغلب، مبلغی به عنوان تاوان گناه از فرد گناهکار، دریافت می نمایند.

■ **اسلام:** عفو، مستقیماً از خداوند درخواست می شود، اعتراف به گناهان نزد کسی، مگر خود خداوند، جایز نمی باشد،

زیرا اوست که قاضی روز جزاست و در همه جا حاضر و بر همه چیز واقف می باشد.

کاتولیسیسم: پیروان را به طلب بخشش و عفو از روحانیون کلیسا دعوت می کند که در بسیاری از موارد با پرداخت مبلغی همراه است.

■ **اسلام:** در اسلام، اعتراف به گناه نزد دیگران، حتی نزد مقام روحانی، گناه محسوب می شود. اسلام، آن را به چشم امری محرمانه می نگرد که می بایستی شخصاً و بطور مستقیم با خداوند مطرح گردد. درخواست عفو از هر کس به غیر از خدا، گناهی بزرگ محسوب می شود، چرا که این خداوند است که قاضی روز جزا بوده و تنها اوست که از قدرت عفو برخوردار می باشد، زیرا او، بر همه چیز وقوف دارد.

اما اگر فردی، نسبت به فرد دیگری مرتکب تقصیری شده است، می تواند و باید از آن شخص، طلب بخشش نماید. اگر گناهی در جمع بوقوع پیوسته است، شخص گناهکار می بایستی در جمع توبه کند.

کاتولیسیسم: می بایستی گناه را نزد کشیشان اعتراف نمود، که البته از نظر مسلمانان، این اقدام کلیسا با هدف کنترل جامعه می باشد.

■ **اسلام:** اسلام، از عشق نسبت به خدا سخن می گوید و رحمت و بخشندگی او را مورد تصریح قرار می دهد. در قرآن، بیشتر، از رحمت خداوند سخن به میان می آید تا از ترس از او. **کاتولیسیسم:** کلیسا، مردم را به سوی ایمانی فرا می خواند که بیشتر از عشق خداوند، در ترس از او ریشه دارد.

■ **اسلام:** خوردن گوشت انسانی دیگر، عملی فجیع شمرده می شود.

کاتولیسیسم: خوردن سمبلیک، از گوشت و خون عیسی (ع) را که او را خدای پسر می‌دانند، موجب جاودانه شدن می‌دانند و این اقدام در مراسم عشای ربانی، عملی مثبت و از روی ایمان محسوب می‌گردد.

■ **اسلام:** خوردن گوشت خوک یا فرآورده‌های آن را حرام است.

کاتولیسیسم: مصرف گوشت خوک، با وجود آنکه از ساختار ژنتیکی شبیه به بدن انسان برخوردار بوده و به همین دلیل، آمادگی انتقال ویروس را دارا می‌باشد و نیز علی‌رغم ممنوعیت آن در عهد موسی (ع) مطابق با انجیل عهد عتیق جایز محسوب می‌شود.

یهودیت: خوردن گوشت خوک حرام است.

خداوند به موسی و هارون فرمود آه این دستورات را به قوم اسرائیل بدهند: حیوانی آه شکافته سم باشد و نشخوار آند حلال ولی گوشت شتر، گورآن و - گوشت است . خرگوش را نباید خورد، زیرا این حیوانات هر چند نشخوار می‌کنند اما شکافته سم نیستند؛ همچنین گوشت خوک را نیز نباید خورد، زیرا هر چند شکافته سم است اما نشخوار نمی‌کند. پس نباید این حیوانات را بخورید و یا حتی دست به لاشه آنها بزنید، زیرا گوشت آنها حرام است . (انجیل، عهد عتیق، لاویان، تثنیه، ۱۴: ۳-۲۱)

مقایسه عیسی (ع) و مریم (س) در اسلام و مسیحیت

■ **اسلام:** عیسی (ع) از نوع بشر به حساب آمده و پیامبر بزرگ خداست.

کاتولیسیسم: از عیسی، بعنوان "پسر خدا" یاد می‌شود و دومین ثلث از تثلیث می‌باشد.

■ **اسلام:** تولد عیسی ^(ع) بدون وجود پدری از نوع بشر، معجزه ای بود که به اراده خدا بوقوع پیوست، اما وی، بی تردید، از ابناء بشر بوده و پیامبر بزرگ خداست. همانطور که حضرت آدم ^(ع) به اذن خدا بدون پدر و مادر آفریده شد و علیرغم آن بشر می باشد. **کاتولیسیسم:** پدر عیسی، همان خداوند پدر است.

■ **اسلام:** عصمت و بکارت مریم ^(س) را به رسمیت می شناسد و معتقد است که عیسی، بدون وجود پدر و به اراده خداوند متولد شد.

کاتولیسیسم: عیسی، در وجود مریم باکره ^(س) تجسم یافت، اما فرزند خدا محسوب می شود.

■ **اسلام:** مریم ^(س)، هرگز ازدواج نکرد. **کاتولیسیسم:** مریم ^(س)، پس از تولد فرزندش عیسی ^(ع)، از همسرش یوسف نجار دارای فرزندان بسیار شد. یوسف، تولد عیسی را در عین باکرگی مریم ^(س)، مورد سوء ظن قرار داد. اما روح القدس او را به قبول این مطلب متقاعد نمود (که همسر او، مانند وسیله ای برای حمل پسر خداوند، مورد استفاده قرار گرفته است).

■ **اسلام:** سوره ای از قرآن، "مریم" نام دارد که به حکایت بخشی از سرگذشت او می پردازد. سوره دیگری از قرآن به نام "مائده" به وصف "شام آخر" می پردازد.

کاتولیسیسم: هیچ فصلی از انجیل، با عنوان "مریم" و یا "شام آخر" نامگذاری نشده است.

■ **اسلام:** اسلام، معجزاتی را همچون دریافت میوه های بهشتی فرستاده شده از سوی خدا، به حضرت مریم ^(س) نسبت می دهد.

کاتولیسسیسم: انجیل، چنین معجزاتی را برای مریم^(س)، بر نمی-
شمارد.

■ **اسلام:** قرآن، در مقایسه با انجیل، معجزات بیشتری را به
حضرت عیسی^(ع) نسبت می‌دهد. از جمله اینکه تنها چند روزی
پس از تولد دربارهٔ ماموریت پیامبری خود زبان به سخن گشود.
قرآن تصریح می‌کند که معجزات پیامبران، به اذن الهی صورت
می‌پذیرفته‌اند.

کاتولیسسیسم: انجیل نیز، تعدادی از معجزات عیسی^(ع) را بر
می‌شمرد، که از تعداد معجزات ذکر شده در قرآن، کمتر می‌باشند.
■ **اسلام:** اسلام، عروج عیسی^(ع) را بازمی‌شناسد، بدون
آنکه به صلیب کشیده شده باشد.

کاتولیسسیسم: عروج عیسی^(ع) را، پس از مرگ، بر صلیب و
زنده شدن مجدد بازمی‌شناسد.

■ **اسلام:** بر اساس دیدگاه اسلام، عیسی^(ع)، بوسیلهٔ
معجزه‌ای از مصلوب شدن رهایی یافته و به سوی خدا، عروج
نمود. این، یهودای خائن بود که به چشم دشمنان، شبیه به عیسی
به نظر رسید و به جای او به صلیب کشیده شد. قرآن این مطلب را
مورد تایید قرار می‌دهد که:

... وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا بَلْ رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ ...

... و به یقین او را نکشته‌اند. بلکه خداوند او را به سوی خود

بالا برد... (قرآن کریم - آیات ۱۵۸-۱۵۷ از سوره نساء)

کاتولیسسیسم: عیسی^(ع) به صلیب کشیده شد، زجر کشید و به
خاک سپرده شد. سپس در روز سوم، جان دوباره گرفت و در این
موقع بود که عروج وی به آسمانها بوقوع پیوست.

■ **اسلام:** عیسی^(ع)، مانند دیگر پیامبران بزرگ، خداشناس
بود، بنابراین هیچگاه فکر نکرد که خداوند وی را ترک کرده باشد.

کاتولیسیسم: بنابر روایت انجیل، هنگامی که عیسی ^(ع) بر روی صلیب در حال زجر کشیدن بود، گفت: " پدر، چرا مرا ترک کرده ای؟ " که در چنین صورتی، او از حضور خداوند غفلت ورزیده (و حضور همیشگی خداوند را مورد سوء ظن قرار داده بود).

■ **اسلام:** عیسی ^(ع) هیچ ترسی از مرگ به دل راه نمی داد، زیرا می دانست که مرگ برای وی، همچون دری است به روی بهشت و قرب ابدی با خداوند.

کاتولیسیسم: عیسی ^(ع)، از مرگ می ترسید. پیش از مرگ، در جستیمانی احساس اندوه نموده و به خاطر شکنجه ای که متقبل شد، اندوهگین گشت.

مقایسه موضوع گناه ذاتی در دو دین

■ **اسلام:** آدم و حوّا، توسط خداوند و بدون وجود پدر و مادر خلق شدند و پدر و مادر همه ابناء بشر می باشند.

کاتولیسیسم: آدم و حوّا توسط خداوند و بدون وجود پدر و مادر خلق شدند و همچنین، خدای پسر از نسب آنان به حساب می آید.

■ **اسلام:** آدم و حوّا، به خاطر گناهانشان بخشوده شدند.

کاتولیسیسم: آدم و حوّا، بخاطر سرپیچی از فرمان خداوند تنبیه شده و از بهشت اخراج شدند. زندگی سختی را تجربه کردند و بر روی زمین، به سختی کار کردند.

■ **اسلام:** زندگی، با بیگناهی آغاز می شود. همه کودکان، معصوم و بی گناه متولد می شوند و اگر کودکی، پیش از رسیدن به سن بلوغ از دنیا برود، وارد بهشت می شود. نه منطق و نه عدالت

اقتضا نمی‌کنند که کودکی بار گناه دیگران را، علی‌الخصوص بار گناه آدم^(ع) و حوّا^(س) را که هزاران سال پیش مرتکب شده‌اند به دوش بکشد. گناهی که بنابر اعتقاد اسلام، مورد عفو قرار گرفته است.

کاتولیسیم: زندگی با گناه آغاز می‌شود. همهٔ کودکان، به خاطر گناه آدم و حوّا، با "گناه ذاتی" متولد می‌شوند. در نتیجه، حتی اگر کودکی، شاید در حالت جنینی، پیش از غسل تعمید از میان برود، وارد بهشت نشده بلکه، در برزخ باقی می‌ماند. پس از ادعای واتیکان، در طی قرون پیش، مبنی بر وجود برزخی ویژه کودکانی که غسل تعمید نشده‌اند، اخیراً پاپ، وجود آن را نفی نمود، بدون تعیین اینکه، کودکانی که پیش از غسل تعمید از دنیا می‌روند و لذا نمی‌توانند وارد بهشت شوند، به کجا خواهند رفت.

یهودیت: "هر که گناه کند / او خواهد مرد. پسر، متحمل گناه پدرش نخواهد بود. عدالت مرد عادل بر خودش خواهد بود و شرارت مرد شریر بر خودش خواهد بود." (انجیل - عهد عتیق - حزقیال نبی -

فصل ۱۸ - آیه ۲۰)

■ **اسلام:** هر فرد، از زمانی که "عقل‌رس" شده یا به عبارتی، بالغ می‌شود، مسئول اعمال خویش است. در روز قیامت، پاسخگوی اعمال خویش است و نه دیگران. بر اساس اسلام، هر فرد، تنها، پاسخگوی اعمال خویش بوده و مسئولیت اعمال دیگران را بر عهده ندارد.

کاتولیسیم: همه افراد، بار گناه آدم و حوّا را به دوش می‌کشند.

■ **اسلام:** عیسی^(ع) و پیامبران دیگر، به ابلاغ پیام خداوند پرداخته و دیگران را به پیروی از الگوی خویش فراخواندند. هر یک از ما، مسئول اعمال خویش هستیم.

مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلْغُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا تَكْتُمُونَ
 بر پیامبر، جز ابلاغ (احکام الهی) نیست و خداوند، آنچه را
 آشکار یا کتمان می‌کنید می‌داند. (قرآن کریم- آیه ۹۹ از سوره مائده)

وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ وَإِنْ تَدْعُ مُثْقَلَةٌ إِلَىٰ حِمْلِهَا لَا يُحْمَلْ
 مِنْهُ شَيْءٌ وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ إِنَّمَا تُنذِرُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ
 وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَمَنْ تَزَكَّىٰ فَإِنَّمَا يَتَزَكَّىٰ لِنَفْسِهِ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ

هیچ فردی بار (گناه) دیگری را بر دوش نکشد، و اگر سنگین
 باری برای حمل بارش، حتی از نزدیکان خود دعوتی کند، چیزی
 از بارش حمل نشود (و کسی به او رحم نکند). تو تنها کسانی را
 که در نهان از پروردگارشان می‌ترسند و نماز به پا می‌دارند هشدار
 می‌دهی، و هر کس (از گناه) پاک شود، پس این پاکی به نفع خود
 اوست و بازگشت (همه) تنها به سوی خداوند است. (قرآن کریم- آیه ۱۸

از سوره فاطر)

کاتولیسیم: عیسی^(ع)، بیش از دو هزار سال پیش، بواسطه
 ریخته شدن خون خویش، موجب شد گناهان ما بخشوده و "ما را
 از آن گناهان رها کنید".

■ **اسلام:** از آنرو که مسئولیت اعمال و کردار ما، بر عهده
 خودمان است، می‌بایستی هوشیاری خود را نسبت به خویش حفظ
 نماییم. بنابراین، هرآنچه که به هوشیاری ما خدشه‌ای وارد نماید
 ممنوع تلقی می‌گردد، همان دلیلی که سبب حرام بودن شراب در
 اسلام شده است.

کاتولیسیم: مصرف الکل مجاز بوده و در مراسم مذهبی
 همچون، عشای ربانی و مراسم عبادی، شراب نوشیده و آن را
 سمبل خون خدای پسر محسوب می‌کنند. آنها معتقدند که حضرت
 مریم^(س) برای میهمانان مشروب سرو می‌کرد و وقتی مشروب تمام

می‌شود، با معجزه حضرت مسیح (ع) آب به شراب تبدیل شده و کمبود مشروب میهمانی آن روز بر طرف می‌گردد.

یهودیت: شراب استهزا می‌کند و مسکرات عربده می‌آورد، و

هر که به آن فریفته شود حکیم نیست. (انجیل - امثال سلیمان نبی - فصل ۲۱ - آیه ۱)

مقایسه ازدواج در اسلام و مسیحیت

■ **اسلام:** روابط زناشویی، لازم بوده و به گفته حضرت محمد (ص): "ازدواج، نصف دین است." در مورد ازدواج جوانان، روایت بر "دوثلث دین" تاکید کرده است.

کاتولیسیسم: روابط زناشویی، به عنوان عملی برای تولد فرزندان برقرار گردیده و در مورد کشیشان و راهبان زن و مرد، عزب ماندن، موجب قرب به خدا محسوب می‌شود.

■ **اسلام:** ازدواج مرد و زن بر مجرد ارجحیت دارد و ازدواج کردن، بهتر از عزب ماندن می‌باشد.

کاتولیسیسم: عدم ازدواج راهبان زن ضروری بوده و بدین ترتیب، ایشان می‌بایستی باکره باقی بمانند.

■ **اسلام:** روحانیون در اسلام، ازدواج می‌کنند. بر اساس اندیشه اسلامی، "ازدواج، زن و مرد را به خدا نزدیکتر می‌کند."

کاتولیسیسم: روحانیون کاتولیک، مانند راهبان یا کشیشان، (با مجرد) از قرب بیشتری به خدا برخوردارند، می‌بایستی عزب بمانند.

■ **اسلام:** طلاق، یک "بد مجاز" بوده و می‌تواند به عنوان راه حلی برای یک ازدواج شکست خورده به کار آید. ازدواجی که در آن، زن و شوهر دیگر نمی‌خواهند به زندگی در کنار هم ادامه دهند.

کاتولیسیسم: طلاق (اگرچه امروزه در بسیاری از کشورها پذیرفته شده است)، اما در مسیحیت اکیداً ممنوع می‌باشد و تنها شخص پاپ، مجاز به لغو یک ازدواج می‌باشد و آنهم بسیار به ندرت اتفاق افتاده و لذا منجر به بروز مفاسد بسیار شده است.

■ **اسلام:** تعدد زوجات مجاز می‌باشد زیرا از جمله آنرا به چشم راه حلی مشروع، به هنگام بروز عدم تعادل جمعیتی، می‌نگرد. یعنی زمانی که تعداد زنان، نسبت به مردان بیشتر است. (همچنین، بنابر مقتضیات، می‌تواند راه حلی برای دیگر ضرورتها باشد.) حضرت ابراهیم^(ع) دو همسر بود.

کاتولیسیسم: تعدد زوجات را بدون احتساب شرایط جمعیتی، غیرمجاز می‌داند با وجود اینکه در بسیاری از کشورها، جمعیت زنان بیشتر از جمعیت مردان است.

مسیحیان نعوذ با... ازدواج حضرت ابراهیم^(ع) با هاجر^(س) را گناه دانسته و حضرت اسماعیل^(ع) را فرزند نامشروع این ارتباط گناه آلود می‌دانند!!

■ **اسلام:** ترتیبی در اسلام وجود دارد که بنابر احکام مکتب شیعه، ازدواج موقت را مجاز می‌شمارد.

کاتولیسیسم: ازدواج موقت را جایز نمی‌داند.

■ **اسلام:** تفاوتی میان فرزندان متولد شده، در انواع و اقسام ازدواج مشروع وجود ندارد. همه آن فرزندان مشروع شناخته شده و از حقوق مشابه از جمله از ارث برخوردارند و پدر، در هر صورت مسئول نگاهداری و هزینه‌های زندگی آنان است.

کاتولیسیسم: تعدد زوجات را نپذیرفته و در مورد فرزندان متولد شده در روابط خارج از ازدواج دائم اول، تبعیض قایل است. (آنان را نامشروع می‌داند)

■ اسلام: در اسلام، نیازی به فرد روحانی، به عنوان واسطه ای برای انجام مراسم ازدواج نمی باشد. زوج های مسلمان، با توافق بر سر مسائل و بر زبان جاری ساختن توافق کلامی به عقد یکدیگر درمی آیند. اگرچه به منظور رعایت قانون مدنی، آن را در دفترخانه ای به ثبت خواهند رسانید.

کاتولیسیسم: اجرای مراسم ازدواج صرفا توسط کشیشان انجام می شود.

مقایسه زن در اسلام و فرهنگ اروپایی

■ اسلام: ارضای جنسی در اسلام، به روابط زناشویی محدود شده و تحریک جنسی در محیط اجتماع، جایز نیست.

فرهنگ اروپایی یا غربی: تحریک جنسی در روابط اجتماعی و شغلی، امری پسندیده محسوب می‌شود.

■ اسلام: جاذبه جنسی (و لذت) از آن از ارزش‌های خلوت زناشویی است و هرگز نباید به ارزش اجتماعی، تجاری و شغلی در محیط‌های عمومی مبدل شود.

فرهنگ اروپایی یا غربی: جاذبه جنسی در ازدواج و محیط‌های اجتماعی، تجاری یا شغلی به عنوان یک ارزش معتبر و رایج می‌باشد.

■ اسلام: زن مسلمان، به هنگام خروج از خانه خود را می‌پوشاند تا همچنانکه شیوهٔ مریم (س) بود، از جلب توجه یا جاذبهٔ محرک اجتناب ورزد.

فرهنگ اروپایی یا غربی: بسیاری از زنان، (اگرچه نه همهٔ آنها)، بوسیلهٔ نوع لباس و پیروی از مد، عادت به تهییج جاذبهٔ جنسی در محیط اجتماع دارند.

■ اسلام: بهره‌گیری از جذابیت‌های فیزیکی زنان در اجتماع، به عنوان یک محصول تجاری، توهینی به اصالت زن به حساب آمده و از همین رو، ممنوع می‌باشد.

فرهنگ اروپایی یا غربی: استفادهٔ ابزاری از جنس مؤنث حتی ترغیب به آن، برای تبلیغ محصولات بازرگانی، امری عادی و بلکه ضروری بوده و به آزادی قابل انجام است.

■ **اسلام:** زن مسلمان، در روابط اجتماعی، به دنبال ایجاد تحریک، از طریق جاذبه فیزیکی خود نبوده و جذابیت جنسی زنانه خویش را در خدمت اهداف تجاری قرار نمی دهد.

فرهنگ اروپایی یا غربی: جاذبه فیزیکی، نقش یک ارزش را در عرصه اجتماع و تجارت بازی می کند.

■ **اسلام:** زن مسلمان، آرایش و لذت زناشویی را در روابط با همسر خود تجربه می کند، اما، به هنگام خروج از خانه، آرایش را از خود می زداید.

مسیحیت: «خواهانم که زنان پوشش شایسته بر تن کنند و خویشان را به نجات و متانت بیارایند، نه به گیسوان بافته یا طلا و مروارید یا جامه های فاخر، بلکه به زیور اعمال نیکو آراسته شوند، چنان که شایسته ی زنانی است که مدعی خداپرستی اند.» (انجیل، نامه ی

اول «پولس رسول» به «تیموتائوس اول»، بند ۹ و ۱۰)

فرهنگ اروپایی یا غربی: بسیاری از زنان غربی، (اگرچه، نه همه آنان)، آرایش کرده و در خارج از خانه، رفتاری تحریک کننده و شهوانی در پیش می گیرند.

■ **اسلام:** فحشا در اسلام، حرام شمرده می شود.

فرهنگ اروپایی یا غربی: فحشا، قابل قبول بوده و حرفه ای مجاز به حساب می آید. کافی است که مانند سایر مشاغل بهداشت را رعایت کرده و مالیات درآمد حاصله را به دولت بپردازند. در غرب دیگر از کلمه فاحشه استفاده نمی کنند و از عبارت "خدمات رسانان سکس" استفاده می نمایند.

■ **اسلام:** همجنس گرایی، چه از نوع مذکر و چه از نوع مؤنث آن، در اسلام حرام و خلاف قانون طبیعت محسوب می شود.

فردی که به اثر نقص در تولد دوجنسیتی متولد می‌شود، از حق انجام عمل جراحی، پس از رسیدن به سن بلوغ، برای تبدیل شدن به زن یا مرد برخوردار می‌باشد.

فرهنگ اروپایی یا غربی: همجنس‌گرایی از هر دو نوع مذکر و مؤنث آن، مورد قبول بوده و جزئی از حقوق بشر و در بسیاری از کشورها قانونی شمرده می‌شود. در برخی از کشورها، زوج‌های همجنس‌گرا، از حق ازدواج برخوردار بوده و حتی می‌توانند کودکان بی‌سرپرست را به فرزندپذیری بپذیرند. آموزش همجنس‌گرایی در برخی ایالات آمریکا در دبیرستان‌ها اجباری شده است.

اگر فرهنگ غرب، تحت عنوان "تمایل آزادانه افراد بالغ"، همجنس‌گرایی را می‌پذیرد، زنای با محارم را نیز نمی‌توان از این حیطه خارج دانسته و این امر هم می‌تواند مورد پذیرش قرار گرفته و در چارچوب حقوق افراد بالغی قرار گیرد که به میل خود با این عمل موافق هستند. بنابراین در آینده نه چندان دور زنای با محارم نیز بخشی از حقوق بشر محسوب خواهد گردید.

مقایسه ایمان آوردن در ادیان

■ **اسلام:** برای وارد شدن به ایمان اسلامی، تکرار دو عبارت، با صحت عقل و اعتقاد کاملاً راسخ، کافی است:

"بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ"

"به نام خداوند بخشنده مهربان، گواهی می‌دهم، خدایی جز خدای یگانه (الله) نیست، گواهی می‌دهم، همانا محمد (ص) پیامبر خداست."

برای پذیرفته شدن در مکتب شیعه، که اسلام اصیل و تحریف نشده است، تنها، لازم است با آگاهی این عبارت را به عبارات قبلی افزود:

أَشْهَدُ أَنْ عَلِيًّا وَلِيُّ اللَّهِ

گواهی می‌دهم که علی (ع)، ولی و جانشین پیامبر (ص) است.

بر اساس اسلام، خداوند تمامی گناهان قبلی فردی را که اسلام آورد، مورد بخشش قرار می‌دهد.

پیامبر (ص)، فرمود:

"اگر کسی پس از وارد شدن به اسلام، کارهای نیک انجام دهد، به خاطر اعمالی که پیش از مسلمانی انجام داده مجازات نخواهد شد، در حالی که اگر پس از ورود به اسلام، به کارهای ناشایست سابق، ادامه دهد، همه گناهانش از آغاز تا به آخر به حساب خواهند آمد."

کاتولیسیم: به منظور ورود به ایمان کاتولیک، بجای آوردن غسل تعمید توسط کشیش که نقش واسطه خدا را بازی می‌کند، ضروری است. ایمان تنها، کافی نیست.

یهودیت: تنها، فرزندان از یک مادر یهودی، در مفهوم صریح آن، می‌توانند یهودی محسوب شوند. ایمان، نقشی در این مورد بازی نمی‌کند به عبارتی دیگر مذهب ریشه نژادی و حتی خانوادگی دارد.

مقایسه وظایف در قبال پیامبران

■ اسلام: خداوند از بشر می‌خواهد تا به پیام انبیا گوش فرا داده و آن را بپذیرند، زیرا ایشان، از سوی خداوند سخن گفته‌اند. اگر این پیامها را نادیده بگیریم، خداوند به حساب ما در این مورد رسیدگی خواهد کرد.

یهودیت: عهد عتیق، گفتگوی خداوند با موسی را چنین نقل

می‌کند:

نبی‌ای را برای ایشان از میان برادران ایشان مثل تو مبعوث خواهم کرد، و کلام خود را به دهانش خواهم گذاشت و هر آنچه به او امر فرمایم به ایشان خواهم گفت. و هر کسی که سخنان مرا که او به اسم من گوید نشنود، من از او مطالبه خواهم کرد. (انجیل-

عهد عتیق - تثنیه - فصل ۱۸ - بندهای ۱۹-۱۸)

کاتولیسیم: انجیل، در عهد جدید در باره بندهای فوق از

عهد عتیق تصریح می‌کند که عیسی ^(ع)، بدرستی، پیامبر موعود وعده داده شده به حضرت موسی ^(ع) می‌باشد و می‌گوید، کسی که این پیامبر را برسمیت نشناسد، از میان مردم بیرون خواهد شد.

پس توبه و بازگشت کنید تا گناهان شما محو گردد و تا اوقات استراحت از حضور خداوند برسد. و عیسی مسیح را که از اول برای شما اعلام شده بود بفرستد که می‌باید آسمان او را پذیرد تا زمان معاد همه چیز که خدا از بدو عالم به زبان جمیع انبیای مقدس خود، از آن اخبار نمود. زیرا موسی به اجداد گفت که خدای شما نبی‌ای مثل من، از میان برادران شما برای شما برخواهد انگیخت. کلام او را در هر چه به شما تکلم کند بشنوید؛ و هر نفسی که آن نبی را نشنود، از قوم منقطع گردد. (انجیل، اعمال رسولان-

فصل ۳- آیات ۲۳-۱۹)

■ اسلام: و خداوند در قرآن می‌گوید:

وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْنَاكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَلَتَنْصُرُنَّهُ قَالَ أَأَقْرَرْتُمْ وَأَخَذْتُمْ عَلَىٰ ذَلِكُمْ إِصْرِي قَالُوا أَقْرَرْنَا قَالَ فَاشْهَدُوا وَ أَنَا مَعَكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ فَمَنْ تَوَلَّىٰ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ أَفَغَيَّرَ دِينَ اللَّهِ يَتَّبِعُونَ وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ

يُرْجَعُونَ قُلْ ءَامَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنْزِلَ عَلَيْنَا وَمَا أُنْزِلَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَ
 إِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ
 وَالنَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا تُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَتَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ وَمَنْ
 يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ
 كَيْفَ يَهْدِي اللَّهُ قَوْمًا كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ وَشَهِدُوا أَنَّ الرَّسُولَ حَقٌّ
 وَجَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ أُولَٰئِكَ جَزَاؤُهُمْ أَنَّ
 عَلَيْهِمْ لَعْنَةَ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ خَالِدِينَ فِيهَا لَا يُخَفَّفُ
 عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنْظَرُونَ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَٰلِكَ وَأَصْلَحُوا
 فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَّارٌ فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْ
 أَحَدِهِمْ مِلْءُ الْأَرْضِ ذَهَبًا وَلَوْ افْتَدَىٰ بِهِ أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ وَمَا
 لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ

و(بیاد آور) هنگامی که خداوند از پیامبران (پیشین) پیمان
 گرفت که هرگاه به شما کتاب و حکمتی دادم، سپس پیامبری به
 سوی شما آمد که آنچه را با شماست تصدیق می‌کرد، باید به او
 ایمان آورید و او را یاری کنید. (سپس خداوند) فرمود: آیا به این
 پیمان اقرار دارید و بار سنگین پیمان مرا (بر دوش) می‌گیرید؟ (انبیا
 در جواب) گفتند: (بلی) اقرار داریم، (خداوند) فرمود: خود شاهد
 باشید و من هم با شما از جمله گواهانم. پس کسانی که بعد از این
 (پیمان محکم)، روی برگردانند، آنان همان فاسقانند. پس آیا آنها
 جز دین خدا (دینی) می‌جویند؟ در حالی که هر که در آسمان‌ها و
 زمین است، خواه ناخواه فقط تسلیم اوست و به سوی او
 بازگردانده می‌شوند. بگو: به خدا و آنچه بر ما نازل شده و آنچه بر
 ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط (پیامبران از نسل
 یعقوب) نازل گردیده و آنچه به موسی و عیسی و پیامبران دیگر، از
 طرف پروردگارشان داده شده (به همه‌ی آنها) ایمان آورده‌ایم و
 میان هیچ‌یک از آنها فرقی نمی‌گذاریم و ما تنها تسلیم (فرمان) او

هستیم. و هر کس غیر از اسلام به سراغ دینی دیگر برود، پس هرگز از او قبول نمی‌شود و او در قیامت از زیانکاران خواهد بود. چگونگی خداوند هدایت کند گروهی را که بعد از ایمان و گواهی بر حَقانیت رسول و آمدن معجزات و دلایل روشن بر ایشان، باز هم کافر شدند، و خداوند گروه ستمکاران را هدایت نمی‌کند. آنان (که با آن همه دلایل روشن و سابقه‌ی ایمان، مرتد شدند)، کیفرشان آن است که لعنت خدا و فرشتگان و عموم مردم بر آنان باشد. آنها همواره مورد لعن (خدا و فرشتگان و مردم) هستند، نه عذاب از آنان کاسته شود و نه به آنها مهلت داده شود. مگر کسانی که پس از آن، (از کفر و ارتداد) توبه نمایند و (کردار و افکار خود را) اصلاح نمایند، که همانا خداوند آمرزنده و مهربان است. همانا کسانی که کفر ورزیدند و در حال کفر (بدون توبه) مردند، اگر چه زمین را پر از طلا کرده و به عنوان فدیة و باز خرید (از عذاب) بدهند، هرگز از هیچ یک از آنان پذیرفته نمی‌شود. آنان را عذابی دردناک است و برایشان هیچ یآوری نیست. (سورۃ آل عمران- آیات ۸۱ تا ۹۰)

فصل چہارم

نکتہ

دگماتیسم مذهبی

«به دلیل تضاد آشکار بخش‌هایی از انجیل با عقل و منطق و علم، از قرن ۱۳ میلادی خواندن کتب مقدس بدون اجازه روحانیون ممنوع شد. هر گونه چون و چرائی در انجام تصمیمات روحانیون ممنوع گردید. اصل دگماتیسم مذهبی بر عامه مسیحیان حاکم گشت. چشم‌گشودن و آزادی فکر و اندیشه و تحقیق و... حرام شد و مرتکب آن کافر و ملحد اعلام می‌شود. عقاید رسمی مورد قبول، فقط عقاید بخشنامه‌ای کلیسای مرکزی است. کیش شخصیت پاپ و پرستش او از پدیده‌های کلیسای کاتولیک است. پاپ دارای مقام مافوق بشری است. آموزش گناهان و فروش نقدی و قسطی بهشت، رسالت بزرگ کلیسای کاتولیک است.» (مبلغی آبادانی، عبدالله،

تاریخ ادیان و مذاهب جهان جلد دوم)

امروزه کماکان دگماتیسم مبنای ایمان مذهبی کاتولیک‌ها است. این در حالی است که قرآن به کرات به تعقل و تدبر دعوت می‌نماید. مطابق با حدیث نبوی "یک ساعت تفکر بالاتر است از هفتاد سال عبادت".

درباره تثلیث در قرآن

لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ وَقَالَ الْمَسِيحُ يَبْنِي إِسْرَءِيلَ عِبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ إِنَّهُ مَن يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ ثَالِثُ ثَلَاثَةٍ وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا إِلَهٌ وَاحِدٌ وَإِن لَّمْ يَنْتَهُوا عَمَّا يَقُولُونَ لَيَمَسَّنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ أَفَلَا يَتُوبُونَ إِلَى اللَّهِ وَيَسْتَغْفِرُونَهُ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ مَا الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ وَأُمُّهُ صِدِّيقَةٌ كَانَا يَاكُلَانِ الطَّعَامَ انظُرْ كَيْفَ نُبَيِّنُ لَهُمُ الْآيَاتِ ثُمَّ انظُرْ أَنَّى يُؤْفَكُونَ

همانا کسانی که گفتند: خداوند، همان مسیح پسر مریم است، قطعاً کافر شدند. (چگونه چنین می‌گویند) در حالی که مسیح خود می‌گفت: ای بنی اسرائیل! خدا را بپرستید که پروردگار من و شماست، یقیناً هرکس به خداوند شرک ورزد، خداوند بهشت را بر او حرام کرده و جایگاهش دوزخ است و ستمگران را هیچ یآوری نیست. همانا آنان که گفتند: خداوند، یکی از سه تاست، کافر شدند. جز خدای یکتا خدایی نیست. و اگر از آنچه می‌گویند دست برندارند، به کافران از اهل کتاب آنها قطعاً عذابی دردناک خواهد رسید. آیا توبه نمی‌کنند و از او آمرزش نمی‌طلبند؟ در حالی که خداوند، آمرزنده‌ی مهربان است. مسیح پسر مریم، فرستاده‌ای بیش نیست که پیش از او نیز پیامبرانی بودند و مادرش بسیار راستگو و درست کردار بود، آن دو (همچون سایر انسان‌ها) غذا می‌خوردند. (پس هیچ کدام خدا نیستند)، بنگر که چگونه آیات را برای مردم بیان می‌کنیم، پس بنگر که این مردم چگونه (از حق) روی‌گردان

می‌شوند. (قرآن کریم- آیات ۷۵-۷۲ از سوره نساء)



دربارهٔ تثلیث در عهد عتیق:

پس خویشان را بسیار متوجه باشید، زیرا در روزی که خداوند با شما در حوریب از میان آتش تکلم می‌نمود، هیچ صورتی ندیدید. مبادا فاسد شوید و برای خود صورت تراشیده یا تمثال هر شکلی از شبیه ذکور یا اناث بسازید. یا شبیه هر بهیمه‌ای که بر روی زمین است، یا شبیه هر مرغ بالدار که در آسمان می‌پرد. یا شبیه هر خزنده‌ای بر زمین یا شبیه هر ماهی که در آبهای زیر زمین است. (... این بر تو ظاهر شد تا بدانی که یهوه خداست و غیر از او دیگری نیست. از آسمان آواز خود را به تو شنواید تا تو را تأدیب نماید، و بر زمین آتش عظیم خود را به تو نشان داد و کلام او را از میان آتش شنیدی. (انجیل، عهد عتیق - سفر تثلیث - فصل ۴ - آیات ۱۸-۱۵ و ۳۶-۳۵)



نقاشی‌ها و مجسمه‌هایی از سه خدا کلیساها را تزئینی می‌نمایند. تصاویر مذکور مربوط به تثلیث (سه خدایی) است.

این نقاشی ها مسیح^(ع) خدای پسر را به صورت مرد صلیب به دست ، خدای پدر را به صورت پیرمردی فرتوت و روح القدس را به صورت کبوتر مجسم می سازند که هر سه خدا هستند (سه خدا در یکی).

به این ترتیب، با اصلی مواجه می شویم که در نوشته های مسیحیت به چشم می خورد و بر این موضع اسلام صحه می گذارد. و نبود منطق در اعتقاد به سه خدا را به اثبات می رساند.

با تعمقی در مفهوم تثلیث، روابط خویشاوندی مریم^(س) و والدینش، با عیسی، بعنوان "خدا- پسر" و "خدا- پدر"، رخ می نمایند. نتیجه انجام یک استنتاج منطقی، آن خواهد بود، که مریم که مسیحیان او را مادر خود می نامد ، مادر "خدای پسر" است که همزمان، نوۀ پدر و مادر مریم^(س) می باشد. پدر و مادر مریم مقدس^(س) بنوبۀ خود، "خدای پسر نوه شان است و خدای پدر را به چشم داماد خود می نگرند. اما می بایست این نکته را نیز در نظر گرفت که ایشان (مریم^(س) و پدر و مادرش)، بعنوان اولاد آدم و حوا، به شکل عادی، در کرۀ خاکی به دنیا آمدند. آدم و حوا، توسط خداوند خلق شدند. بدین ترتیب، چگونه می توانند، والدین مادر خدا و پدر بزرگ و مادر بزرگ خدای پسر یا پدرزن و مادرزن خدای پدر باشند؟

با توجه به اینکه مسیحیان معتقدند که حضرت مریم^(س) با یوسف نجار ازدواج کرده و فرزندان زیادی از وی بدنیا آورد، در نتیجه می توان گفت که پدر و مادر حضرت مریم^(س) برای تنها دخترشان دو داماد دارند، یکی یوسف نجار و دیگری خدای پدر! تناقضات بسیاری در رابطه با این مفاهیم وجود دارد و قبول چنین ادعاهایی بسیار غیر منطقی می نماید. طبیعتاً، مسلمانان را بر آن باوری نیست.

سه گانگی خدا

مسیحیان می گویند خدا سه تا است . سه تا در یکی . مثل فردی که هم مرد است هم پدر است و هم فرزند. یکی است امام سه تا است. خدای پدر، پسر و روح القدس است. در اینجا این سوال مطرح می شود که از چه زمانی خدا سه تا است. خدا سه تا بوده یا با تولد حضرت مسیح (ع) سه تا شده است.

اگر با تولد وی خدا سه تا شده است پس قبلش دو تا بوده، یعنی خدای پدر و روح القدس. آن دو قبل از خلقت آدم وجود داشته اند. پس خدا در زمان پیامبران قبل از مسیح (ع) دو تا بوده است. اگر هم خدا همیشه سه تا بوده در تمام طول حیات انسان از آدم تا ابد خدا سه تا است.

در هر صورت چه خدا دو تا باشد چه سه تا، پس چرا تمام پیامبران قبل از مسیح (ع) خدا را یکی دانسته و معرفی کرده اند. مگر نه آنکه اگر پیامبران خدا را یکی معرفی کرده اند به خاطر این بوده که خدا خود را یکی معرفی کرده است. آیا خدا نمی دانسته که خودش دو تا یا سه تا است؟! آیا خبر داشته ولی به ملاحظاتی خود را یکی معرفی کرده است؟ آیا رقابتی بین دو خدا یا سه خدا بوده که روح القدس که با پیامبران صحبت می کرده دیگر خدایان را یا اضلاع دیگر خدا را نفی کرده است و فقط از وجود یک خدا صحبت کرده است.

در انجیل عهد عتیق نیز از خدای واحد سخن به میان آمده است.

به تصویر کشیدن خدا

در مسیحیت خدا را به تصویر می‌کشند. خدای پدر را به صورت پیرمردی سفید مو و فرتوت، خدای پسر را در تصویر حضرت مسیح^(ع) و خدای روح القدس را به صورت کبوتر. ابتدا در به تصویر کشیدن سه خدایی از سه تصویر مشابه استفاده می‌کردند. سپس با اجازه واتیکان به صورت پیرمرد و جوان و کبوتر آن را به تصویر کشیدند.

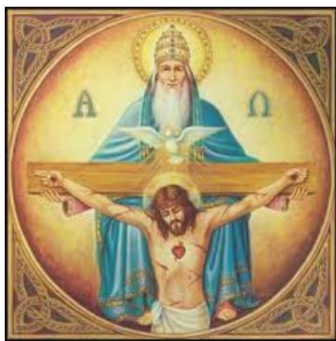


اگر خدا سه تا است و به تصویر کشیدن خدا هم منعی ندارد
چرا در انجیل عهد عتیق آمده است:

"پس خویشان را بسیار متوجه باشید، زیرا در روزی
که خداوند با شما در حوریب از میان آتش تکلم می
نمود، هیچ صورتی ندیدید. مبادا فاسد شوید و برای خود
صورت تراشیده، یا تمثال هر شکلی از شبیه ذکور یا
اناث بسازید، یا شبیه هر بهیمه‌ای که بر روی زمین است،
یا شبیه هر مرغ بالدار که در آسمان می پرد، یا شبیه هر
خزنده‌ای بر زمین یا شبیه هر ماهی که در آبهای زیر
زمین است (...). این بر تو ظاهر شد تا بدانی که یهوه
خداست و غیر از او دیگری نیست. لهذا امروز بدان و در
دل خود نگاه دار که یهوه خداست، بالا در آسمان و
پایین بر روی زمین و دیگری نیست.

(عهد عتیق - سفر تثنیه - فصل ۴ - آیه های ۱۸-۱۵، ۳۵ و ۳۹)

مطابق آیات فوق خدا یکی است و در اینجا است که کلیسا
باید پاسخگوی سه‌خدایی باشد. اصولاً در توجیه همین مورد
گفته اند که "خدا سه تا است در یکی". که این تضاد را حل کنند.



مطابق با آیات فوق همچنین به تصویر کشیدن خدا منع شده
است. چطور می‌شود موسی^(ع) پیامبر خدا، به تصویر کشیدن خدا
را فساد بداند و پاپ آن را مجاز بشمارد؟

ترس مسیح^(ع) از به صلیب کشیده شدن!

مسیحیان که مسیح^(ع) را فرزند خدا می‌دانند و معتقدند که او به زمین آمد تا با به صلیب کشیده شدن، قربانی شود و بدینوسیله جور گناهان بشریت را بدوش کشیده و بشریت را از عذاب الهی رهایی بخشد. با این اوصاف در انجیل آمده است که وی قبل از به صلیب کشیده شدن به یهودا گفت تو به من خیانت خواهی کرد. به پتروس یکی دیگر از حواریون گفت تو سه بار مرا انکار خواهی کرد و بار سوم خروس شروع می‌کند به خواندن. تاکید کرد که بعد از سه روز از گشته شدن بر صلیب، زنده خواهد شد و به آسمان عروج پیدا خواهد کرد. اضافه شده است که وی وقتی به صلیب کشیده شد گفت "خدایا چرا مرا ترک کردی؟!"

سوال اینجا است که وی که می‌دانست که بعد از سه روز از مرگش زنده خواهد شد و عروج پیدا خواهد کرد پس می‌دانسته که از سوی خدا ترک نخواهد شد. با علم به این مطلب پس چرا گفت که "خدای پدر چرا مرا ترک کردی؟!" مسیحیان که جوابی برای این موضوع ندارند اینگونه توجیه می‌کنند که چون وی به صورت انسان نازل شده است ضعف‌های انسان‌ها را نیز دارا بوده است و بیان این جمله بر صلیب نتیجه چنین ضعف طبیعی است. این در حالی است که ماموریت وی به قول آنها نجات بشریت از عذاب الهی و ماموریتی الهی بوده است.

معرفی مسیح^(ع) به این صورت ظلمی بزرگ در حق وی است و این در حالی است که طبق اسلام پیامبران از مرگ هراسی ندارند زیرا می‌دانند که پس از مرگ یا شهادت برای ابد به نزد خدا می‌روند و در بهشت مستقر می‌گردند و این در حالی است که این پیامبران انسانند و نه خدا و یا بخشی از خدا.



در فیلیپین مراسمی مذهبی توسط مسیحیان مومن برگزار می‌شود و تعدادی از آنها در این مراسم زجرهای تحمیل شده بر مسیح^(ع) بر صلیب را به جان می‌خرند تا بر اثر آن بر ایمان مسیحیان بیافزایند. این تصاویر بخش‌هایی از این مراسم است.

حال سوال این است که چطور ممکن است که مسیحیان فیلیپین این زجرها را تحمل می‌کنند و از خدا گلایه نمی‌کنند و تحمل این سختی‌ها را نشانه قرب به خداوند می‌دانند لیکن حضرت مسیح^(ع) که به صلیب کشیده شدنش با هدف بخشش گناهان بشریت بوده، از به صلیب کشیده شدن گلایه می‌کند و از مرگ و زجر هراس دارد و با علم به عروج خویش، ادعای ترک‌شدن



توسط خدا (خدای پدر) را مطرح می‌سازد؟! مگر نه اینکه خدا عالم به همه چیز است! پس چگونه ممکن است که بخشی از خدای سه گانه (ثلیث) یعنی مسیح (ع) که وی را خدای پسر می‌دانند در لحظاتی فکر کند که خدای پدر او را ترک کرده است؟ اگر اینگونه باشد پس خدا به همه چیز که عالم نیست هیچ، بلکه بخشی از خدا از بخش دیگر خدا بی‌خبر و خدایی فراموشکار است که در لحظات سختی فراموش می‌کند که قرار است زنده شده و عروج پیدا کند.



البته اسلام، اصل به صلیب کشیده شدن را نفی کرده لیکن بر عروج
مسیح (ع) صحه می گذارد.



این عکس ها مربوط است به مراسم در کشور فیلیپین





منابع درآمدی و اتیکان

عدم ازدواج کشیشان



در قرون اولیه میلادی کشیشان ازدواج می‌کردند و همسر و فرزند داشتند، لیکن این مسئله در کلیسا مطرح شد که بخشی از وجوه دریافتی از مردم توسط کشیشان صرف خانواده‌هایشان می‌شود. این امر موجب شد که در سال ۵۳۲ میلادی هانری چهارم ازدواج کشیشان را ممنوع اعلام کرد. (مبلغی آبادانی، عبدالله، تاریخ ادیان و مذاهب جهان جلد دوم)

کلیسا با این مصوبه در صدد توجیه معنوی آن برآمدند و ازدواج را یک بد ضروری جهت بقای نسل بشر نامیدند. لذا کشیشان و راهبه‌ها برای نزدیک‌تر بودن به خدا باید از این بد پرهیز کنند و خود را وقف کامل کلیسا نموده و وجوه دریافتی صرفاً صرف کلیسا گردد.

حال این سوال مطرح می‌شود که اگر ازدواج بد بوده چرا اکثر پیامبران الهی ازدواج کردند؟ آیا ازدواج آنها مانع قرب به خدا بوده است؟! و آیا کشیشان به دلیل مجرد ماندن مقامی مافوق پیامبرانی که ازدواج کرده‌اند دارند؟!

ممنوعیت ازدواج راه را بر ارضاء قرائض طبیعی آنها بست و موجبات انحرافات گسترده و عدیده‌ای نزد آنان فراهم آورد به نحوی که اینک طبل رسوایی آن عالمگیر شده است. برخی فرق مسیحیت منعی برای ازدواج کشیشان و راهبه‌ها ندارند و لذا فساد موجود در کلیسای کاتولیک نزد آنان بروز نموده است.

همجنس‌گرایی در بین کشیشان

از مسایل دیگر کلیسا آنگونه که در کشورهای غربی منتشر شده، رواج همجنس‌گرایی در میان کشیشان و راهبه‌های کلیسا است. مثلاً چند سال قبل یک کشیش همجنس‌گرا به مقامی ارشد در کلیسایی در آمریکا منصوب گردید.

البته هنوز کلیساهای اسقفی در انگلستان و آمریکا با اجرای مراسم مذهبی ازدواج دو همجنس در کلیسا مخالف هستند ولی با پذیرش علنی روحانیون همجنس‌گرا در فرقه خود مسأله‌ای ندارند.

طرفداران به رسمیت شناختن همجنس‌گرایی از طرف کلیسا می‌گویند اگر کلیسای اسقفی همجنس‌گرایی را برای مردم گناه نمی‌داند حرام دانستن آن برای خادمان کلیسا قابل دفاع نیست!

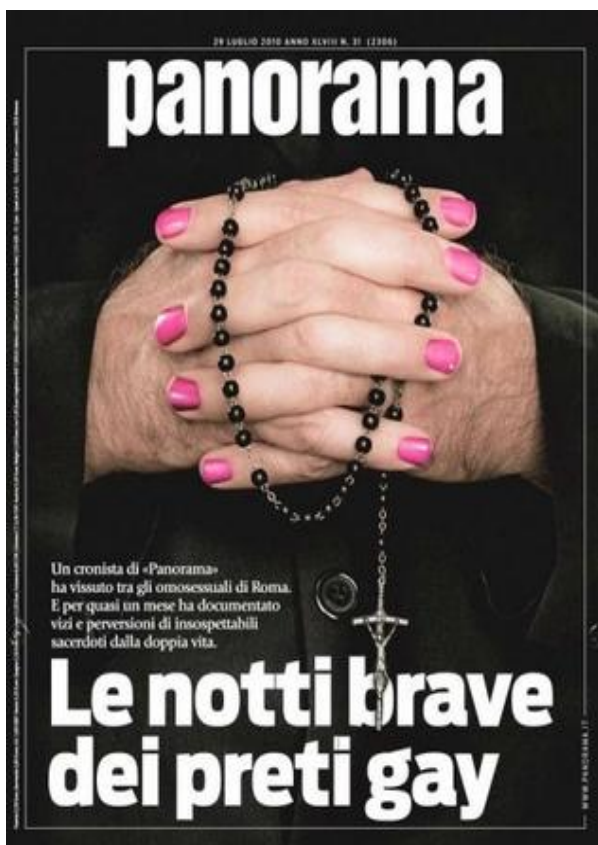
افشای سوء استفاده جنسی تعدادی از مقامات کلیسای کاتولیک از کودکان و نوجوانان در کشورهای مختلف واتیکان را با بحران جدی مواجه کرده است.

این موضوع در کلیساهای بلژیک و کانادا و آمریکا به قدری گسترده بوده که خانواده‌های زیادی را به واکنش بر علیه کلیسا



وادر کرده و در فوریه سال ۲۰۱۰ میلادی کشیشی آمریکایی که خود در دوران کودکی مکرر مورد تجاوز کشیشان آمریکایی واقع شده اعتراف کرده سالهاست صندلی اعتراف در کلیسا را تبدیل به محل آزار و اذیت نوجوانان نموده است.

آمار و ارقام و گزارشات اعمال پلید و شیطانی از کلیساها آنقدر زیاد شده که برخی خانواده‌های مسیحی به هیچ عنوان اجازه نمی دهند بچه‌هایشان تنها وارد کلیسا شوند.



همجنس‌گرایی کشیشان تیتیر مجله ایتالیایی



رسوایی اخلاقی کشیش ملازم پاپ

بنا به **اعترافات چیندو** او فقط در فاصله زمانی ۵ ماه در سال ۲۰۰۸ ، ۱۰ نفر را برای کشیش بالوجی " تور " کرده است که در بین آنها دو جوان کوبایی سیاه پوست ، یک مانکن جوان اهل ناپل و یک بازیکن " راگبی " اهل رم دیده می شوند.

اسناد همجنس گرایی کشیش " آنجلو بالدوجی " یکی از ملازمان پاپ که مسئولیت "رتق و فتق" امور شخصی پاپ را بر عهده داشته است افشا شد.

صدای مکالمه ضبط شده این کشیش با مرد ۲۹ ساله‌ای به نام "توماس چیندو ایهم" - که در گروه کر کلیسای واتیکان کار می کرد این فساد را ثابت می کند.

به گزارش روزنامه " گاردین " در این مکالمه تلفنی ، کشیش بالدوجی در حال تشریح مشخصات فیزیکی پسر دلخواهش به چیندو بوده است.

چیندو در اعترافات خود گفته است که سال ها با این کشیش ارتباط داشته و برای او "شکار جنسی" فراهم می کرده است.

در یکی از مکالمات ضبط شده چیندو به بالوجی زنگ می زند و به او می گوید : هنگامی که زنگ زدی در گروه کر کلیسای واتیکان مشغول کار بودم." وی سپس می افزاید که مردی ۳۳ ساله را متناسب با سلیقه او برای او در نظر گرفته که حدود ۲ متر قد و ۹۷ کیلو وزن دارد".



چیندو در مصاحبه‌ای با مجله پانورامای ایتالیا ضمن شرح روابط خود با کشیش بالوجی که سابقه ای ۱۰ ساله دارد گفت که بالوجی از او می‌خواسته که برای او مردان و پسران جوان مورد پسندش را "جور" کند و این کار در نهایت محرمانه بودن انجام شود چرا که بنا به گفته چیندو، کشیش بالوجی به او گفته بود که او ازدواج کرده و باید اسرار مرتبط با گرایش‌های همجنس‌گرایانه او مخفیانه بماند!

بنا به اعترافات چیندو او فقط در فاصله زمانی ۵ ماه در سال ۲۰۰۸ ، ۱۰ نفر را برای کشیش بالوجی "تور" کرده است که در بین آنها دو جوان کوبایی سیاه‌پوست ، یک مانکن جوان اهل ناپل و یک بازیکن "راگبی" اهل رم دیده می‌شوند .

در مهر ماه سال ۱۳۸۶ ، یکی از اسقف‌های ارشد واتیکان صراحتاً به همجنس‌گرایی خود اعتراف کرد. این کشیش رییس دفتر یکی از وزارتخانه‌های واتیکان بود که بر امور معنوی حدود ۴۰۰ هزار کشیش کاتولیک در نقاط مختلف جهان نظارت داشت.

"توماسو استنیکو" اسقف اعظم ۶۰ ساله که در رسانه‌ها و به‌خصوص برنامه‌های مذهبی چهره شناخته شده‌ای بود در پاییز سال ۲۰۰۷ در برنامه شبکه هفت ایتالیا به طور ناشناس شرکت و به همجنس‌گرا بودن خود اعتراف کرد.

بخشش گناهان

نیاز کلیسا به درآمد بیشتر موجب شد تا راهکار جدیدی را برای کسب درآمد برگزینند و آن بخشش گناهان بود. بدین لحاظ مردم را وادار به اعتراف به گناهان نزد کشیشان کردند و وجوهی را از آنان برای بخشش گناهان دریافت می نمودند. بدینوسیله کلیسا خود را شریک در قدرت خدا در بخشش گناهان معرفی کرد. امری که تا کنون نیز ادامه دارد. البته این روش برای کسب آگاهی از اوضاع جامعه و تداوم سلطه بر آنان مفید ارزیابی می شد.

گناه ذاتی و غسل تعمید

این درآمدها کفایت نمی کرد. اولاً همه گناه نمی کردند و ثانیاً هر گناهکاری به گناهانش اعتراف نمی نمود و وجهی نمی پرداخت. لذا راههای دیگری نیز برای کسب درآمد طراحی گردید. از جمله آنکه اعلام کردند که اصولاً همه ابناء بشر گناهکار به دنیا می آیند و بدون حذف این گناه نمی توانند وارد بهشت شوند. بنابراین، عبارت طفل معصوم در مسیحیت معنی ندارد، زیرا همگی، حتی کودکان و بلکه نوزادان در رحم مادرشان نیز گناهکارند و بار گناه آدم و حوا را بر دوش می کشند. تنها راه برای حذف گناه نیز غسل تعمید است که باید توسط کشیشان انجام شود. این رسم درآمدهای زیادی را نصیب کلیسا نمود که کماکان نیز ادامه دارد.

فروش برزخ

در گذشته رسم بوده که کلیسا برزخ فروشی می کرد. ده درصد اموال متوفی را از وارثینش می گرفت و در قبال آن مکان مطلوبی را



در برزخ برای متوفی ضمانت می نمود. ثروت کلانی از این طریق نصیب کلیسا گردید.

فروش جهنم

گفته می شود که یکی از منتقدین فریب کاری های کلیسا در مورد بخشش گناهان و نیز فروش برزخ، با علم به کاسب کاری کلیسا، پیشنهاد خرید جهنم را می دهد. لذا کلیسا در قبال دریافت وجه کلانی همه جهنم را به او می فروشد.

این فرد سپس اعلام می دارد که من جهنم را خریده ام و هیچکس را به آن راه نخواهم داد و لذا نیازی به اعتراف به گناهان و خرید برزخ نیست. این امر کلیسا را در آن زمان به دردسر انداخت.

خرید و فروش مناصب کلیسایی

طمع پول به آنجا انجامید که حتی مناسب کلیسایی را نیز به فروش می رساندند. مثلاً مادر «گیردونوژان» مبالغی به مقامات روحانی پول داد تا او را در یازده سالگی به جرگه ی کشیشان عالی مقام یک کلیسا وارد کنند. در سال ۱۰۱۶ میلادی «ناربون» کودک ده ساله ای در برابر پرداخت صد هزار سولیدوس به مقام اسقف اعظم منصوب شد.

واسطه ازدواج

در حالی که برای ازدواج در اسلام، در صورت فراهم بودن شرایط، کافی است خطبه عقد توسط زوجین خوانده شود و نیازی به واسطه نیست. در مسیحیت ازدواج فقط طی مراسمی در کلیسا و

نزد کشیش ممکن می‌باشد که برای انجام آن نیز مبالغ قابل توجهی از زوجین دریافت می‌گردد.

واسطه انسان با خدا

روحانیت مسیحی خود را واسطه انسان با خدا و خود را شریک قدرت خدا می‌داند و یکی از مظاهر آن بخشش گناهان توسط کشیشان و فروش برزخ و بهشت است.

ورود به مسیحیت

در حالی که ورود به اسلام جنبه اعتقادی دارد و فرد معتقد برای ورود به اسلام صرفاً شهادتین را بر زبان می‌آورد در مسیحیت ورود به مسیحیت موکول به اجازه کلیسا و طی مراسمی با انجام غسل تعمید ممکن می‌باشد.

اطاعت پاپ گناهکار نیز واجب است

فساد پاپ‌ها آنچنان گسترش یافت که حملات علیه این مفاسد افزایش یافت. در سال ۱۳۲۴ میلادی «آگوستینو تریونفو»، تحت حمایت پاپ «یوآنس بیست و دوم»، در جواب حملات «ویلیام آکمی» و «مارسیلیوس پادوایی» به حکومت پاپ‌ها، [رساله‌ای نوشت](#) و گفت که قدرت پاپ از جانب خداوند است و اطاعت پاپ، حتی اگر غرق در گناه باشد، واجب است. ... مقام پاپ برتر از مقام فرشتگان و در خور همان ستایش و تقدیسی است که به مریم عذرا و دیگر قدیسان گذارده می‌شود.» (تاریخ تمدن ویل دورانت، اصلاح دینی، صص



زندگی پر از فساد پاپ الکساندر بورجا



پاپ الکساندز لورجا ALEJANDRO BORGIA در سال ۱۴۹۲ با حمایت سلطنت‌های خارجی و با پرداخت رشوه‌های فراوان به مقام پاپی یعنی نمایندگی خدا در زمین دست یافت. وی معشوقه‌ها و فرزندان زیادی داشت. یکی از معشوقه‌های وی دخترش بود که از او دختری به دنیا آورد. به عبارتی دخترش در عین حال نوه اش هم بوده است.



پایی که زن از آب در آمد

پاپ دیگری به نام **Juan Anglicus** نیز وجود داشته که بعدا معلوم شد وی زن است. تصویر زیر وضع حمل پاپ را به تصویر کشیده است.



لاپوشانی تجاوز به کودکان توسط پاپ فعلی

اروپا - پاپ بندیکت شانزدهم [پاپ فعلی] در دهه هشتاد نیز آزارهای جنسی کشیشان را لاپوشانی می‌کرد.



نامه‌هایی که در دهه هشتاد بین واتیکان و اسقف شهر اوکلند ایالت کالیفرنیا، آمریکا، رد و بدل شده است، نشان می‌دهند آن سالها پاپ فعلی (بندیکت شانزدهم) ضمن تعلل در روند خلع لباس یک کشیش کالیفرنیا که متهم به آزار جنسی کودکان بود، درباره آن سکوت کرده است.

جف آندرسون وکیل تعدادی از قربانیان آزار جنسی کودکان بدست کشیشان کلیسای کاتولیک، مجموعه‌ای از نامه‌هایی را منتشر کرد که در آنها، آزارهای جنسی شش نوجوان یازده تا سیزده ساله به دست پدر استفان کیسل Stephen Kiesle در سال هزار و نهصد و هفتاد و هشت تشریح شده است. بر اساس این اسناد، جان کامینس John Cummins اسقف اوکلند در سال هزار و نهصد و هشتاد و یک خواستار خلع لباس پدر کیسل به علت این فساد

اخلاقی می‌شود. واتیکان در پاسخ این اسقف، اطلاعات تکمیلی در باره این ماجرا می‌خواهد.

جان کامینس در فوریه سال هزار و نهصد و هشتاد و دو این اطلاعات تکمیلی را برای کاردینال ژوزف راتزینگر رئیس وقت یک انجمن مذهبی واتیکان یعنی پاپ فعلی بندیکت شانزدهم ارسال می‌کند.

اما درخواست‌های مکرر این اسقف اوکلند تا سه سال بی‌پاسخ می‌ماند تا آنکه در سال هزار و نهصد و هشتاد و پنج کاردینال ژوزف راتزینگر در نامه‌ای که به زبان لاتین نگاشته بود، بر اهمیت این ماجرا اعتراف می‌کند، اما از هر گونه اقدام فوری در این خصوص خودداری می‌کند.

آندرسون معتقد است این اسناد بیانگر شیوه بی‌چون‌وچرای کاردینال راتزینگر و واتیکان برای خاموش کردن صداها در خصوص آزار جنسی کودکان بدست کشیشان کلیسای کاتولیک و تکذیب مداوم این فساد اخلاقی در سطح کلیسا است. به گزارش خبرگزاری فرانسه از لس‌آنجلس، این در حالیست که کلیسای کاتولیک اخیراً در پی افشای یک رشته رسوایی‌های اخلاقی به شدت گرفتار شده است. از سوی دیگر پاپ بندیکت شانزدهم هم متهم به مخفی کردن و سکوت در برابر این ماجراهای فساد اخلاقی در زمان ریاست خود بر انجمنی مذهبی در واتیکان شده است. سکوتی که منجر به تداوم این تجاوزات به کودکان شده است.



سرمایه گذاری واتیکان در کارخانجات اسلحه سازی



واتیکان برای کسب درآمد بیشتر، بخش قابل توجهی از کمک‌های مردمی دریافتی را در کارخانجات اسلحه سازی مثل لاکهید آمریکا سرمایه گذاری کرده است و از این طریق در تجاوزات رژیم آمریکا در جهان شراکت می‌کند. واتیکان همواره از استعمار و امپریالسم و جنگ‌ها و جنایات آن حمایت کرده است.

کفر بودن مسکونی دانستن آن سوی زمین!!

کشیشیان مسیحی معتقد بودند که هر کس به آباد بودن آن سوی زمین معتقد باشد امکان ندارد بتواند از آتش دوزخ فرار کند و برخی از پاپ‌های کلیسا بر این اعتقاد بودند که رهایی از آتش نه غیر ممکن، بلکه بسیار دشوار است.

اعتقاد به اینکه در طرف دیگر زمین، نیز مردمانی زندگی می‌کنند، به کشمکش‌های سختی منجر شده است که البته با انواع آزارها و شکنجه‌ها همراه بوده است.

به نظر کشیشان قبول وجود حیات در آن سوی زمین به معنای اعتقاد به وجود جایی است که در آن، انسان ها وارونه راه می روند، درختان وارونه می رویند و باران و برف از پایین به بالا می رود!!

آنها می گفتند که اعتقاد به وجود حیات در آن سوی زمین نمی تواند معنایی جز این داشته باشد که عیسی مسیح برای آمرزش گناهان مردمان آن طرف زمین، به آنجا نیز رفته و در آنجا به صلیب کشیده شده است.

از این گذشته «آگوستین» مقدس صراحتاً گفته بود که در عهد قدیم (تورات) چیزی حاکی از وجود نژادی از نوع بشر که در آن طرف زمین زندگی می کند، دیده نمی شود. از این گذشته خداوند چگونه راضی می شد که عده ای از انسان ها در جاهایی زندگی کنند که هنگام آمدن مسیح از آسمان به زمین، موفق به دیدار او نشوند؟! در صورت وجود یک چنین سرزمین هایی، خبر ظهور مسیح و نزول انجیل نمی توانست به آنها رسیده باشد در حالی که «مزمور نوزدهم» از «مزامیر داوود» می گوید: «گفتار او به هر سرزمینی رسید و سخنان او تا جایی که آبادی بود منتشر شد.»

اینکه فرستادگان پولس پیامبر، که نقش مبلغین مسیحی را داشته اند، به برخی از سرزمین های مسکونی نرسیده اند، دروغ بستن به پولس پیامبر و روح القدس است.

کلیسا و مردم مسیحی، این اظهارات «آگوستین» را به عنوان تعالیم مقدس مسیحیت پذیرفتند و حدود ده قرن کسی جرأت تشکیک در درستی آنها نداشت. حتی مفسرین نظیر «ایسیدوروس اشبیلی» که در قرن شانزدهم می زیست و معتقد به کروی بودن زمین شده بود، جرأت اقرار به مسکونی بودن تمام طرف های زمین را نداشت. اما نمی توان انکار کرد که همه ی اندیشمندان و علما، با کلیسا هم عقیده نبودند.



«آلبرت» بزرگ، از جمله کسانی است که معتقد به آبادانی همه قسمت‌های زمین بوده است البته او نظریات خود را از آثار مسلمانان آموخته بود.

به هر حال، کلیسا همچون همیشه به تعقیب و آزار مخالفان خود برخاسته و در این راه باز هم به محکمه‌های تفتیش عقاید و آتش و شمشیر متوسل می‌شد، تا آنها را از اعتقاد خود باز گرداند. مثلاً در سال ۱۳۱۶ میلادی، ارباب کلیسا تصمیم به اعدام «پتر آلبانویی» گرفتند. کلیسا همچنان به آزار مخالفان ادامه داد و درهای روزی را بر روی آنها بست.

به عنوان مثال در سال ۱۳۲۷ میلادی، «سکودواسکالی» ستاره شناس معروف، به اتهام سحر و جادو، از مقام استادی خود در دانشگاه عزل شده و در فلورانس به آتش سپرده شد.



هر دوی این متفکرین به وجود حیات در آن سوی زمین معتقد بودند. نقاش چیره دستی به نام «اورینگن» صحنه‌ی سوختن این

ستاره شناس را در تابلوی نقاشی خود که در شهر پیزا بر دیوار کمپ سانتس نصب شده، به تصویر در آورده است.

کلیسا بر اساس همین عقیده‌ی خود مبنی بر آباد نبودن آن سوی زمین، مشکلات بسیاری برای «کریستف کلمب» ایجاد کرد تا بدین وسیله از سفر اکتشافی او جلوگیری کند، سفری که به کشف قاره‌ی آمریکا منجر شد.

کلمب پس از این که از پشتیبانی مجلس «ژنو» ناامید شد، از پادشاه پرتغال «ژال دوم» درخواست کمک کرد.

پادشاه پرتغال نیز کار او را به مجمعی از علما ارجاع نمود که پس از بررسی‌های لازم آنها نیز درخواست کلمب را برای حمایت از سفر اکتشافی‌اش رد کرد.

معروف است یکی از آنها به نام اسقف «سنتا» او را به شدت مسخره کرد. (کتاب اسناد تاریخی تقدیم به عالیجناب پاپ/گرد آورندگان نرگس یزدی،

معصومه امیرلو، صفحه ۷۶، انتشارات بهمن آرا)



نقاشی مربوط به محاکمه گالیله به دلیل کروی دانستن زمین



حاکمیت کلیسا و باورهای مسیحیت تحریف شده عامل مهمی در عدم پیشرفت علمی و صنعتی جهان مسیحیت بود و نهضت‌های آزادیبخش که گاه با جنگ‌ها و انقلاب‌های خونینی همراه بود، کلیسا را از حکومت ساقط کرد و از آن پس پیشرفت علمی و صنعتی غرب آغاز شد. در حالی که اسلام همواره مشوق علم‌آموزی بوده، کلیسا به دلیل ورود خرافات به آن مانع پیشرفت علمی محسوب می‌شده است.

قرآن و علوم مدرن



طبق اسلام، دین و علم همواره مانند برادران دو قلو، دست در دست یکدیگر داشته‌اند. اسلام، از ابتدا مردمان را به ترویج علم و آگاهی هدایت نمود؛ اعمال چنین رویکردی، پیشرفت‌های شگرفی را، در همه زمینه‌های علمی، از جمله، ریاضیات، فیزیک، ستاره-

شناسی، زمین‌شناسی، دریانوردی، معماری، پزشکی و داروسازی، فلسفه، الهیات، روان‌شناسی، روان‌درمانی، نقشه‌برداری، کشاورزی، دامداری، نساجی، شیشه‌سازی، سرامیک، فلزکاری، شعر و شاعری، در میان دیگر موارد، به ارمغان آورد. پیشرفت‌های بدست آمده در علوم اسلامی، در بسیاری از عرصه‌ها، از تفکر غرب، فراتر رفت. همان پیشرفت‌هایی که اروپا و دنیای غرب، بدون بهره‌گیری از آنها هرگز نمی‌توانست به دوران رنسانس یا دوران روشنفکری پا بگذارد.

دکتر موریس بوکای، دانشمند مشهور فرانسوی در کتاب خود تحت عنوان: "انجیل، قرآن و علم"، در این باره می‌نویسد:

قرآن، در مورد بسیاری از موضوعات مهم علمی سخن به میان می‌آورد. اسلام، همواره تأکید کرده است که اطلاعات موجود در قرآن، با واقعیات علمی همخوانی دارند و در بررسی امروزی کتاب اسلامی، تناقضی در این مورد یافت نشده است. از میان انبوه نکات علمی ذکر شده در قرآن، هیچیک مغایرتی با دیدگاه علمی ندارد.

نخستین بار که به بررسی قرآن پرداختم، آنرا با روحیه‌ای کاملاً واقع‌گرایانه، و بدون از پیش فرضیات به انجام رساندم. به دنبال یافتن میزان تطابق میان متن قرآنی و داده‌های علم مدرن بودم.

بواسطه ترجمه‌ها می‌دانستم که قرآن، به انحاء مختلف، به پدیده‌های طبیعی اشاره می‌کند، اما، فقط، شناختی مختصر از آن داشتم. تنها، هنگامی که به بررسی عمیق متن اصلی آن، به عربی پرداختم، موفق به مطالعه واقعی آن گشتم. آنچه که مرا وادار نمود تا شواهدی را که در پیش رو داشتم، مورد قبول قرار دهم: که در میان ملاحظات قرآنی، حتی یک مورد نیز یافت نمی‌شود که با حقایق علم مدرن مغایرت داشته باشد. وی در ادامه می‌نویسد که انجیل و تورات پر است از مطالبی که در تضاد با علم هستند.

آیتی برای بشریت: سرنوشت فرعون



بر اساس روایت عهد عتیق، فرعون به‌مراه تمامی لشکر خود در دریا به هلاکت رسیدند. (سفر خروج- آیات ۱۵ و ۱۴)

در عهد جدید آمده است، که لشکر فرعون به هلاکت رسید، بدون آنکه اشاره خاصی به حضور یا عدم وجود فرعون در میان سربازان به هلاکت رسیده اش بنماید.

بر اساس روایت قرآن، فرعون و تمامی لشکریانش به هلاکت رسیدند، اما خداوند، پیکر بی جان فرعون را بسوی حاشیه دریا رانده و نجات داد و آن را حفظ کرد تا به عنوان آیتی برای عبرت آیندگان بکار آید.

وَجَوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَءِيلَ الْبَحْرَ فَأَتْبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ وَجُنُودُهُ بَغْيًا وَعَدُوًّا
حَتَّى إِذَا أَدْرَكَهُ الْغَرَقُ قَالَ ءَامَنْتُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا الَّذِي ءَامَنْتُ بِهِ بَنُو
إِسْرَءِيلَ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ آلآنَ وَقَدْ عَصَيْتَ قَبْلُ وَكُنْتَ مِنَ
الْمُفْسِدِينَ فَالْيَوْمَ نُنَجِّيكَ بِبَدْنِكَ لَتَكُونَ لِمَنْ خَلْفَكَ ءَايَةً وَإِنَّ كَثِيرًا
مِنَ النَّاسِ عَنْ ءَايَتِنَا لَغَفُلُونَ

و ما بنی اسرائیل را از دریا عبور دادیم. در حالی که فرعون و لشکریانش از روی ستم و تجاوز آنان را دنبال می‌کردند تا چون غرقاب فرعون را فراگرفت گفت: ایمان آوردم که معبودی نیست جز آنکه بنی اسرائیل به او ایمان آورده‌اند و من از تسلیم شدگانم. آیا اکنون؟! (در آستانه‌ی مرگ توبه می‌کنی؟) در حالی که پیشتر نافرمانی می‌کردی و از تبه‌کاران بودی؟ پس امروز جسد تو را (از تلاشی شدن و کام حیوانات دریایی) نجات می‌دهیم تا عبرتی برای آیندگان باشی. یقیناً بسیاری از مردم از نشانه‌های ما غافلند!

(قرآن کریم- آیات ۹۲-۹۰ از سوره یونس)



در قرن بیستم، با ابزار آلات باستان‌شناسی و بهره‌گیری از دانش، پیکر متعلق به فرعون، یافت و شناسایی شده است.

محمد^(ص)، پیامبر اسلام، بیش از ۶۰۰ سال پس از دوران عیسی^(ع)، وسیله‌ای برای کشف آنچه که ۱۹۰۰ سال پیش از آن، بر سر پیکر فرعون آمده بود نداشت. به هنگام کشف مومیایی فرعون، ۱۳۰۰ سال از زمان محمد^(ص) می‌گذشت. اما آزمایشات علمی بر روی جسم فرعون، به این نتیجه رسید که پیکر یافت شده، در آب به هلاکت رسیده و پس از مدت کوتاهی از مرگ آن به حاشیه دریا رانده شده است. (آنچه اسلام نیز روایت می‌کند.)



به این ترتیب، موريس بوكای، مردی با شهرت بین المللی، از طریق اعمال شیوه های علمی به منظور ارزیابی و تشخیص، توانست کلام قرآن را به شکل مستند به اثبات برساند. به عقیده بوكای، این مطلب را تنها می توان به وحی الهی تعبیر نمود.

بوكای، پس از آن، خود را وقف مطالعه عمیق درباره وقایع مذهبی و رابطه آنها با علم نمود. یافته های وی، در کتابش تحت عنوان: انجیل، قرآن و علم، به چاپ رسیده است. این کتاب به فارسی نیز ترجمه و توسط دفتر نشر فرهنگ اسلامی چاپ شده است.

مباحثه با راهبه ارتدکس

راهبه مرکز مسیحیان ارتدکس مکزیک با حضور سفیر جمهوری اسلامی ایران محمد حسن قدیری ابیانه، به مباحثه با سفیر ایران درباره اسلام و مسیحیت و تفاوت‌ها و نقاط مشترک آنها پرداخت.

به گزارش خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا) چندی قبل مادر «دیونسیا» راهبه مرکز مسیحیان ارتدکس مکزیک به دعوت سفیر جمهوری اسلامی ایران در مکزیک، در محل سفارت کشورمان حضور یافت و در مورد موضوعات مشترک و نیز تفاوت‌های دین مبین اسلام و مسیحیت به ویژه ارتدکس نظیر ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی از جمله ازدواج، فلسفه خلقت انسان، فلسفه حجاب و سایر موارد مرتبط، با «قدیری» سفیر ایران به مباحثه نشست که مشروح آن به شرح ذیل است:

قدیری: ما معتقدیم که خداوند برای هدایت بشر پیامبران متعددی را مامور کرده است. ما، پیامبران الهی در مقاطع تاریخی مختلف را مثل معلمین مقاطع مختلف تحصیلی می‌دانیم. معلم مقطع دانشگاه آموخته‌های معلمین مقطع دبیرستان را تکذیب نمی‌کند، بلکه آن را تکمیل مینماید. معلمین مقطع دبیرستان هم آموخته‌های دوران دبستان را تکمیل می‌کنند.

ما معتقدیم که حضرت عیسی مسیح^(ع) پیامبر بزرگ الهی است و حضرت مریم^(س) را فردی مقدس و باکره می‌دانیم. ما هدایت‌های حضرت مسیح را مکمل هدایت‌های حضرت موسی^(ع) می‌دانیم و معتقدیم که پیامبر اسلام^(ص) نیز هدایت‌های ادیان الهی قبلی را تکمیل کرده است.



معتقدیم که کلام خدا بر تمامی پیامبران نازل شده است. به عبارتی نمی‌توان مسلمان بود و حضرت عیسی مسیح و یا حضرت موسی را مقدس ندانست. به عبارتی دیگر ما نیز مسیحی هستیم، منتهی حضرت عیسی (ع) را فرزند خدا نمی‌دانیم، بلکه او را پیامبری بزرگ محسوب می‌کنیم. هر چند که می‌دانیم که او پدر نداشت و حضرت مریم باکره بود. به معجزات متعدد حضرت مسیح (ع) نیز اعتقاد داریم و در قرآن ذکر شده است، سوره‌ای در قرآن به نام مریم وجود دارد. معتقدیم که آن پیامبری که حضرت مسیح وعده ظهور آن را دادند، همان پیامبر اسلام است.

پیامبر اسلام مانند سایر پیامبران الهی سواد خواندن و نوشتن نداشت تا کسی نتواند کلام آنها را به آموخته‌ها از آموزگاران نسبت دهد.

حدود یک هزار و چهارصد سال قبل پیامبر بزرگوار اسلام فرموده است: « شکستن شاخه هر درختی، شکستن بال فرشتگان است.» و یا فرمودند: «اگر کسی فردی را به خاطر فقرش تحقیر و یا به خاطر ثروتش ستایش کند، به جنگ با خدا پرداخته است».

اکنون شاهدیم که احزاب بسیاری در حمایت از محیط زیست فعال و قوی هستند و حتی نامشان را نظیر "حزب سبز" از آن گرفته‌اند. کدام حزب سبز یا طرفدار محیط زیست تا کنون شعاری با این استحکام در مورد حفظ محیط زیست داده است؟

زن در اسلام از جایگاه والایی برخوردار است. اکثریت زنان ایران مانند شما - راهبه‌ها - لباس می‌پوشند.

فلسفه حجاب در اسلام را خدمتتان توضیح می‌دهم. خدا انسان را با ویژگی‌های متفاوت آفرید. انسان برای زنده ماندن باید انرژی کسب کند و کسب انرژی از طریق خوردن است. اگر غذاها تلخ و بد مزه و بد بو می‌بود؛ انسان چاره‌ای جز خوردن نداشت تا بتواند

زنده بماند، همانگونه که داروهای تلخ را برای زنده ماندن مصرف می‌کند! اما چون خدا ارحم الراحمین است، خواسته است که تامین نیاز بشر توأم با لذت باشد، لذا قدرت چشایی را در دهان ما قرار داد و این همه محصولات متنوع را خلق کرد، به نحوی که زمان صرف غذا زمان مطلوب و لذت‌بخشی برای ما محسوب می‌شود.

بقای نسل بشر نیز بر پایه رابطه زن و مرد استوار است. خدا خواست این ارتباط نیز مطلوب باشد و بنابراین جذابیت جنسی متقابل مرد و زن را در آفرینش انسان مقرر داشت که این جذابیت از نظر اسلام نعمتی الهی و ارزشی مطلوب است. این نقطه مشترک اسلام با فرهنگ رایج غربی است.

در اسلام جذابیت جنسی یک ارزش زناشویی است، ولی در غرب علاوه بر ارزش زناشویی، ارزشی اجتماعی نیز محسوب می‌شود؛ به این معنا که اگر زنی در غرب جذاب باشد، بیشتر مورد احترام است و راحت‌تر شغل پیدا می‌کند، البته من از فرهنگ غرب صحبت می‌کنم و نه از مسیحیت.

اسلام برای اینکه جذابیت جنسی در روابط زناشویی وجود داشته باشد، ولی از روابط اجتماعی حذف شود، راه‌های مختلفی ارائه می‌کند که یکی از آنها حجاب است. در این صورت وقتی زنی محجبه وارد جامعه می‌شود، زیبایی و جذابیت جنسی او حذف و توانمندی‌های فکری او بروز می‌کند. هفتاد درصد از ظرفیت دانشگاه‌های ایران در اختیار زنان است و آنها حتی در المپیاد رشته‌های مختلف علمی موفقیت‌های چشمگیری داشته‌اند.

نه مرد و نه زن نباید به عنوان عنصر جذاب از نظر فیزیکی وارد جامعه شوند. علت تفاوت در نوع پوشش به دلیل تفاوت زن و مرد در نوع خلقت است. دانشمندان غربی در زمینه تحریک‌پذیری مرد و زن آزمایشاتی انجام داده‌اند که نتیجه آن نشان

می‌دهد تحریک‌پذیری جنسی مرد از طریق نگاه بیشتر از تاثیرپذیری زن از طریق نگاه است، بر همین اساس زن بایستی پوشیده‌تر باشد.

معتقدیم که حضرت مریم^(س) محجبه بوده‌اند. هیچ‌گاه وصف اندام او را ننشیده و نخوانده‌ایم، زیرا با حجاب خود اجازه نداده‌اند که از این جنبه مورد ارزیابی و قضاوت قرار گیرند. در موزه لوور پاریس تابلوی نقاشی‌ای از حضرت مریم^(س) در محیطی باز با زنان و سایر افراد هم عصرش به نمایش گذاشته شده است. البته نقاشی به عصر دیگری تعلق داشته، ولی در این نقاشی تصور نقاش از آن زمان متجلی شده است. در این نقاشی حضرت مریم^(س) با تعدادی از زنان با حجاب کامل و تعدادی زن بی‌حجاب در محیطی باز دیده می‌شوند که در مقابل یکدیگر به گفت‌وگو مشغولند. این تصویر نشان می‌دهد که (حداقل در تصور نقاش) حجاب حضرت مریم^(س) لباسی سنتی نبوده است، زیرا دیگر زنان در محیط عمومی بدون حجاب بودند.

در اسلام فلسفه حجاب، آزادی روابط اجتماعی از تاثیرپذیری جذابیت‌های جنسی است. در جوامع اسلامی هر چه سن زنان بالاتر رود محترم‌تر می‌باشند. اما در غرب پرسیدن سن زنان مسن یک سؤال نامطلوب محسوب می‌شود، زیرا آنها از بیان سن خود پرهیز می‌کنند و از آنجایی که مسن بودن به معنی از دست‌دادن زیبایی‌های فیزیکی است، از نظر اجتماعی نامطلوب محسوب می‌شود.

دختران محجبه که مایل نیستند اندام خود را نمایش دهند، در فرانسه از ادامه تحصیل محروم می‌شوند. زنان محجبه در بعضی مشاغل منع شده‌اند و این در حالی است که فحشا و همجنس‌گرایی در فرانسه و سایر کشورهای غربی ترویج می‌شود.

مادر روحانی: از اینکه شما در بیان اعتقادات خود آزادانه رفتار می‌کنید، خوشحال هستم و به شما احترام می‌گذارم. چهره شما نورانی است، مانند کسی است که راهش را یافته است. شما مانند کسانی هستید که به انسان‌ها نزدیک می‌شوند و می‌خواهند با آنها تبادل نظر کنند و از بیان اعتقادات خود هراسی ندارید. شنیدن صحبت‌های شما جالب است. من مسیحی ارتدکس هستم، بر این باورم که مسیح خدای واقعی است و مادرش مادر خداست و به تثلیث - خدا، پسر و روح القدس - ایمان دارم. در انجیل در مورد زن و رابطه زن و شوهر مطالبی آمده است. از نظر ما پوشش در مسیحیت ارتباطی با زن ندارد. برای اینکه زندگی راهبه زندگی خاصی است. بنابراین تمامی راهبه‌ها یکنواخت لباس می‌پوشند و تفاوت ما در پوشیدن مقنعه است. زنی که به عنوان راهبه وارد کلیسا می‌شود، خود و زندگی‌اش را به خدا اختصاص می‌دهد و سرش را می‌پوشاند. معتقدیم که زن پوشیده وارد کلیسا شود. در گذشته سرشان را می‌پوشانیدند.

این لباس (با اشاره به لباسش) پوشش مختص حضرت مریم^(س) در آن زمان نبود و تمامی زنان اینگونه می‌پوشیدند. جهان به سمت گناه پیش می‌رود و تدریجا از تعالیم کتاب مقدس فاصله می‌گیریم. یک راهبه زندگی خدایی را ادامه می‌دهد. زنی که برای راهبه شدن وارد کلیسا می‌شود، خودش تصمیم می‌گیرد. راهبان - مردها - نیز از آنجایی که زن در زندگی‌شان نیست، خود و زندگی‌شان را وقف خدا کرده‌اند، ریش و موهایشان را بلند می‌کنند. رنگ سیاه پوشش راهبه‌ها و راهبان در مسیحیت مفهوم خاصی دارد و نشانه مرگ در جهان است. به همین خاطر من شنا و رقص نمی‌کنم و برای خدمت به خدا و کمک به نیازمندان آماده‌ام. فلسفه

ما آمادگی برای مرگ است. بر اساس کتاب مقدس حضرت مسیح بازخواهد گشت.

دست ندادن ما با مردان نیز به دلیل این است که ما خود را به خاطر گناه حضرت حوا گناهکار دانسته و خود را شایسته دست دادن با مردان نمی‌دانیم.

قدیری: ما شیعیان به عروج حضرت عیسی^(ع) معتقدیم و بر این باوریم که شخصی مشابه ایشان به صلیب کشیده شده است. ضمناً معتقدیم که حضرت مسیح^(ع) با حضرت مهدی^(عج) امام دوازدهم شیعیان ظهور خواهند کرد و جزو یاران ولی عصر^(عج) خواهند بود.

معتقدیم او هرگز ادعا نکرد که فرزند خدا است و معتقدیم دیگران از فرط علاقه به او چون پدر نداشت، او را فرزند خدا نامیدند. حال آنکه حضرت آدم^(ع) و حوا^(س) نه پدر داشتند و نه مادر و کسی ادعا ندارد که آنها فرزند خدا هستند، بلکه همگی آنها را مخلوق خدا می‌دانیم.

همچنین ما معتقدیم که هر کس مسوول اعمال خود است و زنان نباید به خاطر خطای حضرت حوا^(س) احساس گناه کنند و پاسخگوی اشتباه او باشند. ضمناً معتقدیم که خداوند حضرت آدم و حوا را بخشیده است و جایگاه آنها بهشت است. ضمناً ما حضرت مریم^(س) را نیز معصوم می‌دانیم. فلسفه دست ندادن زنان در اسلام نیز برای رعایت مقام زن و احترام به او است.

مرگ حق است و دنیای دیگری وجود دارد. حضرت علی^(ع) امام اول شیعیان در این رابطه می‌فرمایند: دنیا مزرعه آخرت است. ما مسلمانان خدا را یکی می‌دانیم و معتقدیم که همه انسان‌ها شایسته ورود به بهشت هستند و این آنها هستند که با اعمال خود راهی بهشت می‌شوند و یا خود را از آن محروم می‌کنند.

ما معتقدیم که اگر کسی فردی را نجات دهد مثل این است که تمامی بشریت را نجات داده است. پوشش سیاه در جوامع اسلامی علامت مرگ نیست، بلکه به دلیل جلوگیری از بازتاب نور و ممانعت از نمایان شدن اندام بدن می‌باشد. از سوی دیگر پوشیدن لباس‌های رنگی به شرط رعایت حجاب و نمایان نشدن بدن بلامانع است.

نقاط مشترک بین ادیان اسلام و مسیحیت نیز زیاد است. می‌توانیم به عنوان پیروان دو مذهب مهم الهی با اهداف مشترک علیه پورونوگرایی، فساد، بی‌عدالتی و حمایت از ستمدیدگان و خیلی امور دیگر همکاری کنیم.

انتظارم از شما خواهر مذهبی این است که مثلاً زمانی که زنان مسلمان محجبه در فرانسه از تحصیل محروم می‌شوند، اعتراض کنید. اگر حضرت مریم^(س) امروز حضور داشت در فرانسه و برخی کشورها برای او حق تحصیل و کار قائل نبودند.

مادر روحانی: یکی از مادران مقدس در فرانسه در رشته حقوق تحصیل می‌کرد. به او گفتند که به خاطر حجاب نمی‌توانی تحصیل کنی، او گفت این عادلانه نیست و اگر به من فشار بیاورید مساله را به مطبوعات می‌کشانم. این مادر مقدس در آنجا انقلابی به پا کرد و نهایتاً مسئولان مجبور شدند که حجاب او را بپذیرند.

قدیری: در مورد اقلیت‌های مذهبی در ایران باید بگویم که آنها از احترام ویژه‌ای نزد مردم برخوردار هستند. از آنجایی که تعداد آنها کم است و در تمامی مناطق پراکنده‌اند، نمی‌توانند در انتخابات منطقه‌ای موفق شوند. ما برای حضور اقلیت‌های دینی در مجلس، شرایطی را فراهم کردیم که انتخابات برای آنها سراسری باشد. در حال حاضر جامعه مسیحیان دو نماینده و یهودیان یک نماینده در مجلس شورای اسلامی دارند.

این را هم بگویم که به اعتقاد ما بین صهیونیست‌ها و یهودی‌ها فرق است، هر چند یک صهیونیست می‌گوید که یهودی است. مثلاً طالبان در افغانستان نماینده اسلام محسوب نمی‌شوند، همانطور که فاشیسم و نازیسم علی‌رغم ادعای مسیحی بودنشان برابر با مسیحیت نیستند و همین‌طور صهیونیست با یهودیت هم طراز نیست. ما صهیونیسم را مثل فاشیسم و نازیسم حزب و جریانی جنایتکار می‌دانیم، در حالی که یهودیت و مسیحیت را ادیان الهی می‌شناسیم و برای پیروان واقعی آنها احترام زیادی قائل هستیم.

ما از حق خواهران روحانی برای تحصیل در ایران حمایت می‌کنیم و توقع داریم شما نیز از حقوق زنان مسلمان در جوامع مسیحی حمایت کنید. در یونان فیلمی اهانت‌آمیز علیه حضرت عیسی مسیح^(ع) به نمایش گذاشته شد که ما در ایران به اکران این فیلم اعتراض کردیم. در ایران توهین به پیامبران و به ویژه حضرت عیسی^(ع) و حضرت مریم^(س) جرم و توهین به اسلام محسوب می‌شود. این باور ما است.

مادر روحانی: موضع شما از مواضع بسیاری از مسیحیان و حتی ارتدکس‌های یونان بهتر بود، زیرا اغلب ارتدکس‌ها متوجه این بی‌حرمتی نشدند؛ از این جهت شما یک مسیحی واقعی هستید. حتی یکی از هنرپیشه‌های این فیلم نیز ارتدکس بود. من از ملاقات و گفت‌وگو با شما خوشحال شدم و از جنابعالی برای بازدید و گفت‌وگو به کلیسای ارتدکس دعوت می‌کنم.

در خاتمه دکتر قدیری یک جلد قرآن و یک لوح فشرده حاوی فیلم مریم مقدس اهدا کرد که مورد استقبال راهبه ارتدکس قرار گرفت.



ملکه دانایی یا ملکه زیبایی!

محمد حسن قدیری ابیانه سفیر جمهوری اسلامی ایران در
مکزیک در اولین کنگره بین‌المللی آموزش راهنمایی و متوسطه در
شهر مکزیکوسیتی است

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان

خانم‌ها و آقایان!

خیلی متشکرم که در این اجلاس فرصتی را در اختیار اینجانب
قرار دادید تا پیرامون موضوعی که نام آن را "ملکه دانایی یا ملکه
زیبایی" قرار داده‌ام با شما صحبت کنم.

حضرت محمد (ص) پیامبر گرامی اسلام فرموده‌اند که یک
ساعت تفکر از ۷۰ سال عبادت بالاتر است. گرچه شما همگی اهل
فکر کردن هستید و به این منظور در اینجا گرد هم آمده‌اید، لیکن
امیدوارم صحبت‌های اینجانب شما را به تفکر بیشتر و لااقل
شناخت بیشتر در مورد اعتقادات ما ترغیب کند.

حضرت امام خمینی (ره) شغل معلمی را شغل پیامبران نامیده‌اند.
اسلام، تحصیل و تدریس علم را اگر با هدف صحیح انجام گیرد
عبادت خدا می‌داند.

قبل از ورود به بحث اصلی که پیرامون موضوع آموزش است
لازم می‌دانم دیدگاه اسلام را در مورد زن و روابط زناشویی بیان
کنم. کاتولیک‌ها روابط جنسی را یک امر بدی می‌دانند که برای
بقای نسل بشر ضروری است و به همین دلیل هم کشیش‌ها و
راهبه‌ها برای نزدیکی بیشتر با خدا از ازدواج پرهیز می‌کنند. در
فرهنگ رایج غربی این روابط را امری خوب تلقی کرده، جذابیت
جنسی نه تنها یک ارزش زناشویی، بلکه به یک ارزش اجتماعی و

حتی تجاری تبدیل شده است. اسلام حد میانه‌ای بین این دو تلقی را می‌پذیرد.

در اسلام روابط زناشویی یک امر خوب ضروری تلقی می‌گردد به نحوی که پیامبر گرامی اسلام (ص) ازدواج را نیمی از ایمان دانسته و افراد مذهبی معمولاً زودتر از دیگران ازدواج می‌کنند.

بنابراین زیبا بودن و از نظر جنسی جذاب بودن یک نعمت الهی و یک ارزش محسوب می‌گردد. لیکن در اسلام یک ارزش زناشویی است و نباید به ارزش اجتماعی و یا تجاری و تبلیغاتی تبدیل گردد.

به همین لحاظ نیز زنان و مردان مسلمان چنانچه خود را برای همسر خود در خلوت بیاریند و جذاب‌تر کنند ثواب می‌برند، لیکن جذابیت جنسی نباید وارد روابط اجتماعی شود. در اسلام ارزش اجتماعی زن یا مرد به اندازه قد، دور کمر، رنگ و نژاد او نیست، بلکه به ایمان، آگاهی، سواد و اعمال نیک انسانی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و امثالهم بستگی دارد. لذا زنان مسلمان وقتی از خانه خود خارج می‌شوند بدن خود را می‌پوشانند تا به عنوان یک عنصر جذاب جنسی وارد روابط اجتماعی نشوند همانگونه که حضرت مریم^(س) چنین لباس می‌پوشید.

تاریخ از ترکیب بدنی آن حضرت چیزی ننوشته است، زیرا با نوع پوشش خود به کسی اجازه نمی‌داد که او را از این بابت مورد قضاوت قرار دهند و هرچه در تاریخ درباره آن حضرت به رشته تحریر در آمده است در مورد معنویت، انسان دوستی و کارهای خیر و کلام نافذ وی و نقش مهم مادری است که در مورد عیسی مسیح^(ع) ایفا کرده است.

بنابراین زنان مسلمان حجاب اسلامی خویش را پرچم آزادگی خود و احترام به شخصیت خود می‌دانند و به آن افتخار می‌کنند.

حال این سؤال مطرح است که چه روشی برای زنان یک جامعه و ازجمله برای دانش‌آموزان و دانشجویان بهتر است. آیا اینکه جذابیت جنسی یک ارزش زناشویی باقی بماند بهتر است؟ و یا اینکه ارزش اجتماعی و اقتصادی نیز باشد به نفع زنان است؟ واقعیت این است که ما مسلمانان استفاده از بدن زنان برای فروش کالاها و تقلیل مقام زن به یک عنصر تبلیغاتی جنسی را توهین به شخصیت زن تلقی می‌کنیم.

ما دعوت از زنان برای حضور نیمه‌عریان و جذاب و جنسی در مهمانی‌ها، هتل‌ها، فروشگاه‌ها و غیره را تحقیر زنان تلقی می‌کنیم. تحقیری که در غرب به عنوان یک ارزش اجتماعی و حتی شغلی محسوب می‌شود و متأسفانه تعداد قابل توجهی از زنان به آن تن داده‌اند.

اینک وارد بحث آموزش و پرورش و ترتیب جوانان و به ویژه دختران می‌شویم. مسابقه‌ای در فرهنگ کشورهای لائیک وجود دارد که به دختر شایسته یا زیبا و جذاب معروف است. در بازدید از یکی از شهرها به وجود مسابقه‌ای پی بردم که در آن هر ساله زیباترین دختر شهر انتخاب می‌شود و در طول سال وی پرچمدار شهر در مراسم مختلف است. حال این سوال مطرح است که آیا باید زیباترین دختر افتخار پرچمداری یک شهر را برعهده گیرد و یا با سوادترین آنها.

آیا بهتر نیست که مسابقه بین دختران برای عرضه اندام و جذابیت خویش به مسابقه داناترین و با سوادترین اعم از پسر و دختر تبدیل شود. آیا بهتر نیست از کسانی تجلیل گردد که آنچه را که دارند خود به دست آورده باشند و نتیجه تلاش خود آنها باشد؟ آیا بهتر نیست از ارزشی تجلیل گردد که حاصل آن به نفع همه

جامعه است؟



آیا نمایش جذابیت‌های جنسی جز تحریک جنسی در جامعه نتیجه‌ای دارد که در موارد بسیاری منشاء تجاوزها و فسادها است. به همین لحاظ نیز مسابقه دختر زیبا که در قبل از انقلاب اسلامی در ایران توسط رژیم دیکتاتوری شاه رواج داده می‌شد تعطیل گردید و امروزه در ایران اسلامی جذابیت جنسی یک ارزش اجتماعی و تجاری نیست، بلکه دانش، اختراع، فعالیت‌های اجتماعی و انسان دوستانه و ایمان به خدا ارزش است.

مایه تأسف است که در کشوری مثل فرانسه دختران مسلمان نوجوان دانش آموز که مایل نیستند اندام و زیبایی‌های خود را به نمایش بگذارند قانوناً از تحصیل محروم می‌گردند و از حق تحصیل هم جنس گرایان صحبت می‌شود و مدارس خاص نیز برای آنها تدارک می‌گردد تا در جمع دیگر دانش آموزان احساس تحقیر نکنند.

در فرانسه یکی از وزرای فرهنگ این کشور درحالی که به همجنس‌گرایی خود اعتراف و افتخار می‌کرد که اگر امروز حضرت مریم (س) حضور می‌داشت به خاطر حجابش حق تحصیل و اشتغال نداشت.

آمارهایی را برخی کشورهای اروپایی بدون ذکر نام آنها ذکر می‌کنم:

— در یکی از این کشورها از هر سه زن به یکی تجاوز شده است.

— از هر ۴ زن یک زن تجربه اول خویش را با برادر خود داشته است.

— هر مردی که ۳ فرزند دارد یکی از آن او نیست و خود نمی‌داند.

— تحقیقات دانشمندان یک دانشگاه آمریکایی نشان می‌دهد که زنانی که در حضور اجتماعی خود نگران ظاهر خویش هستند بخشی از توان ذهنی خویش را از دست می‌دهند.

خانم‌ها و آقایان !

در اسلام همانطور که در ابتدا ذکر شد روابط جنسی یک نیاز بیولوژیک بدن و یک امر مطلوب محسوب می‌گردد. لیکن این امر باید در چارچوب روابط زناشویی انجام پذیرد.

چون امری پسندیده است یکی از ملاک‌های ازدواج در اسلام رسیدن به سن بلوغ جنسی است. در غرب ازدواج زیر ۱۸ سال را برای دختران ممنوع می‌کنند و این بدین معنی است که در چند ساله اول بلوغ و اوج خواسته‌های جنسی از یک طرف آن را ممنوع می‌کنند و از سوی دیگر در اوج سن بلوغ در مدارس مختلط به سر می‌برند و این درحالی است که از در و دیوار شهر تحریک جنسی آنها را احاطه کرده است و نتیجه آنکه راه‌حل برای جلوگیری از حاملگی دختران دانش‌آموز را اهدا وسایل پیش گیرنده می‌یابند که نمونه آن در این اجلاس به نمایش درآمد و البته این امر نیز کفایت نمی‌کند.

در ایران مدارس دختران و پسران - بویژه درسن بلوغ - جداگانه بوده و این امر در تمرکز تحصیلی دانش‌آموزان بسیار موثر است.

به هر حال از آنجا که در پیشرفت همه جانبه یک کشور آگاهی و دانایی بیشترین تاثیر را دارد و از آنجا که به عقیده ما مسلمانان جذابیت جنسی نباید یک ارزش اجتماعی و تجاری باشد، برای اینکه علم‌آموزی مورد تشویق قرارگیرد به همه ملت‌های جهان پیشنهاد می‌کنم که انتخاب دختر باهوش را جایگزین دختر زیبا کنند و یا بهتر آنکه مسابقه باهوش‌تر و باسوادتر بودن را ملاک قرار

دهند که هم دختران و هم پسران بتوانند در این رقابت‌ها شرکت نمایند و برندگان این مسابقات علمی حمل کننده پرچم شهر خویش و سمبل جوان و دانش‌آموز موفق معرفی گردند.

اجازه می‌خواهم صحبت خود را با آماری از تحصیلات دانشگاهی ایران به پایان برم و آن اینکه بیش از ۶۴ درصد ۴ میلیون دانشجوی دانشگاه‌های ایران را دختران تشکیل می‌دهند. حدود ۳۵ درصد کادر علمی دانشگاه‌ها و ۶۰ درصد پزشکان کشور نیز زن هستند. مقام بهترین مخترع جوان جهان را طی دو سال پیایی یک دختر مسلمان ایرانی به خود اختصاص داد. از توجه‌تان متشکرم. خدا نگهدارتان.

فصل پنجم

سنگینہ

روشی برای ترویج

مسیحیت





روشی برای ترویج مسیحیت

The Horrors of The Church and its Holy Inquisition

در حالی که مسیحیان در اقدامات تبلیغی خود، کلیساها و مسیحیان را صلح‌دوست و انسان‌دوست و بدور از خشونت معرفی می‌نمایند، شکنجه ابزار عادی آنان در تغییر مذهب دیگران و تحمیل دیدگاه‌های شان داشته است.

شکنجه‌های بسیار فجیع که بویژه در مستعمرات بکار می‌بسته‌اند. صدور حکم اعدام برای گاليله به این دلیل که زمین را کروی معرفی کرده بود زبانه‌زد خاص و عام می‌باشد.

«در طی دوره قرون وسطی و حاکمیت کلیسا کار پاپ و روحانیت مسیح تکفیر و تحریم بود و میلیون‌ها انسان حق‌جو و دانشمند را اعدام و شکنجه کردند.

پاپ و روحانیت کلیسا در این دوران جان ملتها را به لب رساندند. آنان دستگاه گسترده تفتیش عقاید و افکار دایر کردند و کلیه مخالفان فکری عقیدتی خود را اعدام و سر به نیست کردند.

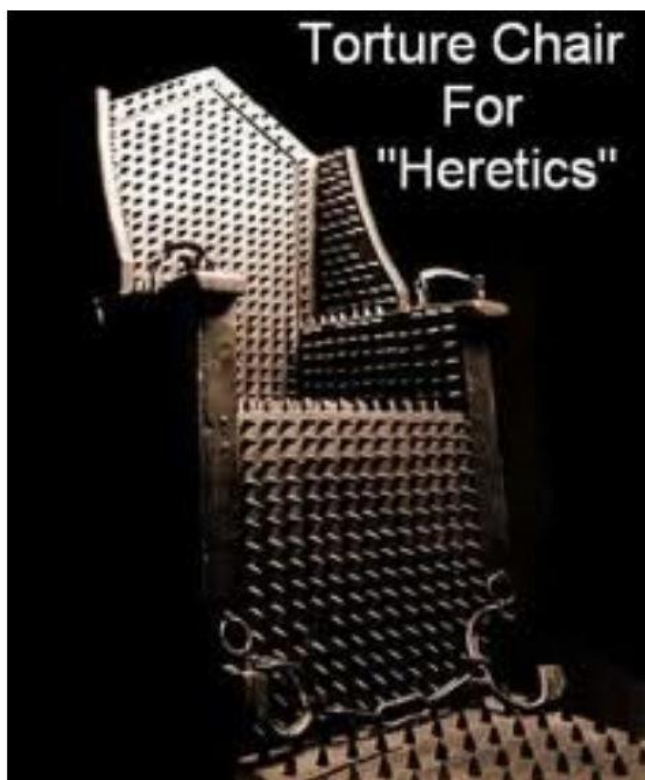
نویسنده کتاب «علم و دین» می‌گوید: در این دوره سیاه « پنج میلیون» نفر به جرم فکر کردن و سرپیچی از فرمان پاپ به دار زده شدند، گروه بسیاری را در سیاه‌چال‌های تاریک و مرطوب روم و... زندانی کردند، از سال ۱۴۸۱ تا ۱۴۹۹ میلادی یعنی در طی ۱۸ سال به دستور دادگاه تفتیش عقاید، ۱۰۲۲۰ نفر را زنده سوزاندند، ۶۸۶۰ نفر شقه کردند و ۹۷۰۲۳ نفر را در زیر شکنجه کشتند.» (مبلغی

آبادانی، عبدالله، تاریخ ادیان و مذاهب جهان جلد دوم)

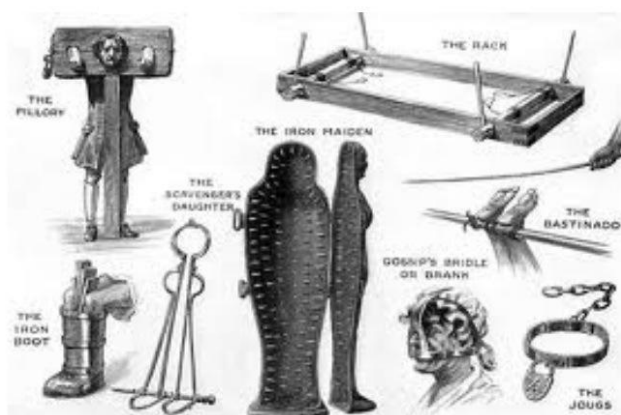
تصاویر زیادی با جستجو در صفحات تصاویر سایت‌های جستجو و با وارد کردن دو عبارت شکنجه و کلیسا (Torture + Church) قابل مشاهده می‌باشد.

امروزه موزه‌های زیادی در جهان وجود دارد که ابزار شکنجه و طریق انجام آن را به نمایش گذاشته‌اند. کافی است در قسمت تصاویر سایت‌های اینترنتی عبارات شکنجه و کلیسا را مشترکا جستجو کنید تا به تعداد زیادی از تصاویر ابزار شکنجه دسترسی پیدا نمایید. یکی از موزه‌های مورد اشاره در شهر مکزیکوسیتی قرار دارد که نگارنده شخصا از آن بازدید به عمل آورده است.





صندلی تمام میخی و نیز سایر ابزار شکنجه مورد استفاده کلیسا
برای قبولاندن تثلیث





ظرف ۱۸ سال ۶۸۶۰ نفر با اره شقه شدند



اره‌های بزرگی که برای دو نیم کردن متهم بکار می‌رفته، یا میله‌هایی که از مقعد زندانی فرو رفته و از دهانش خارج می‌گردد، یا هرم‌هایی چوبی یا فلزی که مقعد معارض را بر روی آن قرار داده و او را به پایین می‌کشند تا متهم دو نیم شود و بسیاری از شکنجه‌های دیگر از قبیل کندن پوست کامل فرد در حالی که زنده است که شکنجه‌گران آن کشیشان و راهبه‌ها بوده و در موارد زیادی شکنجه‌گاه‌ها در خود کلیساها بوده است.

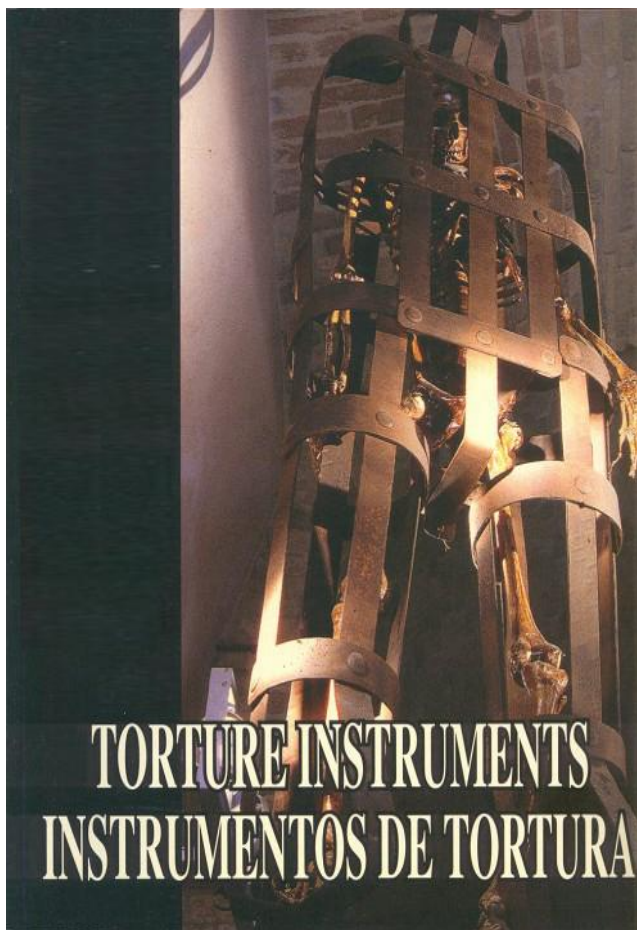


ابزار مندرج در تصویر فوق را وارد رحم یا مقعد نموده و سپس با پیچاندن آن، پره‌ها را باز و از درون بدن پارگی ایجاد می‌کردند.



در تصویر فوق مقعد یا دریچه رحم فرد را در نوک تیز جسم
 حرمی شکل قرار داده و آنرا به پایین می کشند تا او را پاره پاره
 کنند. تصویر زیر پوزه بند برای زندانیان است.





فرد را پس از شکنجه های بسیار در درون قفسه فلزی قرار می دادند و به او آب و غذا نمی دادند تا یا به اعتقاد مسیحیان در آید و مسیح را خدای خود بداند و یا از گرسنگی بمیرد و بر اثر مرور زمان استخوانهایی بیش از او نماند. نمایش این وضعیت برای ایجاد رعب و وحشت در دیگر زندانیان نیز مفید تشخیص داده می شد.





تصویر یک شکنجه رایج در ملاء عام برای ترویج مسیحیت



کندن پوست کامل افراد زنده در شکنجه‌گاه‌های کلیسا یکی از
روش‌های معمول بوده است. تصویر فوق، شکنجه‌گران را در حال
بریدن پوست دست نشان می‌دهد

روش غرق آب مصنوعی که امروزه آمریکایی ها در شکنجه بکار می گیرند در قرون وسطی توسط کلیسا بکار گرفته می شد.



[tormentodelagua02.jpg](#)

400 × 295 - Medieval waterboarding used on a heretic or witch by the Catholic Church



طرح سوالات مربوط به کتاب

۱- عامل اصلی مجرد ماندن کشیشان چه بوده است؟

☐ الف: همگی را فرزند خود بدانند.

☐ ب: به خدا نزدیکتر باشند.

☐ ج: نتوانند درآمدهای کلیسا را خرج خانواده خویش کنند.

☐ د: هیچکدام.

۲- هدف اصلی از مراسم اعتراف به گناهان و بخشش آن در

کلیساها چه بوده است؟

☐ الف: کنترل جامعه

☐ ب: کسب درآمد برای کلیسا

☐ ج: هیچکدام

☐ د: هر دو (الف و ب)

۳- از نظر کلیسا غسل تعمیدی که توسط کشیشان متجاوز به

کودکان صورت می گیرد چه وضعیتی دارد؟

☐ الف: قبول است.

☐ ب: قبول نیست.

☐ ج: نیاز به تجدید دارد

☐ د: موارد الف و ب

۴- چرا کلیسا گالیله را محکوم به اعدام کرد؟

☐ الف: نفی خدا

☐ ب: نفی حضرت مسیح^(ع)

☐ ج: کروی دانستن زمین

☐ د: هر سه مورد

۵- نظر کلیسا در قرون وسطی در مورد شکنجه چه بود؟

☐ الف: مخالف شکنجه بود

☐ ب: موافق شکنجه بود.

☐ ج: عامل شکنجه بود.

☐ د: مورد ۲ و ۳

۶- نظر انجیل در مورد حجاب زنان چیست؟

☐ الف: نظری نداده است.

☐ ب: رعایت حجاب زنان را به خود آنان واگذار کرده است.

☐ ج: بر رعایت حجاب توسط زنان تاکید دارد

☐ د: هیچکدام.

۷- دلیل قرآن برای رد الهویت حضرت مسیح (ع) کدام است؟

☐ الف: خلقت وی مثل خلقت آدم است (بدون پدر و مادر) و

خدا گفت باش و شد.

☐ ب: مسیح (ع) غذا می خورد.

☐ ج: خدا بی نیاز از فرزند است.

☐ د: هر سه مورد.

۸- در مورد دیدگاههای مسیحیان، یهودیان و مسلمانان نسبت

به حضرت مسیح (ع) کدام دیدگاه وجود دارد؟

☐ الف: مسیحیان حضرت مسیح را فرزند خدا می دانند.

☐ ب: مسلمانان او را پیامبری اولوالعظم و بدون پدر می دانند.

☐ ج: یهودیان معجزه ای برای آن حضرت قائل نبوده و او را

فرزند نامشروع گناه بزرگ حضرت مریم (س) می دانند.

☐ د: هر سه مورد.

۹- کدام یک از معجزات زیر در قرآن آمده که در انجیل ذکر نشده است؟

- ☐ الف: برای حضرت مریم^(س) از بهشت میوه فرستاده می شد.
- ☐ ب: حضرت مسیح^(ع) در کودکی به سخن گفتن پرداخت.
- ☐ ج: غذایی که در بین مسیحیان به شام آخر معروف است معجزه و ارسالی از سوی خداوند بود.
- ☐ د: هر سه مورد.

۱۰- ویژگی حضرت مریم^(س) مطابق با باور مسیحیان کدام یک از موارد زیر است؟

- ☐ الف: مادر خدا.
- ☐ ب: همسر خدا.
- ☐ ج: انسانی از نسل آدم و هوا.
- ☐ د: هر سه مورد.

۱۱- دیدگاه مسیحیان کاتولیک نسبت به ازدواج چیست؟

- ☐ الف: یک امر طبیعی است.
- ☐ ب: یک بد ضروری است.
- ☐ ج: امری خوب و ضروری است.
- ☐ د: هیچکدام.

۱۲- مبنای مراسم غسل تعمید چیست؟

- ☐ الف: همه ابنای بشر گناه کار به دنیا می آیند.
- ☐ ب: نسل آدم و هوا حامل گناه آن دو است.
- ☐ ج: غسل تعمید برای حذف گناه ذاتی بشر و باز کردن راه ورود به بهشت برای آنها است.
- ☐ د: هر سه مورد.

۱۳- نان و شرابی که در مراسم عشاء ربانی در کلیساها به پیروان می دهند تا بخورند سمبل چیست؟

- ☐ الف: دعای اینکه همواره از خوراک بهره مند باشند.
- ☐ ب: سمبل گوشت و خون حضرت مسیح (ع) که او را خدا (خدای پسر) میدانند.
- ☐ ج: سمبل نعمت هایی که خداوند به انسان داده است.
- ☐ د: هیچکدام.

۱۴- در انجیل از قول حضرت مسیح (ع) چه نقل شده است که مبنای مراسم عشاء ربانی شده است؟

- ☐ الف: گوشت و خون من خوردنی حقیقی است.
- ☐ ب: هر که مرا بخورد در من ساکن و جاوید میشود.
- ☐ ج: هیچکدام.
- ☐ د: هر دو مورد.

جدول برای درج پاسخ سوالات

سوال	الف	ب	ج	د
۱	الف	ب	ج	د
۲	الف	ب	ج	د
۳	الف	ب	ج	د
۴	الف	ب	ج	د
۵	الف	ب	ج	د
۶	الف	ب	ج	د
۷	الف	ب	ج	د
۸	الف	ب	ج	د
۹	الف	ب	ج	د
۱۰	الف	ب	ج	د
۱۱	الف	ب	ج	د
۱۲	الف	ب	ج	د
۱۳	الف	ب	ج	د
۱۴	الف	ب	ج	د

یادداشت

